

تعهد ناتو به ادامه همکاری و حمایت از افغانستان



عید سعید قربان، روز اوج نیایش و بندگی و تجلی ایثار ابراهیمی مبارکباد!

ھیأت رهبری غضنفر بانک



نمایی از کار گروهی غضنفر بانک در آئینه تصویر



ماسټر ډبټ کارټ غزنفر بانک



غزنفر بانک، بانک من و تو

فهرست مطالب

سخن ماه

- ماشین های خود پرداز پول غضنفر بانک گامی در جهت توسعه تجارت ۲

اقتصادی

- تعهد ناتو به ادامه همکاری و حمایت از افغانستان ۳
- گفتگو با رئیس اتحادیه ملی پیشه وران افغانستان ۴
- نگاه کلی بر عوامل اصلی فقر ۷
- اهمیت نیروی انسانی در توسعه اقتصادی ۱۲
- بانکونه او تجارت ۱۶
- سرمایه اجتماعی و ابعاد آن ۲۰
- مهارت های اقتصادی خانواده ۲۲
- مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی ۲۶
- جهانی شدن، جهشی در اقتصاد جهانی ۲۹
- تورم و علل آن ۳۴

اجتماعی

- امضای توافق نامه همکاری میان وزارت امور زنان و اداره انکشاف شهر جدید کابل ۳۷
- کنفرانس جلوگیری از مصارف گراف محافل ۳۸
- نقش عاطفه و احساس در زندگی ۴۰
- علایم افسردگی و راه های مبارزه با آن ۴۳
- ناک و ارزش غذایی آن ۴۷
- نگارستان ملی ۴۹
- رباب، آله اصیل موسیقی افغانستانی ۵۰
- سیما نوری شاعر، فعال مدنی و حقوقی ۵۱
- قهرمانی آلمان در جام جهانی فوتبال برزیل ۵۲

ادبی

- شمس تبریزی عارف و یاور مولانا ۵۴
- ادبستان (ویژه شعر و ادب) ۵۶
- جمله های طلایی ۵۸
- حکایت و اندرز ۶۰
- نمایندگی های غضنفر بانک ۶۱
- نامه جبران خلیل جبران در باره ازدواج ۶۲
- مجاوره اوزیگی ۶۳

Ghazanfar Bank Debit Card Information



صاحب امتیاز: غضنفر بانک
مؤسس: محمد اسماعیل غضنفر
مدیر مسوول: نور احمد فهیم

هیأت تحریر

سرمحقق عبدالباری راشد
سرمحقق شیر علی تیزی
معاون سرمحقق عبدالحکیم رامیار

دیزاینر: نویدالله محمدی

اداره ماهنامه غضنفر بانک در ویرایش
مقالات دست باز دارد.

آدرس : ۸۶۶ سرک عمومی شیرپور
کابل - افغانستان

+۹۳(۰)۷۹۷۸۶۰۰۸۸

Email: magazine@ghazanfarbank.com
www. ghazanfarbank.com

چاپخانه: مطبعه بهیر



سخن ماه

ماشین های خود پرداز پول (ATM) غضنفر بانک گامی در جهت توسعه تجارت

گسترش امکانات اطلاعاتی و ارتباطی و نفوذ آن به بازارهای پولی و بانکی در جهان، نه تنها تسهیلاتی را برای مشتریان بانک ها فراهم کرده است بلکه نحوه فعالیت و عملکرد بانکداری را متحول و تسهیل کرده است. ورود ماشین های خود پرداز پول یا (Automatic Teller Machine) به عرصه بانکداری یکی از دستاوردهای بزرگ در این عرصه به شمار می رود، فعالیت این دستگاه ها سبب شده است تا زمینه های جلوگیری از ضیاع وقت، توسعه تجارت و زمینه های رشد اقتصاد کشور فراهم گردد. به همین منظور ماشین های (ATM) در بانک های کشور ما به ویژه در غضنفر بانک با استقبال گرم مشتریان مواجه شده است.

ماشین خودپرداز پول به مشتریان بانک کمک می کند تا با استفاده از کارت دست داشته خویش که از سوی بانک مربوطه صادر می شود و وارد کردن یک رمز عبور، بدون اینکه به بانک مراجعه کند، از حساب خود پول دریافت کرده یا صورت حساب بانکی خود را بررسی کند. در ضمن ماشین های خودپرداز پول در مسافرت خصوصاً در جاهایی که بانک شما نمایندگی نداشته باشد، ماشین (ATM) فوق العاده مفید و با اهمیت است زیرا در صورت اتصال ماشین (ATM) بانک مورد معامله شما با خودپردازهای خارجی، شما می توانید در خارج از کشور پول تان را با بهای مناسب با ارز رایج آن کشور تبدیل کنید.

همچنان ماشین خودپرداز پول موجب توسعه تجارت در مناطقی که این ماشین ها در آنجا نصب شده است می شود. بررسی ها نشان داده است مشتریان که کارت های استفاده از ماشین های خود پرداز پول دارند ۲۰ تا ۲۵ درصد بیشتر از مشتریان فاقد کارت (ATM) خرید می کنند. بدین ترتیب وجود ماشین های خود پرداز پول موجب رونق کار و تجارت نیز می شوند. زیرا اکثراً مردم مایل به خریداری از مکان هایی هستند که دارای ماشین های (ATM) هستند. از سوی دیگر در بدل هر بار استفاده از ماشین (ATM) برای صاحب ماشین (ATM) مبلغی به عنوان حق الزحمه در نظر گرفته می شود. در ضمن علاوه بر اینکه استفاده از خود پردازها خطرات ناشی از چک های برگشتی را کاهش می دهد، هنگام تبدیل پول به سایر ارزهای خارجی از یکطرف دارنده کارت از حمل ارزهای خارجی بی نیاز می شود، از سوی دیگر احتمال سرقت پول را به حد اقل می رساند.

بنابراین ماشین های خود پرداز پول (ATM) یکی از عوامل توسعه تجارت، حفظ پول از دستبرد و سرقت و جلوگیری از ضیاع وقت به شمار می رود پس بیایید با استفاده از خدمات ماشین های خود پرداز پول (ATM) غضنفر بانک نه تنها از ضایع شدن وقت جلوگیری نمایید بلکه تجارت و کار و بار خود را نیز رونق بخشید.



تعهد ناتو به ادامه همکاری و حمایت از افغانستان

دبیر کل ناتو در نشست ولز که روز پنجشنبه مورخ ۱۳ سنبله ۱۳۹۳ خورشیدی در کشور انگلستان برگزار شده بود، تجدید حمایت این سازمان از دولت افغانستان را اعلام کرد.

محترم راسموسن دبیرکل ناتو گفت: ماموریت نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت (آیساف) تا پایان ماه دسمبر امسال به پایان خواهد رسید و پس از آن ۳۵۰ هزار نیروی امنیتی افغانستان وظیفه کامل تامین امنیت کشور خود را به عهده خواهند داشت.

طبق گزارش بخش فارسی رادیو بی بی سی، دبیرکل ناتو که در میان خبرنگاران صحبت می‌کرد، گفت: ناتو پس از سال ۲۰۱۴ در سه عرصه به حمایت خود از افغانستان ادامه خواهد داد.

- ناتو آماده است تا یک ماموریت غیر رزمی را برای آموزش، مشوره‌دهی و حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان در جنوری سال ۲۰۱۵ آغاز کند. این ماموریت به 'حمایت قاطع' موسوم است. راسموسن گفت که این ماموریت مشروط به امضای موافقت‌نامه امنیتی میان افغانستان و آمریکا و امضای موافقت‌نامه وضعیت نیروها با ناتو است.

- ناتو همچنان نیروهای امنیتی افغانستان را تا سال ۲۰۱۷ مورد حمایت مالی قرار می‌دهد. راسموسن گفت که این حمایت مالی شامل همان تعهداتی است که در نشست سران ناتو در شیکاگو صورت گرفته بود. سران ناتو در شیکاگو تعهد کرده بودند که سالانه حدود ۴ میلیارد دلار به نیروهای امنیتی افغانستان کمک خواهند کرد.

- تعهد دوباره ناتو به 'همکاری پایدار ناتو و افغانستان' که در نشست سران این سازمان در لیسبون تصویب شده بود و براساس آن ناتو در دراز مدت از افغانستان حمایت خواهد کرد. این همکاری شامل تماس درازمدت میان ناتو و افغانستان پس از اتمام ماموریت آیساف و خروج کامل نیروهای ناتو از افغانستان است. براساس این همکاری ناتو متعهد است تا هیچ وقت دیگر اجازه ندهد که افغانستان به پایگاه 'تروریست‌ها' یا 'تروریسم' تبدیل شود.

قابل یادآوریست که در این نشست محترم بسم الله محمدی وزیر دفاع کشور به نمایندگی از افغانستان شرکت کرده بود.



گفتگو با رئیس اتحادیه ملی پیشه وران افغانستان

ماهنامه غضنفر بانک مصمم است به منظور روشن شدن هرچه بیشتر و بهتر ابعاد بانکداری و نهادینه شدن فرهنگ استفاده از بانکداری اسلامی در کشور، مسایل، قوانین و شیوه عملکرد بانکداری بویژه بانکداری اسلامی را با علماء، دانشمندان و کارشناسان امور اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار دهد. بر این اساس گفتگویی داریم با محترم محمد حسن سپاهی رئیس اتحادیه ملی پیشه وران افغانستان که توجه خوانندگان محترم را به آن جلب می کنیم.

پرسش: ضمن تشکر و قدردانی از همکاری تان، لطفاً مختصراً پیرامون روند فعالیت اتحادیه ملی پیشه وران افغانستان معلومات بدهید؟

پاسخ: اتحادیه ملی پیشه وران افغانستان یکی از سازمان های اجتماعی غیر دولتی و غیر سیاسی می باشد که ۲۶ سال سابقه فعالیت دارد، وظایف عمده آن دفاع از حقوق و منافع پیشه وران و ارایه خدمت برای پیشه وران می باشد. هدف از تشکیل این اتحادیه فراهم نمودن فضای مناسب کار برای پیشه وران می باشد. اتحادیه ملی پیشه وران افغانستان یک





گفتگو با رئیس اتحادیه ملی پیشه وران افغانستان

است که اگر بانک های خصوصی به ویژه غضنفر بانک که هم اکنون در جهت تمویل مالی و پرداخت قرضه هم از طریق بانکداری عمومی و هم از طریق بانکداری اسلامی همکاری دارند، شرایط واگذاری قرضه های کوچک به پیشه وران کشور را تسهیل نمایند، یقیناً زمینه فعالیت پیشه وران وسعت خواهد یافت، نه تنها زمینه کار بیشتر برای مردم فراهم خواهد شد، بلکه زمینه رشد اقتصاد کشور نیز مساعد خواهد.

پرسش: روند فعالیت وامکانات بانکی غضنفر بانک را چگونه ارزیابی می کنید؟

پاسخ: گرچه ما تاکنون با غضنفر بانک رابطه داد و ستد نداریم اما امیدوارم این مصاحبه زمینه ساز همکاری میان غضنفر بانک و اعضای اتحادیه ملی پیشه وران افغانستان باشد.



پرسش: بعد از تشکیل حکومت موقت غضنفر بانک در راستای ترویج فرهنگ بانکداری اسلامی در کشور پیشتاز شد، پیامد آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

پاسخ: طبیعی است که هرگام مثبت در رشد اقتصادی کشور و نهایتاً شغل آفرینی و فقر زدایی تأثیرات خوبی دارد، حضور این بانک و خدمات آن در قطار سایر بانک ها از اهمیت فروانی برخوردار است و قرار معلوم این بانک امروز از اعتبار بسیار خوب برخوردار شده که مایه خوشی ماست.

سازمان سرتاسری است که در ۱۷ ولایت و ۹ ولسوالی بیش از ۷۵۰۰۰ پیشه ور در رشته های تولیدی، خدماتی و ترمیم و بازسازی در ۹۷۰ اتحادیه وانجمن صنفی فعالیت می نمایند. اتحادیه ملی پیشه وران افغانستان عضویت کمیته اقتصادی شورای وزیران و شورای خبرگان شهرداری کابل و کمیته های اقتصادی ولایات و برخی ار شهرداری هارا دارا می باشد.

پرسش: به نظر شما کار و پیشه در حال حاضر در چه وضعیتی قرار دارد و چه نقشی در امرار معاش و فراهم شدن زمینه های کار در کشور دارد؟

پاسخ: سکتور پیشه وری نقش سازنده در اشتغال زایی و کارآفرینی دارد، در حال حاضر حدود ۵۰۰۰۰۰ واحد پیشه وری در کشور فعالیت دارند، در هر واحد حد اوسط سه نفر مشغول کاراند که بدین ترتیب حدود یک و نیم میلیون نیروی فزیک مستعد به کار در بستر پیشه وری اشتغال دارند. این بخش در رشد اقتصادی نیز سهم قابل ملاحظه ایفا می کند، بخصوص در شرایط کنونی که سرمایه گذاری های بزرگ و متوسط به فضای مصئون، امنیت، زمین وزیرنا ضرورت دارند که در این راستا با مشکلات شدیدی مواجه اند، اما در بخش پیشه وری تاحدی ظرفیت وامکانات رشد به سوی ایجاد صنایع بزرگتر موجود است البته در صورتی که تشویق و حمایت شوند. اما در مورد وضعیت فعالیت پیشه وران در شرایط کنونی باید گفت که پیشه وران در وضعیت بس دشواری قرار دارند از یکطرف بازار های کشور مارا کالاهای وارداتی زیرپوشش قرارداده و از جانبی هم فضای غیر مطمئن سیاسی اثرات منفی بر کار و بار گذاشته است.

پرسش: به نظر شما تمویل مالی و قرضه های غضنفر بانک چه نقشی در جهت بهبود فعالیت پیشه وران، توسعه تجارت، فراهم نمودن زمینه های کار و رشد اقتصاد کشور دارد؟

پاسخ: یکی از مشکلات و چالش های پیشه وران عدم دسترسی به منابع مالی یا قرضه با شرایط سهل و مناسب



گفتگو با رئیس اتحادیه ملی پیشه وران افغانستان



است، پالیسی که فضای مطمئن و مصئون توسعه بانک ها را فراهم نماید. فکر می کنم انفاذ قانون جلوگیری از پول شویی در بلند بردن اعتبار بین المللی بانک های کشور ما نقش مهمی دارد.

پرسش: پیشنهاد شما برای بهبود فعالیت های غضنفر بانک چیست؟

پاسخ: البته موضع و دیدگاه من همانست که در آغاز اشاره کردم یعنی تسهیل شرایط و اگذاری قرضه های کوچک برای تشبثات کوچک و افزایش مفاد بیشتر برای پس انداز ها، این امر میزان سپرده هارا به بانک ها افزایش می دهد. دوم کاهش مصارف اداری بانک ها قابل بحث است در حال حاضر مبالغ هنگفت صرف معاشات بلند، کرایه تعمیر و محافظین امنیتی می شود که بخودی خود قیمت را بلند می برد و باعث کاهش در مفاد پس انداز ها و افزایش مفاد پرداخت ها می گردد.

پرسش: مردم در برابر بانکها چه مسؤولیتی دارند و چه پیامی برای مردم دارید؟

پاسخ: مردم با معامله از طریق بانک و یا پس انداز در بانک هم پول خودرا محافظت کرده اند وهم برای بانک ها زمینه آرایه خدمات بهتر و موثر تر را فراهم می نمایند.

پرسش: ضمانت نامه های بانکی غضنفر بانک چه نقشی در جهت افزایش اعتماد تاجران کشور ما در سطح ملی و بین المللی خواهد داشت؟

پاسخ: مسلم است که ضمانت نامه های بانکی یک کمک فوق العاده برای پیشبرد و توسعه تجارت در سطح ملی و بین المللی است و این اقدام غضنفر بانک به حیث یک بانک پیشتاز در عرصه بانکداری اسلامی باعث تقویت هرچه بیشتر اعتبار تجارت و معاملات اقتصادی تاجران ملی می گردد.

پرسش: ویژگیها و نکات برجسته که منجر به استقبال گرم مردم از غضنفر بانک در سراسر کشور به ویژه بخش بانکداری اسلامی آن شده است، چیست؟

پاسخ: ایجاد فضای اعتماد در بانک ها مهمترین عامل پیروزی هر بانک است که خوشبختانه غضنفر بانک به این موفقیت دست یافته است.

پرسش: بفرمایید پس انداز در بانک ها چه اهمیتی برای فرد، خانواده و کشور دارد؟

پاسخ: گرچه این پرسش را باید یک بانکر جواب بدهد و تیوری پس انداز دربانک را توضیح نماید، اما ازدیدگاه من پس انداز دربانک امید به فردا و تضمین کننده زندگی است. این پس انداز است که بانک ها قادر به اجرای قرضه در جهت تحکیم و افزایش سرمایه می شوند و در نهایت شغل را می آفرینند، کمتر سرمایه دار با پول خود بدون دریافت قرضه بانکی به موفقیت دست می یابد.

پرسش: برای بهبود و توسعه هر چه بیشتر بانکها چه توقعی از دولت افغانستان، خصوصاً بانک مرکزی کشور دارید؟

پاسخ: نقش دولت خصوصاً بانک مرکزی همیشه ایجاد پالیسی برای بانک ها و نظارت از عملکرد بانک ها



نویسنده : سرمحقق عبدالباری " راشد "

نگاهی کلی بر عوامل اصلی فقر

قسمت دوم

ترجمه: «تا آنگاه که به وادی مورچه گان رسیدند مورچه ای (بزبان خویش) گفت ای مورچه گان به خانه های تان داخل شوید مبدا سلیمان و سپاهیان نذیده و ندانسته شما را پایمال کنند». (۱ : النمل / ۱۸).

در جای دیگر خصلت و ماهیت تجاوز و لشکر کشی های ستمگران و مستکبرین را خدای علیم در قرآن حکیم بدین عبارت شیوا توصیف مینماید: ترجمه : «و چون برگردد (یا ریاستی یابد) کوشش می کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد». (۱ : البقره / ۳۰۵).

اهم عوامل فقر: اهم عوامل این معضله پیچیده اقتصادی یعنی فقر بشری را می توان در مجموعه ای از پدیده های اجتماعی، سیاسی نظامی و اخلاقی آتی دید :

استعمار، تجاوز، و پیامدهای اقتصادی آنان

تجاوز همواره کشورهای قویتر و مخصوصاً قدرت های بزرگ جهانی بر ملل و کشورهای بی دفاع و ضعیف جهان به مقصد کشور گشایی ها و استعمار ملت ها بزرگترین عامل فقر و پسماندگی های جهان عقب نگه داشته شده است. چه

هدف استعمارگران و تجاوز به کشورها خوردن، بردن و انحصار نمودن تمامی ثروت های طبیعی و دارایی های بزرگ بشری و خداداد ملت ها است.

قبل از تسلط کامل به کشور های مورد تجاوز و استعمار ورود قدرت های غاصب و چپاولگر به سرزمین های مظلوم، خودش بارهای سنگینی از تلفات انسانی، حیوانی و حرث و نسل و آبادی ها را بر ملت ها تحمیل می کند.



فطرت تعدی و تجاوز به سرزمین ها تقابل نیروهای متجاوز و مدافع را از پی دارد. این مقاومت ها در مقابل اشغالگران از جانب وطندوستان و آزاد مردان هر کشور تلفات سنگین جانی و مالی را به دنبال دارد. چه آمادگی برای هر تجاوز نیازمند اختصاص میلیون ها میلیون دالر هزینه نظامی، لوژستیک، تبلیغاتی، اطلاعاتی (جاسوسی)، تخنیک و غیره است که جانب متجاوز باید بپردازد. این ضرر نه تنها متوجه

خداوند بزرگ (ج) در اشاره به همچو بلایای سیاسی نظامی از زبان بلقیس ملکه هوشمند و مدبر سبا میفرماید : ترجمه : « (ملکه) گفت پادشاهان چون به شهری در آیند آنرا تباہ و عزیزانش را خوار می گردانند و اینگونه می کنند. (۱ : النمل / ۳۴).

قرآن فطرت لشکرها را مبنی بر زیر پا کردن موجودات ضعیف و بی دفاع از زبان مورچه ها نیز چنین بیان میدارد :

بالقوة آنها می تواند ایشان را بی نیاز از همه نیازمندی ها بسازد.

متأسفانه تحمیل جنگ ها و تجاوز بر کشورهای بیچاره و ناتوان، کلیه منابع اقتصادی ملت ها را برباد فنا داده سپس سیطره خود را بر ایشان طوری حاکم می نماید که هر یکی از همچو کشورها بعداً منابع زرخیز اقتصادی برای حاکمیت های اشغالگر و متجاوز می شود. غارت اموال و دارایی های نقد سرزمین های اشغالی و حتی انتقال میراث های ارزشمند تاریخی فرهنگی این ملت ها به بازارهای قدرت های اشغالگر نیز نتیجه تجاوز و استعمار است. چپاول منابع طبیعی، انحصار خرید و فروش امتعه نادر و کمیاب و نایاب، استثمار نیروهای بشری، کنترل و تحدید تولیدات صنعتی و زراعتی مخصوصاً کالاهای استراتژیک، جلوگیری از رشد علم و تخنیک و تکنولوژی و دسترسی به خود کفایی و رشد و استقلال اقتصادی ملل زیر سلطه که عملاً در برنامه های استعمار و تجاوز شامل اند از هیچ دیده بینا پوشیده نیست. این رشته جنایات انسانی، سیاسی، نظامی استخباراتی و جنایات اقتصادی قدرت های حاکم بر سرنوشت ملل محکوم جهان مهمترین عوامل فقر در جهان اند. دکتر سیدجان بیان ضمن توضیح عامل گدایی در این مورد می نویسد:

«این پدیده از عوامل متعدد و اسباب متنوعی سرچشمه می گیرد و از خطر ناکترین آن فقر است ... که در نتیجه ظلم استعمار و اسالیب نا پاکش به خاطر غصب ثروت کشورهای مستعمره به وجود می آید.» (۲: ص ۲۵۶).

استعمار جهانی باگونه های مختلف سعی می نمایند تا ملت ها را در حالت فقر و احتیاج نگه دارند و ازاین احتیاجات



ملت های نادان و بیچاره قدرت های متجاوز می شود بلکه در مجموع بر اقتصاد منطقه و جهان تأثیرات ناگوار اقتصادی را چون صعود قیم، کاهش عرضه، کمیابی و نایابی کالاهای مورد نیاز و تغییر در قیمت ارز، ایجاد انفلاسیون و کاهش نیروی کار با از بین رفتن زن و مرد می گذارد.

اینچنین ملل مظلوم و مدافع نیز برای حفظ آزادی، استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و هستی شان مجبور می گردند تا با قبول هر نوع مرگ و خطر در مقابل متجاوزین و اشغالگران به مقابله برخیزند و آنچه درتوان شان هست آنرا وقف دفاع از نوامیس ملی، عقیدتی و انسانی شان کنند. پذیرش خسارات عظیم مادی، معنوی و مالی و جانی نیروهای آزادیخواه و استقلال طلب که از وطن و شرف شان به دفاع مشروع می پردازند نیز هزینه بردار است، هزینه های چندین برابر سنگین تر از مصارف و تلفات متجاوزین جنگ افروز و افزون طلب!

چه اینها نیروهای بشری ومولد خود را از دست می دهند، زیرساخت های اقتصادی، زراعتی، صنعتی ترانسپورتی، تجارتی، علمی، فرهنگی و اجتماعی شان نابود می گردد، حتی نظم زندگی و صلح و امنیت شان مختل می شود. اگر تلفات مالی و جانی کشورها و ملل محکوم جهان را از این ناحیه نیز (بتوانیم) محاسبه نمائیم خواهیم دید که چه رقمی بزرگ و درشت را در احصائی ضایعات اقتصادی جهان نمایش می دهد! یعنی فقری که در همچو جوامع رونما می گردد مولود تجاوز، جنگ و لشکر کشی قدرت ها و دولت های زورگو و متجاوز برممل بی دفاع و مظلوم است، ورنه ثروت های بالفعل این ملل محکوم می توانست به همه نیازمندی های خود آنها پاسخگو باشد و بازهم ثروت های





رهبری سلیم و کشور آزاد و مستقل نباشد این اراده به تحقق نمی رسد. به همین جهت است که استعمار همیشه می کوشد تا استقلال و آزادی و رهبری کشورها را آماج حملات سیاسی، نظامی و استخباراتی قرار داده آزادی و استقلال شان را سلب نماید و رهبری های ملی و آزادمنش شانرا با رهبری های وابسته و مزدور تبدیل نماید.

آنچه برای رشد همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی و زراعتی صنعتی ملت ها حایز اهمیت درجه یک شمرده می شود آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشورها است. بر خلاف سلب آزادی و استقلال اکثریت دول ضعیف جهان یعنی مستعمرات و دیگر کشورهای وابسته به استعمار جهانی به عنوان مانع درجه اول رشد اقتصادی این ملت ها و عامل نخستین فقر در جهان به شمار می رود.

زیرا تنها در شرایط آزادی و استقلال است که یک ملت از همه ظرفیت های بشری، طبیعی، موقعیت های ژئواستراتژیک و ژئوایکونومیک خود می تواند به میل خویش

و نیازمندی های ایشان به نفع خود سود جویی ها نمایند. اعمال سیاست های اقتصادی ضد بشری، استعمار و استثمار و سایر راه و روش های مبنی بر غارت ثروت ها، ایجاد بیکاری، انحصارگری منابع تولید و اقلام تجارتي و وابسته سازی های اقتصادی جوامع ضعیف و غیره به قدرت های منطوقی و جهانی و موارد دیگر توزیع کالاها و همه امتعه مایحتاج جوامع عقب نگه داشته شده بشری را به بن بست ها و بحران های اقتصادی مواجه می سازد.

سلب آزادی و استقلال ملت ها:

ترقی و تعالی کشورها پس از موجودیت منابع اقتصادی مربوط می شود به آزادی، استقلال و زعامت با سلامت ملی در کشورها. چه از منابع اقتصادی یعنی منابع طبیعی، قوای بشری، تخنیک و تکنولوژی و سرمایه زمانی در راستای منافع مردم یک مملکت استفاده شده می تواند که آن کشور از آزادی و استقلال کامل سیاسی و یک رهبر آزاده و دلسوز بهره مند باشند. زیرا تا رهبری سلیم نباشد مدیریت اقتصادی و اراده خدمت به شگوفایی اقتصادی به وجود نمی آید و تا

نگاهی کلی بر عوامل اصلی فقر

بهره برداری کند. اما این استعمار و وابستگی های سیاسی، نظامی، اقتصادی و استخباراتی ملت ها است که نمی توانند از داشته های خداداد طبیعی و بشری شان استفاده مطلوب به اختیار خود نمایند.

اگر به نظام ها و مناسبات سیاسی نظامی همه کشورهای جهان با دقت و شعور لازم سیاسی واقع بینانه نگریسته شود به وضوح به نظر می رسد که جهان به نحوی از انحا در دست قدرت های اتمی بزرگ دنیا قرار دارد و کشورهای تحت سلطه سیاسی نظامی یا اقتصادی به شکلی از اشکال توسط این قدرت ها اداره می شوند. یعنی مقدرات و سرنوشت نظامی، سیاسی، اقتصادی و استخباراتی اکثریت قاطع بشریت به دست قدرت های غاصب رقم می خورد.

از اینجا معلوم است که فقر و پسماندگی هر کشور تحت قیمومیت و یا زیر سلطه استعمار و ابر قدرت ها مولود مداخلات و یا به عبارت دیگر نتیجه روابط مالکانه قدرت های انسان دشمن بر سرزمین های ملل مستضعف جهان است. چه کشورهایی که از نیروهای بشری، منابع طبیعی و از سرمایه ها و تکنولوژی دست داشته استفاده کرده نمی توانند و به خود کفایی غذایی و اقتصاد بالنده و متکی به خود نمی رسند آنها صلاحیت کار برد و استفاده از این نیروها و منابع را بدون اجازه و اذن قدرت های حاکم ندارند.

اینچنین دولت ها اگر به آزادی و استقلال برسند و تصامیم زندگی خود را خود مدیریت نمایند یقیناً با تکیه بر کلیه نیروهای بشری و امکانات بالقوه منابع طبیعی و سرمایه و تکنولوژی موجود می توانند نخست به خود کفایی برسند، سپس با جلب مشارکت در فعالیت های اقتصادی صنعتی و زراعتی کشورهای همسایه، منطقه و جهان در سکتورهای متذکره بر اساس منافع عادلانه جوانب مشارکت به رشد همه جانبه اقتصادی، زراعتی تکنیکی و هر آنچه خواسته باشند برسند.

متأسفانه سلب آزادی و استقلال کشورهای وابسته بغیر، فرصت کار و تفکر و هرگونه تلاش ملل محکوم را از آنها می گیرد و ایشان را در چهار چوب تصامیم و اداره قدرت

های استعماری و غاصب همیشه در حالت احتیاج و اتکای بغیر از کاروان ترقی عقب نگه می دارد. وضع جهان با صلاح رو به انکشاف، در مجموع و مخصوصاً کشورهای اسلامی وابسته به استعمار جهانی بیانگر این واقعیت تلخ و دردناک است.

چه هیچ کشوری از هیچ منبع اقتصادی چه نیروی کار، چه منابع طبیعی، چه سرمایه، تکنولوژی و مدیریت محروم نیستند. اما اراده، اختیار و صلاحیتی که این منابع اقتصادی را در جهت ترقی و شگوفایی یک سرزمین مستعمره یا وابسته با مدیریت خود به کار بندد وجود ندارد. محروم نگه داشتن کشورها از رشد و ترقی اقتصادی، اجتماعی و علمی فرهنگی توسط استعمارگران یک امر سازمان یافته است نه تصادفی. زیرا استعمار هیچ منفعتی در بی نیازی اقتصادی، علمی، تکنیکی جوامع انسانی ندارد و تنها در صورتی می تواند بر همچو کشورها منافع خود را تحمیل نماید که همیشه ایشان با معضلات گوناگون امنیتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و غیره دست به گریبان باشند.

بنابر این سازماندهی جنگ ها و بی امنیتی، ایجاد تفرقه و اختلاف، جوسازی بی ثباتی سیاسی، اقتصادی و دیگر عوامل وابستگی را همیشه سعی می نمایند تا برفضای زندگی این گروه کشورها حاکم نگه دارند و خود از آن بهره بردارند.

ادامه دارد...

مآخذ:

- ۱ - قرآنکریم سوره، البقره، ابراهیم، النمل، اعراف و اسراء.
- ۲ - بیان، سید جان دکتر، ترجمه: احمدی، رحمت الله، درمان فقر از نگاه قرآنکریم، چاپ، بنگاه انتشارات میوند، کابل: سال ۱۳۸۸.
- ۳ - محتشم دولت شاهی طهماسب، مبانی علم اقتصاد، چاپ - بیست و سوم، انتشارات خجسته، تهران: سال ۱۳۸۳.
- ۴ - احمد خشاب داکتر و کرم حبیب برسوم، علم الاجتماع، جلد ۲.
- ۵ - کرمی، محمد مهدی، نبی زاده، پورمند، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران: سال ۱۳۸۱.
- ۶ - دراسات فی نهج البلاغه تألیف / محمد المهدی شمس الدین، الامام علی: روائع نهج البلاغه ترتیب و تقدیم جورج جرداق.



Internet Banking

غزنفر بانک در کامپیوتر شما

- مشتریان محترم میتوانند از این طریق ID های خویش را بررسی نمایند.
- تمام صورت حساب خویش را به صورت مفصل در صفحه کامپیوتر ملاحظه فرمایند،
- از وضعیت چک های خویش که آیا تا دیه گردیده و یا خیر، آگاهی کسب نمایند.

دفتر مرکزی:

۸۶۶ سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان / صندوق پستی: ۵۵۹۸

mainbranch@ghazanfarbank.com • ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳

سرمحقق شیرعلی تیزی

اهمیت نیروی انسانی در توسعه اقتصادی

مصرف کار، بی کار موسمی، قبلاً کار داشته فعلاً در جستجوی کار، برای اولین بار در جستجوی کار).

ب: نفوس اقتصاداً غیر فعال: آن بخش از نفوس مستعد به کار را تشکیل می دهد که شامل کتگوری های ذیل می باشند:

(متعلم یا محصل، اشخاص دارای عاید بدون کار، مصرف امور منزل، مریض دائمی، معلول و غیره).^(۱)

نیروی انسانی هر کشور که امور فعالیت تمام عرصه های اقتصادی را به عهده دارد نقش عمده و اساسی را در رشد و توسعه اقتصادی بازی می کند.

نیروی کار جزء عمده عوامل تولید بوده و ارتقای کفایت و مؤثریت افراد مستعد به کار نقش اساسی را در تسریع آهنگ رشد تولیدات مادی و تأمین اهداف اجتماعی بازی می نماید، بنابراین یکی از علل اساسی عقب مانگی کشور های مانند افغانستان را بی کاری تشکیل می دهد و در واقعیت هم کم اشتغالی و عقب ماندگی همزاد یکدیگرند.

در کشور های عقب مانده تناسب میان آن عده از نفوسی که مستعد به کار هستند و آن عده که مستعد به کار نیستند خیلی نا مساعد تر نسبت به کشور های پیشرفته است، اگر در کشور های پیشرفته تعداد کودکان و افراد مسن ۶۰ نفر در قبال صد نفر مستعد به کار باشد در کشور های عقب مانده نسبت کودکان خیلی زیاد تر است، در حدود ۱۲۰ نفر غیر فعال در مقابل صد نفر فعال می باشد...^(۲) به این معنا که باز تکفل که از تقسیم نفوس غیر فعال بر نفوس فعال به دست می آید در کشور های عقب مانده مانند افغانستان حالت بسیار نا مساعد دارد که اگر این نسبت را به نفوس مستعد به کار محاسبه کنیم حدود سه نفر و اگر به نفوس شاغل محاسبه نمائیم نزدیک به چهار نفر خواهد رسید. یعنی یک نفر از نفوس فعال افغان



پیش از اینکه به اهمیت نیروی انسانی در توسعه اقتصادی بپردازم ضرور می پندارم تا چند اصطلاح را که در زمینه مورد استعمال قرار خواهد گرفت توضیح نمایم:

۱. نیروی انسانی: نیروی انسانی یک کشور عبارت از قسمتی از نفوس مستعد به کار یک کشور را تشکیل می دهد که قادر اند در تولید کالا ها یا عرضه خدمات سهم بگیرند.
۲. نفوس مستعد به کار: به بخشی از نفوس یک کشور که دارای سنین (۱۵-۵۹) باشند، گفته می شود.^(*)
۳. نفوس نا مستعد به کار: افراد شامل سنین (صفر تا ۱۴) و نیز کهنسالان بالاتر از ۵۹ سالگی می باشند.

نفوس مستعد به کار به دو کتگوری تقسیم می شود:

الف: - نفوس اقتصاداً فعال: آن بخش از نیروی انسانی را تشکیل می دهد که عملاً در تولید کالا ها و عرضه خدمات مصرف بوده و یا تلاش دارند در چنین فعالیت ها مشغول گردند، مانند (افراد

* - در افغانستان و کشور های مانند افغانستان نفوس مستعد به کار از ۹-۶۵ سالگی می باشد. ولی در قانون کار آغاز سن مستعد به کار ۱۸ سالگی تعیین شده است.



اهمیت نیروی انسانی در توسعه اقتصادی

دهد و از طرف دیگر گستردگی نفوس فاقد هر گونه مهارت و تخصص که از مشخصه اساسی این کشور ها می باشد در دهات و قلت کارگران متخصص باعث شده تا صنایع درین کشور ها رشد نکرده و بی کاری از بین نرود.

بی کاری درین کشور ها باعث شده که اکثریت از جوانان و نوجوانان بار دوش پدر و مادر شده و یا به خاطر تأمین زندگی دست به گدایی، دزدی و دیگر حرفه های کوچک و اسفناک بزنند و از این طریق امرار معاش نمایند.

باوجود اینکه قسمت اعظم نفوس اقتصاداً فعال این کشور ها به زراعت اشتغال دارند و اوسط بار آوری و بازدهی زراعتی به علت کمبود و سایل فنی، عدم تخصص و مهارت در کار و قلت سرمایه های لازم برای استفاده از نو آوری های زراعتی، کمبود مواد تقویت کننده خاک، ضعف و ناتوانی جسمانی زارعین گرسنه و بیمار که روی زمین کار می کنند خیلی کم است. به این ترتیب بی کاری مخفی در این کشور ها به وفرت به چشم می خورد. یعنی کسانی هستند که به ظاهر کاری دارند اما در واقع بی کار هستند زیرا نتیجه تولیدی کار آنها تقریباً هیچ است و بخش بزرگی از نفوس این کشور ها به طور دایم مشغول به کار است در حالیکه حاصل این همه کار، بار آوری بسیار ضعیف دارد.

بی سوادی، عدم مهارت در کار های تخصصی و فنی، وضع رقت بار صحتی باعث شده تا ثمریت و مؤلدیت کار درین کشور ها که به شکل عنعنوی و ابتدایی صورت می گیرد ضعیف و ناچیز باشد و همچنین پائین بودن سوبه تحصیل، تخصص و بی کاری دوامدار باعث شده تا فساد شکل عمومی گرفته، رهنی، باجگیری که در سال های اخیر یک مرض مزمن شده است شیوع پیدا کند.

در افغانستان سنجش واقعی نیروی انسانی کار فوق العاده دشوار است زیرا تنها در بخش های عمده تعداد نیروی انسانی ثبت می باشد. در دیگر بخش ها خصوصاً صنایع دستی، تجارت و سایر پیشه های آزاد به صورت پراکنده تعدادی ثبت می باشد و بس، برای دانستن حقیقی نیروی انسانی ضرورت به سروی تخصصی نیروی انسانی می باشد، لکن در شرایط کنونی کشور ما که انجام چنین سروی ها مشکل و حتی ناممکن می باشد تخمین قوای بشری از روی سرشماری های نمونه یی و نتایج نخستین سرشماری کامل نفوس در سال ۱۳۵۸ صورت می گیرد.

باید برای خود وسه یا چهار نفر دیگر غذا وامکانات زنده گی فراهم کند.

در همه کشور های کمترین انکشاف یافته از جمله افغانستان کم اشتغالی وجود دارد و هیچ عرصه از زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وجود ندارد که کم و بیش از آن متأثر نشده باشد.

در کشور های کمترین انکشاف یافته سوء تغذی و موجودیت بیماری های گوناگون باعث شده تا تعدادی از افراد کشور به صورت تقریباً دایمی و یا مؤقتی قادر به کار کردن نباشند به همین ترتیب موارد زیادی بی کاری موجود است که علل آن مختلف می باشد.

بگونه مثال: اکثریت مطلق زنان درین کشور ها بی کار بوده به امور منزل مصروف می باشند و پیدا کردن کار متمر که بتواند نیاز مندی یک فامیل را رفع نماید نیز مشکل بوده و کسیکه کار پیدا می کند از نظر دیگران موجود خوشبختی است.

به خاطر پیدا نمودن یک لقمه نان اطفالی که تا هنوز به سن کار نرسیده اند نیز به جستجوی کار می بر آیند و در بسیاری از موارد منافع کار فرمایان ایجاب می کند برای انجام کاری که در شرایط عادی یک فرد بالغ به مزد بیشتری انجام دهد چند طفل را با مزد های ناچیز استخدام کنند تا همان کار را در مجموع به قیمت ارزانتر انجام دهند، بنابراین اگر قوانین و مقرارتی به خاطر جلوگیری و یا کاهش کار اطفال وجود داشته باشد نه تنها از طرف کار فرمایان تحریف می گردد بلکه خود کارگران بدون در نظر داشت ظلم که بالای آنها می شود می کوشند به هر قیمت که شود کاری به دست آورند، نا چار منافع جمعی دراز مدت را فدای نیازمندی آنی و کوتاه مدت خود می سازند. زیرا ضرورت دارند به هر نحوی که باشد وسایل معیشت ابتدایی را به دست آورند چرا که تنها منبع در آمد آنها کاریست که می توانند برای دیگران انجام دهند و اگر کاری نداشته باشند و اکثریت وقت خویشرا به جستجوی کارسپری کنند نه تنها در آمدی ندارند بلکه هر چه بیشتر فقیر و مقروض می گردند.

یکی دیگر از علل بیکاری و کم اشتغالی در کشور های کمترین انکشاف یافته وابسته بودن آنها به خارج می باشد یا به عبارت دیگر توریید کالاهای صنعتی باعث می گردد تا صنایع ملی رشد نکرده و مشغولین صنایع این کشور ها بی کار بمانند.

خلاصه اینکه بی کاری و کم اشتغالی در کشور های عقب مانده پدیده است عمومی و تقریباً همه نفوس را تحت تأثیر قرار می



کاری نامرئی به وفرت به مشاهده می رسد (در زمین کم، تعداد زیاد کارگران مصروف کار می باشند) در صورتی که اگر زراعت شکل میکانیزه و یا نیمه میکانیزه را می داشت امکان باز دهی و مؤدیت بیشتر موجود بود.

مشکل عمده دیگری که درین بخش وجود دارد اینست که مشغولین این رشته سالانه چند ماه بی کار می مانند و دست مزد چند ماه کار خود را درین ایام به مصرف می رسانند. اگر بگوئیم که در افغانستان سالانه ۱۲۰ روز از نیروی کار (۴,۲۷۸) میلیون نفر بی مصرف می ماند و یا به عبارۀ دیگر (۵۱۳,۳۶) میلیون روز کار به هدر می رود از حقیقت دور نخواهد بود که این خود یکی از عوامل عقب مانی کشور ما می باشد.

دراغانستان بخش مهمی از ظرفیت و توان زراعتی، صنعتی و انسانی مورد استفاده قرار نمی گیرد. بلکه منابع و وسایل تولید قابل ملاحظه به هدر می رود و تلف می شود. دور ریختن به معنای واقعی کلمه و بی استفاده گذاشتن منابع موجود و غفلت در ایجاد منابع تازه و جدید کار نادر نیست. در صورتی که معادن ما می تواند چرخ های صنایع را به حرکت در آورده و تعداد زیاد از نیروی کار را جذب نماید تا هنوز دست نخورده مانده است حال آنکه نسبت به بسیاری کشور ها ما معادن غنی تر داریم.

در کشور ما آب که یک ثروت به شمار می آید به هدر می رود تا هنوز نتوانسته ایم سدهای آب گردان که به وسیله آنها زمین های بایر را دایر و آبیاری نماییم اعمار کنیم. همچنان برق که یکی از نیازمندی های رشد صنایع است، به کمک این بندها تولید نمائیم.

درحالی که درافغانستان قسمت بزرگی از نیروی انسانی به زراعت مشغول اند. زراعت درتأمین و بهبود وضع اقتصادی، ارتقای سطح زندگی مردم نقش ارزنده داشته و به حیث کلید انکشاف اقتصادی محسوب می شود، زراعت منبع مهم استخدام مردم بوده و باید پایه تجارت خارجی قرار گیرد و منبع اساسی عواید اسعاری کشور را تشکیل بدهد، بناءً ضرور پنداشته می شود تا در انسجام و بهبود بهتر امور زراعتی، از قبیل بلند بردن سوبه تعلیم و تربیه زارعان جهت پذیرفتن روش های نوین زراعتی. توسعه میتود های عصری بذر حاصلات، حفر کانال ها، اعمار بند ها، عصری شدن تدریجی زراعت، استفاده از تکنالوژی معاصر و رفع دیگر موانع از راه رشد و انکشاف همه جانبه زراعت اقدامات جدی مبذول گردد. با حل این دشواری ها می توان سطح تولیدات زراعتی را بلند برد و

به استناد نتایج نخستین سرشماری کامل نفوس کشور که در سال ۱۳۵۸ خورشیدی صورت گرفته است. نفوس کشور در سال ۱۳۹۲ خورشیدی حدود (۲۷) میلیون نفر تخمین گردیده است.^(*)

ارقام مربوط به نیروی انسانی در سال ۱۳۷۱ می رساند که از جمله نفوس مستعد به کار که به (۸/۸۸) میلیون نفر تخمین گردیده و به تعداد (۶/۳۶) میلیون نفر یا (۷۸/۶۴) درصد آنرا نفوس اقتصاداً فعال و یا نیروی انسانی تشکیل می دهد.

نیروی بشری مصروف کار ساحه تولید امتعه مادی و امتعه خدماتی در سال مذکور به (۵.۲۲) میلیون نفر بالغ می گردد که از جمله (۹۷، ۸۱) درصد آن در زراعت، مالداري و جنگلات و (۰۳، ۱۸) درصد آن در سایر ساحات تولید امتعه مادی و امتعه خدماتی اشتغال داشته اند.

علاوه تأ به تعداد (۲۸، ۹۲۹) هزار نفر در بخش های خدمات اجتماعی و فرهنگی از قبیل: (تعلیم و تربیه، صحت عامه، اطلاعات و فرهنگ، شهرداری ها، رستوران ها) اشتغال داشته اند به همین ترتیب به تعداد (۹، ۱۸۹) هزار نفر در وزارت ها و ادارات دولتی طی همین سال مصروف کار بوده اند.^(۳)

در کشور ما که اساس فعالیت های اقتصادی را بخش زراعت تشکیل می دهد، بخش بزرگ از نیروی انسانی را اشخاص تشکیل می دهد که کمتر از ۱۵ سال دارند از همین لحاظ با وجودی که (۸۱،۹۷) درصد از نیروی انسانی در زراعت و مالداري مشغول کار هستند محصولات تولید شده درین سکتور مایحتاج روزمره کشور را تکافو نمی کند و قسمت اعظمی از مواد خوراکه، که باید ما به خارج صادر می کردیم از خارج وارد می نمایم و از طرف دیگر زراعت شکل عنعنوی داشته زمین های زراعتی ذریعه گاو و شتر قلبه می شود و تخصص و مهارت فنی در زراعت کمتر وجود دارد لذا مؤدیت و باز دهی کار بسیار ضعیف بوده و نمی تواند جواب گوی نیاز مندی های کشور باشد، باوجود امکانات وسیع رشد و انکشاف زراعت در افغانستان ضریب رشد این بخش بسیار کم بوده، بی

* قابل تذکرست که چون تعداد دقیق شهیدا و مقتولینکه طی سالهای جنگ صورت گرفته بدست نیست بناءً در تخمین نفوس سیر عادی انکشاف اجتماعی در نظر گرفته شده، هرگاه تعداد شهیدا معلولین طوریکه ادعا میشود به ترتیب ۱/۵-۲ میلیون شهید و ۱/۵ میلیون معلول باشد به همان اندازه در تخمین مجموع نفوس کاهش بعمل آمده و به اندازه سهم فیصدی معیوبین در مجموع نفوس مستعدیکار کاهش را میتوان تخمین نمود.



سویه زندگی زارعان را ارتقا بخشید و اکثریت مطلق مردم کشور را که در شرایط فعلی از گرسنگی رنج می برند، از آموزش و صحت بی بهره اند و با بی کاری دست و گریبان اند نجات داد.

طوریکه قبلاً نیز متذکر شدم از جمله کل نفوس کشور (۶۸،۶۵) درصد آنرا نفوس مستعد به کار تشکیل می دهد که از جمله (۵۸،۷۸) درصد آنرا نفوس اقتصاداً فعال و (۴۱،۲۲) درصد آنرا نفوس اقتصاداً غیر فعال تشکیل می دهد ^(۴) که درصدی آن برای مردان بالترتیب (۷۸،۳٪) درصد و (۲۱،۷) درصد و برای زنان (۷،۳) درصد و (۹۲،۷) درصد میباشد. ^(۵)

افغانستان مانند سایر ممالک روبه انکشاف به اشخاص فنی و مسلکی احتیاج بیشتر داشته بناءً ضرور پنداشته می شود تا به این امر توجه عمیق مبذول گردد زیرا در طول تاریخ کمتر کسی در حکومت های گذشته به تحصیل و تخصص فرزندان کشور توجه نموده است.

مآخذ

۱. نتایج مقدماتی نخستین سر شماری نفوس به اساس پراسس نمونه بی نشریه شماره (۱) کمیته دولتی پلانگذاری ج.د.ا. اداره مرکزی احصائیه، کابل، حوت ۱۳۵۹، صص ۲۰-۲۵.
۲. ایولکاست، جهان سوم و پدیده کم رشدی، ترجمه منیر جزنی (مهران) انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۰۵.
۳. اداره مرکزی احصائیه، سالنامه احصائیوی، سال ۱۳۷۱، کابل سرطان، ۱۳۷۴، ص ۲۳.
۴. همانجا، همان صفحه.
۵. کمیته دولتی پلانگذاری، اداره مرکزی احصائیه، نتایج مقدماتی نخستین سرشمای نفوس با اساس پراسس نمونوی، نشریه شماره (۱)، حوت ۱۳۵۹، ص ۲۳.

از آنچه گفته آمدیم به این نتیجه می رسیم که نقش نیروی انسانی در انکشاف اقتصادی کشور ها مؤثر بوده و در حیات اقتصادی و اجتماعی مملکت نیز قابل توجه و حایز اهمیت می باشد و فقدان آن در وضع اقتصادی و اجتماعی صدمه بزرگ مادی و معنوی وارد می سازد، همچنان عدم استفاده و عدم استخدام کامل آنها نیز اثرات ناگواری را به وجود می آورد، زمانی می توان از قوای بشری به شکل مؤثر استفاده کرد و مؤلدیت و بازدهی آنرا ارتقا بخشید که سطح مهارت و تخصص را بالا برد، زیرا علم و تکنالوژی معاصر به صورت روزافزون توسعه پیدا می کند، درحالیکه در افغانستان اکثریت مطلق نفوس کشور بی سواد و یا کم سواد اند و کمتر با مهارت های فنی و مسلکی بلدیت دارند و حتی در بسیاری موارد دستمزد و عاید اشخاص که به کار های خصوصی اشتغال دارند به مراتب بیشتر از عاید و دستمزد آن کارگران متخصص و فنی می باشد که به ادارات دولتی ایفای و وظیفه می نمایند، داشته های علم و تخنیک کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. موضوع استخدام جوانان در کشورما یک مشکل اساسی بوده و از اینکه اکثریت مردم به زراعت و مالداري و آنهم به شکل ابتدائی و عنعنوی اشتغال دارند بناءً سویه استخدام درین سکتور ها محدود مانده و یک تعداد زیاد جوانان به صورت عاطل و بی ثمر باقی می ماند،

خبرندوی عبدالحکیم رامیار

بانکونه او تجارت



اوس مهال د انسانانو ترمنځ د اړیکو او یو د بل سره د تړاوونو وخت دی او هېڅوک نشي کولای په یوازې توګه خپل د اړتیا وړ ټول شیان تولید او تهیه کړي او همدا راز هیڅ ملت بی له مبادلې او سوداګرۍ قادر نه دی په نورو هېوادونو کې تولید شوي توکي ترلاسه کړي. ډېرو هېوادونو د پراخه تولید او وروسته په نورو هېوادونو کې د هغه د توزیع له کبله د نورو ملتونو سره اړیکې غزولې دي. دا اړیکې غزول دومره اړیني او حتمی شوي دي چې بې له هغې څخه د ډېرو هېوادونو د وګړو ژوند دستونزو او کړاوونو سره مخامخ کېږي. د بېلګې په توګه په نړۍ کې ټول هېوادونه نفت او ګاز نه لري او د ټولو هېوادونو هوايي ترانسپورت او د ډیرو نورو ځمکنی ترانسپورت په ګاز او تېلو پرمخ ځي. نو هغه هېوادونه چې دا توکي نه لري مجبور دي هغه د نور هېوادونو څخه را وارد کړي آن تر دې چې د هېوادونو او ملتونو د شخړو او تاوتریخوالي په مهال هم اقتصادي او ټولنیزې اړیکې دوام مومي، ځکه چې ډېرې یې د دواړو په ګټه وي.

د هرې اقتصادي ښکارندې پر مخبڼه، وده او پرمختګ پانګې او مالي تمویل ته اړتیا لري. پانګه په مادي او مالي برخو وېشل کېږي.

مالي پانګه هغه ده چې د یوې پانګونې او کاروبار په پیل کې پانګوال هغې ته اړوي او تر ډېره د بانکونو له خوا برابرېدای شي او مادي پانګه د ځمکې، ماشینو او ماشینونو څخه عبارت وي..

بانکونه د مالي پولې سازمانونو په توګه د خلکو مازادې او عاطلې پیسې د سپما په بڼه د ګټې ورکولو په بدل کې اخلي او همدا پیسې بېرته د ربحې اخیستو په بدل کې پانګوالو او نورو کاروباریانو ته ورکوي په عامه توګه په بانکونو کې د سپما د پیسو او د بانک د پور د ربحې کچه یو له بله توپیر لري او د پور ربحه لوړه وي. ځکه چې بانک یو سازمان وي او د خپلو کارونو د پرمخبڼولو په خاطر ډېرکسان په کې کار کوي نو په طبیعي توګه لګښتونه یې هم زیات وي نو د سپما کوونکي ته د ګټې څخه له پور اخیستونکي څخه زیاته ربحه غواړي. مثلاً که یو کس ۱۰۰۰ افغانۍ په یوه بانک کې سپما کړي او بانک هماغه ۱۰۰۰ افغانۍ یوه پانګوال ته د پور په توګه ورکړي. نو بانک سپما کوونکي ته به په کال ۱۰۰ افغانۍ ګټه ورکړي او د پور اخیستونکي نه شاید ۱۲۰ افغانۍ د ربحې په توګه وغواړي. چې دا ۲۰ افغانۍ تفاوت چې قانوني بڼه هم لري د بانک د لګښتونو او ګټې په خاطر په نظر کې نیول کېږي.

د پورتنی مثال د راوړلو څخه زما موخه یوازې یوه یادونه وه. زه تر ډېره هڅه کوم چې د بانک له خوا د سوداګرو او نورو کاروباریانو په تمویل وغږیږم.



بانکونه او تجارت

زمونږ په هېواد کې د شهزاده سرای د ډېر پخوانه د پیسو او اسعارو د تبادلې مرکز دی، او له دې کبله چې تر اوسه په رسمی توګه په هېواد کې پولې بازار (تنظیم شوی پولې بازار) نه لرو د شهزاده سرای بازار او په هېواد کې د هغه اړونده نورې څانګې د پولې-مالي بازارونو دندې پرمخ بیایي او ممکن ډېر کوچنې تشبثونه د مالي لحاظه تمویل هم کړي. اما لویې معاملې، قراردادونه او سوداګریزې داخلي او خارجي راکړې ورکړې د بانکونو له لارې اجرا کېږي او ممکن پخوانی د شهزاده سرای هتي وال بانک ولري او یا د بانکونو شریک وی نو د تېر پرخلاف هغه صرافان چې د لویو معاملو د تضمین او تمویل قانوني صلاحیت او وس ولري د صرافی په هتي کې نه کشېږي.

د نن ورځې په سوداګرۍ (د سوداګرۍ څخه زما موخه په پراخه کچه سوداګریز اود تولید په موخه قراردادونه دي) کې د تېر وختونو پرخلاف یوازی او یوازی پور اخیستل او تمویل او یا هم لیتراف کرېډېټ افتتاح کول مطرح نه دي چې بانکونو به دا دنده په غاړه اخیستله. نن ورځ د ژوند د چارو د پراخیدو او په تېره بیا د نړیوال کېدو له کبله ډیر کم تجارتي او تولیدي لویې معاملې په پخوانۍ بڼه تر سره او اجرا کېدای شي. نن ورځ د لیبرالیزم دوران او د سوداګرۍ پر مخ د نړیوالو پولو خلاصېدلو مهال دی.

د یادونې وړ ده چې نړیوال کېدو او د سوداګرۍ آزادونو د هېوادونو په اقتصادي چارو کې د بنسټیزو مثبتو بدلونونو تر څنګ منفي پدیدې هم زیږولې دي. ډېر لیدل شوي دي چې مافیایي عملونو، غولونو او درغلیو ډېر لویې پروژې او تړونونه له خنډ سر مخامخ او له امله یې پانګوال او متشبثین زیانمن شوي دي. نو له همدې کبله ده چې په نړیواله کچه پیل شوې ده چې په ټولو لویو تړونونو کې د معاملې دواړه خواوې باید ضمانت ورکړي.

هر پانګوال او سوداګر چې په یوه تشبث پیل کوي ځینې وختونه پانګې ته اړ وي نو باید هغه د نورو څخه په مرسته اخیستو ترلاسه کړي. یا په اقتصادی اصطلاح باید تمویل شي. په عام مفهوم تمویل د یو شخص، سازمان او تصدۍ مالي اړتیاوې پوره کولو ته ویل کېږي چې په لنډ مهال او یا اوږد مهال پور اخیستل، د محصول د پېرلو په شرط په پانګونو کې مشارکت، د شرکت ونډې خرڅول او یا هم د بها لرونکو بانیو صادروال یې ډولونه دي چې وروستي دوه ډوله یې د لویو شرکتونو له خوا تر سره کېږي.

پخوا چې لکه اوس بانکونه او نورې پولې-مالي موسسې چې کاروباریانو، تصدیو، سازمانونو او نورو له پاره د پور او مرستې په توګه پانګې مهیا کوی یا کمې وې او یا هیڅ نه وې او یا هم د هغوی د پور ورکولو شرطونه په اصطلاح درانه وو، کاروباریانو به په ډېرو ستونزو سره خپل د ضرورت وړ پانګې تدارک کولی اما نن ورځ دا کار ډېرې ستونزې نه لري.

څرنگه چې معلومه ده اوس بانکي صنعت په نړۍ په تېره بیا په پراخه کچه هېوادونو کې ډېره وده کړې ده. ډېر اختصاصي بانکونه چې یوه یا څو څانګې دندې تر سره کوي تاسیس شوي دي اما په وروسته پاتې هېوادونو کې سوداګریز بانکونه هسې چې د نوم څخه یې معلومېږي کابو په ټولو کاروباری او سوداګریزو کړنو کې ونډه اخلي. سوداګرو ته پور او اعتبار ورکوی، ضمانت نامې او لیتراف کرېډیتونه صادروي، که بانک د اسلامی بانکدارۍ کړکۍ ولری په پانګونو او نورو دې ډول تجارتي فعالیتونو کې ونډه اخلي.

هسې چې یادونه وشوه مالي پولې مؤسسو ډېره وده کړې ده. د بانکونو ترڅنګ نوری مالي موسسې لکه مالي پولې بازارونه، د پانګې اچونې صندوقونه او د بیمو موسسې، د پور ورکولو او شراکتونو لپاره تاسیس شوي دي او ددې کار له پاره پروګرامونه لري، چې اړتیا لرونکي هغوی ته په مراجعه کولو خپلې ستونزې حل کولای شي.

پلورلو موضوع مناقصې (يامزايدې) ته وړاندې کوي خوا ناخوا پر کسان په کې گډون کوي نو په طبيعي توگه يو کس بايد گټونکى شي. اما په عمل کې ډېر داسې پېښيرې چې يو مناقصه کوونکى (يا مزاييد کوونکى) په مناقصه (يا مزاييده) کې گډون کوي د هغې گټونکى اعلامېري اما په عمل کې د هغه د عملی کولو توان او امکانات نه لري. او يا هم داسې پېښيرې چې ځينې کمپنۍ د دې سره سره چې د يوې مناقصې او يا مزاييدې عملي وړتيا نه لري يوازې او يوازې د پروسې د گډوډولو په خاطر په مزاييدو او مناقصو کې گډون کوي. نو د دې ستونزو د لرې کولو به خاطر ده چې اړونده خواوې د بل طرف څخه بانکي ضمانت نامې غواړي تر څو دواړه خواوې ډاډه شي چه د قرارداد وړونکى او يا د جنس تمویلونکى په مسؤلاته توگه عمل کوي او د هغه پرته ورکړل شوي ضمانت يې له لاسه وځي.

په عام مفهوم بانکي ضمانتنامه د بانک يوه کس، مؤسسې او يا شرکت ترمنځ پولي او د خدمت اجرا کولو په خاطر يو قرار داد دی چې د ضمانت غوښتونکي په غوښتنه لاسيک کېږي. په ټوليزه توگه په نړيوالو سوداگريزو اړيکو کې څلور ډوله ضمانتنامې ډېرې معمولې دي:

- په مناقصه يا مزاييده کې د شرکت ضمانتنامه.
- د تعهد يا ښه کار تر سره کولو ضمانتنامه.
- د پيش پرداخت ضمانتنامه.
- د ((وجه المغان)) د بېرته ورکولو ضمانتنامه.

ضمانتنامې د پرداخت پر بنا په دوه ډوله: مشروطې ضمانتنامې او «عندالمطالبه» ضمانتنامو وېشل کېږي. چې دويم ډول يې ډېر عموميت تر لاسه کړى دی.

کله چې يو شرکت يا هېواد يو خدمت او يا د





غزنفر بانک
GHAZANFAR BANK



تمويل مالی و قرضه های غزنفر بانک
تجارت و اقتصاد شما را استحکام و رونق می بخشد



دفتر مرکزی: ۸۷۷ سرک عمومی شیرپور، کابل - افغانستان

☎ +93 (0)707 786 786 ☎ +93 (0)798786786 ☎ +93 (0)79 786 00 79
info@ghazanfarbank.com / www.ghazanfarbank.com

معصومه حق شناس

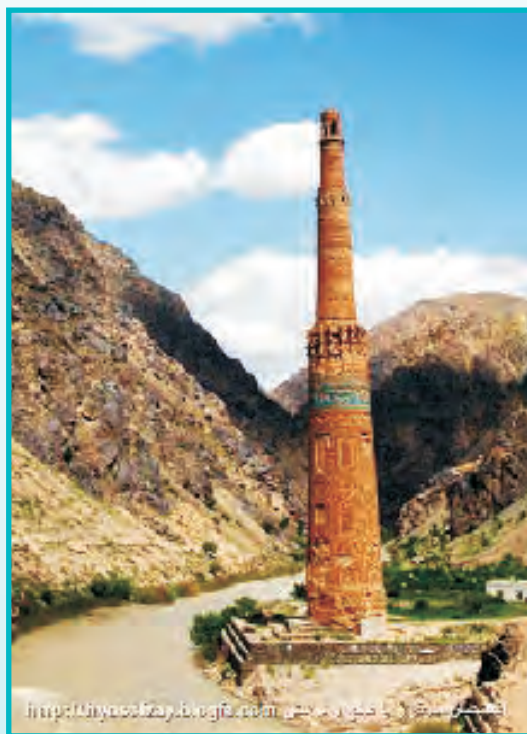
سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

در واقع سرمایه اجتماعی را می توان در کنار سرمایه های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می شود. بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه نمی رسد، طوری که بسیاری از گروه ها، سازمان ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی، به زندگی فرد، معنی و مفهوم می بخشد و زندگی را ساده تر و لذت بخش تر می کند. پس به طور کلی می توان گفت: هر چه سرمایه اجتماعی یک ملت بیشتر باشد، آن ملت، خوشبخت تر و ثروتمندتر خواهد بود.

برخی از ابعاد جنبه ها و اشکال سرمایه اجتماعی - که گاه از آنها به عنوان ارزش های اجتماعی نیز یاد می شود، عبارت اند از: اعتماد، صداقت، حسن تفاهم، سلامتی نفس، هم دردی، دوستی، همبستگی، فداکاری و این ابعاد از طریق جریان های اطلاع رسانی مثل آموزش مربوط به مشاغل، تبادل عقاید، تبادل اطلاعات، هنجارهای مربوط به معاملات در شبکه های اجتماعی، مشارکت های مردمی، گروه های خودیاری و نوع دوستی و روحیه جمع گرایی در برابر فردگرایی، و ... بین اعضای شبکه های اجتماعی شکل می گیرد، طوری که جای پای این بحث را در روابط تمامی گروه های اجتماعی از قبیل: مذهبی (مسجد، کلیسا)، ورزشی (باشگاه ها)، مدنی (انجمن ها، اتحادیه ها، احزاب و رسانه های مستقل)، آموزشی و تربیتی (مکاتب، دانشگاه ها) و در روابط همسایگی، دوستانه، شغلی و خانوادگی نیز می توان مشاهده کرد

دانشمندان و نظریه پردازانی همچون: جمیز کلمن (۱۹۶۶)، گلن لوری (۱۹۷۰)، بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسون (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳) و فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۰) و ...

امروزه در کنار سرمایه های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی (social capital) نیز مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی، یا بعد معنوی یک اجتماع، میراث تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... را امکان پذیر سازد.



سرمایه اجتماعی، عبارت است از یک ظرفیت (جوهر اجتماعی) که هماهنگی و همکاری را در جامعه و گروه، تسهیل می کند. در واقع، می توان سرمایه اجتماعی را یک مفهوم مرکب که دارای سه بعد: ساختار، محتوا و کارکرد است، تلقی نمود که ساختار اجتماعی آن، همان شبکه ارتباطات اجتماعی است و محتوای آن، عبارت از اعتماد و هنجارهای اجتماعی است و کارکرد آن نیز همان عمل متقابل اجتماعی است.



سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهتر اعضای یک اجتماع می شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام های مختلف سیاسی می دانست و تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود.

اوا کاکس نیز در تعریف سرمایه اجتماعی می گوید که این مفهوم به: «فرآیندهای بین فردی، که اعتماد و هنجارهای اجتماعی و شبکه روابط را می سازند و همکاری و هماهنگی متقابل را تسهیل می کنند» مربوط می شود که در نتیجه آن، منافع متقابل، افزایش می یابد. از نظر وی سرمایه اجتماعی قابل اندازه گیری است و منزلت اجتماعی سایر سرمایه ها را نیز در بر دارد و در نهایت، فوکویاما، سرمایه اجتماعی را یک هنجار اجتماعی محسوب می کند که همکاری بین دو یا چند نفر را تقویت می بخشد و آن را ویژگی عمل متقابل بین دو دوست می داند. او معتقد است که اعتماد، شبکه های ارتباطی و جامعه مدنی، همگی محصول سرمایه اجتماعی هستند، نه این که خود آنها سرمایه اجتماعی به حساب آیند.

به طور کلی می توان گفت که: سرمایه اجتماعی یک ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجار غیر رسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می بخشد. هر شبکه اجتماعی، برای دستیابی به اهداف خود، علاوه بر افراد آگاه و با تجربه و امکانات و ابزار مادی، به عواملی مانند: اعتماد، تعهد و مسئولیت پذیری و ... هم نیاز دارد که این عوامل، همان سرمایه های اجتماعی هستند. حتی یک گروه از خلاف کاران هم برای موفقیت در کار خود به سرمایه اجتماعی و هنجارهایی مانند: رفتارهای اخلاقی، قانون مداری، خطرپذیری و اعتماد متقابل در بین اعضای گروه، نیاز دارد. در واقع برای موفقیت دسته جمعی در امور غیر قانونی هم، وجود سرمایه اجتماعی شرط است.



تعاریف متعددی را از سرمایه اجتماعی ارائه کرده اند. برای مثال، پیر بوردیو، سه نوع سرمایه را شناسایی نمود که عبارت از: سرمایه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بودند. او سرمایه اجتماعی را شکلی از سرمایه می دانست که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می تواند همراه با سرمایه فرهنگی، ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد.

همان گونه که ملاحظه می شود، این دیدگاه آخر در زمینه سرمایه اجتماعی، یک دیدگاه ابزاری محض است. به عبارتی، از دیدگاه بوردیو، اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت. اما جیمز کلمن، بر خلاف بوردیو، برای تعریف سرمایه اجتماعی، از نقش و کاربرد آن کمک گرفت و تعریفی کاربردی (و نه صرفاً ذهنی و نظری) از سرمایه اجتماعی ارائه داد. بر این اساس، سرمایه اجتماعی عبارت است از: ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند. بنا بر این، کلمن بر خلاف بوردیو - که «سرمایه اقتصادی» را به عنوان هدف نهایی در نظر گرفته بود - «سرمایه انسانی» را مهم تر دانسته، و سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار برد.



پوتنام نیز یکی دیگر از محققین معاصر سرمایه اجتماعی است که سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه ها می

تهیه کننده: احمد ولی رستگار

مهارت های اقتصادی خانواده

موفق عنوان می کنند. شیوه مدیریت اقتصادی خانواده ها، امروزه بخش عمده ای از هویت آنان را تشکیل داده، رونق و شکوفایی اقتصادی، رشد و ترقی خانواده را در پی خواهد داشت.

انتخاب، قلب اقتصاد خانواده

خانواده دوست دارد بهترین نوع غذا را مصرف کند، زیباترین لباس ها را برای اعضای خود تهیه کند، در بهترین نقطه شهر و در بهترین منزل زندگی کند، بهترین وسایل و امکانات را در اختیار داشته باشد، به طور مکرر سفر برود، بهترین آموزش ها را برای فرزندان خود فراهم کند و... واقعیت این است که اگرچه این درخواست ها به وسیله همه خانواده ها مطرح می شود اما واضح است که فقط درصد کمی از خانواده ها قادر به تأمین همه این خواسته ها هستند. درآمد یک خانواده متوسط فقط می تواند تعداد محدودی از این خواسته ها را برآورده کند؛ از این رو خانواده باید از میان خواسته های خود انتخاب به عمل آورد. حتماً بارها پیش خود فکر کرده اید اگر این کالا را بخرم، نمی توانم خانواده را آخر هفته به تفریح و مسافرت نوروزی ببرم، از سوی دیگر فیس کورس بچه ها را نمی توانم بپردازم، اگر برای خود لباسی را که دوست دارم بخرم، برای دخترم نمی توانم لباس بخرم و... در زندگی روزمره با صدها مورد از این نوع مواجه هستیم که باید تصمیم بگیریم و انتخاب کنیم. و اینکه چه و چه قدر مصرف کنیم، چه کسی کار کند، چند ساعت کار کند، در کجای شهر زندگی کنیم، آپارتمان داشته باشیم یا چند اتاق و... پرسش هایی است که هر روز در خانواده ها مطرح است. پاسخ به همه پرسش های بالا مستلزم تصمیم گیری و انتخاب است و به همین دلیل انتخاب، قلب اقتصاد خانواده به شمار می رود.

ارسطو اقتصاد را علم خانه داری می دانست اما هنر اقتصاد خانواده به معنی برقراری تعادل میان دخل و خرج است و تأمین اقتصادی یکی از رموز بقای خانواده ها است. اقتصاد خانواده را می توان چگونگی سازماندهی و مدیریت منابع خانه تعریف کرد. می توان فهرست کاملی از زمان، پول، فضای زندگی و... تهیه کرد. شاید اقلام این فهرست متفاوت به نظر برسد، ولی همه آنها دارای یک ویژگی مشترک هستند. ویژگی همه این اقلام در زندگی امروز این است که کمیاب هستند. حتما شنیده اید که مردم می گویند ای کاش وقت بیشتری داشتم، ای کاش خانه بزرگتری داشتم، ای کاش پول بیشتری داشتم و... هرچند که خانواده به غیر از منابع مادی، منابع دیگری نظیر عشق، وحدت خانواده، خاطرات خوش، لحظه های شادمانه خانوادگی و... در اختیار دارد که قابل تبدیل به پول نیست اما نقش منابع مادی هم آن قدر اهمیت دارد که کارشناسان مدیریت اقتصاد، خانواده را یکی از ارکان تحقق رویای خوشبختی و





سرگرمی دانست بلکه باید با جدیت و برنامه ریزی دقیق آنها را پیگیری کرد. این بدان معناست که تمام اعضای خانواده موظفند از سیاست های اقتصادی خانواده در جهت پیشبرد اهداف آن تبعیت کنند. مدیریت اقتصادی خانواده در شرایط عادی باید براساس میزان درآمدهای هر یک از اعضای خانواده و هزینه ها تنظیم شود. همان طور که در خانواده، والدین باید مدیریت عاطفی، روانی و اجتماعی را اعمال کنند، در بحث هزینه کردن و ایجاد تعادل بین دخل و خرج نیز نیاز به مدیریت است. برای دوام و قوام اقتصاد خانواده راهکارهای ذیل پیشنهاد می گردد.

۱- برنامه ریزی برای آینده اقتصاد خانواده: بی شک برنامه ریزی برای آینده زندگی در تمامی خانواده ها مطرح است. خانواده و اقتصاد آن را نمی توان از هم مجزا کرد، بنابراین زمانی که برای هر یک از آنها برنامه ریزی می کنیم، ناگزیریم دیگری را نیز مدنظر قرار دهیم. توجه به نیازهای آتی خانواده و همچنین شناخت فرصت ها و تهدیدهای اقتصاد خانواده در این راستا اهمیت دارد. این کار برای تمام اعضای خانواده مفید خواهد بود. می توان جلسات خانوادگی را روی این موارد متمرکز کرد.

۲- انجام مشاوره های اقتصادی: بعضاً خانواده ها در مدیریت اقتصادی خود از توان لازم برخوردار نیستند و یا اینکه با مسائل و مشکلاتی مواجه می شوند که به تنهایی از عهده

چگونگی توزیع منابع برای رسیدن به هدف مطلوب

چگونگی توزیع منابع در خانواده، بین اعضای آن بسیار مهم است. واضح است اگر یکی از اعضای خانواده قسمت بیشتری از درآمد خانواده را به خود اختصاص دهد، سهم کمتری برای دیگری می ماند. در اینجا برای حل مسأله یک راه مناسب یعنی توزیع مناسب منابع خانواده را پیشنهاد می کنیم: فهرستی از خواسته های افراد خانواده تهیه کنید. انتخاب های ممکن را بنویسید. در مورد انتخاب ها آنقدر با هم مشورت کنید که به بهترین انتخاب با توجه به درآمدها دست یابید. توجه کنید که هر خانواده نهادی است که تولید و توزیع کالا را انجام می دهد، ولی مثل خط تولید یک کارخانه نیست، بلکه مکانی است که در آن گروهی زندگی و کار می کنند و عمل هر یک بر دیگری اثر می گذارد. بهترین و اقتصادی ترین انتخاب برای خانواده، انتخابی است که بیشترین رضایت خاطر (خشنودی) را برای خانواده به بار آورد. اقتصاددانان به جای رضایت خاطر از یک اصطلاح علمی به اسم مطلوبیت استفاده می کنند. آنها می گویند بهترین انتخاب، انتخابی است که بیشترین مطلوبیت را برای خانواده ایجاد کند.

راهکارهای موفقیت در اقتصاد خانواده

اقتصاد خانواده تنها محدود به خانواده های مرفه و ثروتمند نیست. این علم برای اقشار کم درآمد که اتفاقاً دخل و خرجشان همخوانی ندارد کاربردهای بیشتری خواهد داشت. از نکات قابل توجه در اقتصاد خانواده این است که افزایش درآمد، به معنی بهبود معاش خانواده نیست بلکه افزایش درآمد افزایش هزینه ها را به دنبال خواهد داشت یعنی مدیریت هزینه هاست که هنر گردانندگان اقتصاد خانواده را آشکار می کند. خانواده ها نمی توانند هنگام مواجهه با کمبود بودجه شان یک متمم بودجه بیاورند و هزینه های اضافی را حذف کنند بنابراین باید قادر باشند هزینه ها را مدیریت کنند.

آنچه اقتصاد خانواده را منحصر به فرد می کند وجود ارتباطات درونی بین نقش های شغلی و خانوادگی است. با این وجود نباید فعالیت های اقتصاد خانواده را شوخی و

زنان و مدیریت اقتصاد خانواده

زنان در مدیریت و برنامه ریزی الگوهای مصرفی در خانواده نقش اصلی را دارند و در جوامع سنتی این نقش در مسیر قناعت در خانواده پر رنگ تر بود. برخی از کارشناسان مصرف را کلید فهم تحولات اجتماعی بیان می کنند چرا که بر این اساس واقعیت خانواده را بهتر می توان شناخت. با توجه به اینکه سطح زندگی افراد در جامعه دچار تغییرات اساسی است نگاه امروز به اقتصاد در جامعه نگاهی وسیع و گسترده است.

در قدیم مصرف صرفاً یک رفتار اقتصادی بیان می شد، طوری که افراد غنی به لحاظ درآمد بالا، از کالاهای بیشتری هم مصرف می کردند، حال آنکه امروزه مصرف وسیله ای شده که افراد شخصیت خود را با آن به دیگران نشان می دهند؛ در واقع مصرف به یک رفتار اجتماعی تبدیل شده است. با توجه به جایگاهی که زن در خانواده به عنوان مادر و فردی که در انتقال ارزش های اخلاقی به نسل بعد مؤثر است، می تواند در اصلاح الگوی مصرف نقش بسیار مهمی داشته باشد.

اگر در خانواده ای مصرف و استفاده از کالاهای مصرفی توسط مادر خانواده مدیریت نشود اقتصاد خانواده دچار مشکل می شود. همان طوری که نقش زن در جامعه سنتی در قناعت، بسیار چشمگیر بوده است. در جوامع مدرن هم در گرایش یا عدم گرایش افراد خانواده به مصرف گرایی بسیار مؤثر است. زن با استفاده از جایگاه ویژه ای که از لحاظ احساسات و عواطف در خانواده دارد نیز می تواند روی الگوی مصرف و نظام اقتصادی خانواده تأثیر مستقیم داشته باشد.

افزایش بهره وری در خانواده

برای کاهش هزینه خانواده، قبل از استفاده از هر روشی، قیمت روش های مختلف را با هم مقایسه کنید. آن گاه از روشی استفاده کنید که ضمن تحقق خواسته نهایی و ایجاد مطلوبیت در خانواده، پایین ترین هزینه را داشته باشد. مثلاً در انتخاب وسایل زندگی با توجه به قیمت انواع کالا و در نظر گرفتن کیفیت هر کدام، موردی را انتخاب کنید که در کنار

آنان بر نمی آیند. امروزه منابع و مراجع بسیاری با موضوع اقتصاد خانواده وجود دارد. برگ برنده، شناخت مرجع شایسته و مراجعه به آن و کسب مشاوره صحیح است. از منابع بالقوه اطلاعات و مشاوره می توان به دوستان و آشنایان، اقوام، اعضای خانواده، همکاران شغلی و... اشاره کرد.

۳- افزایش سطح دانش اقتصادی خانواده: ابتدایی ترین مرجع برای افزایش سطح دانش و آگاهی و مطالعه کتاب ها و نشریات است. ارائه آموزش های لازم به فرزندان و ارتقای سطح عمومی دانش اقتصادی خانواده می تواند زمینه خوبی برای تصمیم گیری های صحیح اقتصادی باشد.



۴- روحیه همکاری بین اعضای خانواده: تعامل مناسب بین اعضای خانواده و همچنین اولویت بندی نیازهای اقتصادی سبب تقویت و سلامت اقتصاد خانواده می شود.

جایگاه فرزندان در اقتصاد خانواده

نقش کودکان و فرزندان به عنوان یکی از مصرف کنندگان عمده در خانواده ها از یک سو و همچنین جایگاه آنان در آتیه اقتصاد خانواده ها از سوی دیگر لزوم توجه به آموزش صحیح و هدایت آنان را ایجاب می کند. با رهبری صحیح و به جا در اقتصاد خانواده، خصوصیات دلسوزی، صرفه جویی، مسئولیت پذیری، صداقت و دیگر خصوصیات مثبت رشد و پرورش می یابد. هدایت فرزندان در مسیر شناخت مسائل، مشکلات، کمبودها و محدودیت های اقتصادی خانواده ها می تواند در اصلاح رفتار مالی و همچنین واقعیت نگری آنان نقش مهمی ایفا کند.

مهارت های اقتصادی خانواده

خانواده تعیین شود، آنگاه کل برنامه به برنامه ها و هدف های کوچک تر برای رسیدن به هدف اصلی تقسیم شود. از این رو برنامه ریزی در ۳ مرحله زمانی بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت ضرورت دارد. در برنامه ریزی بلندمدت خانواده، با توجه به منابعی نظیر ثروت و درآمد و زمان که در اختیار دارد، اهداف بلندمدت خود را تعیین می کند.

طبیعی است اهدافی مثل به دانشگاه فرستادن بچه ها نمی تواند یک شبه تحقق پیدا کند بلکه احتیاج به پیش زمینه هایی دارد. از این رو به همراه برنامه های بلندمدت، خانواده باید برنامه های کوتاه مدت و میان مدت هم تهیه کند. در برنامه میان مدت که در راستای برنامه بلندمدت تنظیم می شود خانواده باید نیازها و امکانات خود را شناسایی کرده تا بهترین شیوه را اتخاذ کند. مثلاً در مسأله دانشگاه رفتن بچه ها، خانواده باید زمینه تحصیل در محیط هایی مناسب پیش از دانشگاه، در دوره های ابتدایی و لیسه را برای فرزندان در برنامه میان مدت فراهم کند. به همین ترتیب لازم است که برای دستیابی به اهداف برنامه میان مدت، چند برنامه کوتاه مدت نیز پیش روی خانواده قرار بگیرد.



کارشناسان اقتصادی معتقدند پس از این مرحله، یعنی برنامه ریزی و انتخاب خط مشی برای تحقق اهداف این برنامه ها، موفقیت به روی خانواده ها لبخند می زند، فقط کافی است اعضای خانواده از خودخواهی، غرور و تکبر بپرهیزند و چشم مان به جمال اعضای صمیمی خانواده ها روشن شود.

ارزان تر بودن، هدف شما از به کارگیری آن وسیله را هم به نحو مطلوبی محقق می سازد.

در زندگی خانوادگی باید تصمیمات مختلفی اتخاذ شود. می توان بودجه خانواده را به کالای مصرفی بادوام مثل یخچال، تلویزیون، موتر، مسکن یا... اختصاص داد یا آن را برای کالای مصرفی بی دوام مثل رستوران رفتن، صرف کرد. این موضوع در مورد تعداد فرزندان، بین کیفیت آموزش، بهداشت یا کمیت (تعداد) نیز صادق است؛ یعنی ما همواره باید توجه داشته باشیم تا روشی را انتخاب کنیم که اولاً بین درآمد و هزینه ها تعادل برقرار باشد؛ یعنی امکان پذیر باشد ثانیاً با توجه به تفاوت در ترجیحات، سلیقه، فرهنگ حاکم در جامعه و خانواده انتخابی را داشته باشیم که وقتی به آن انتخاب دست یافتیم، به منظور تغییر آن، تلاش دوباره ای انجام نشود.

اهمیت زمان و برنامه ریزی در اقتصاد خانواده

زمان، منبعی در اختیار همه افراد است. این منبع مهم دارای ویژگی های خاص خود است که از سایر منابع که نزد فرد و خانواده قرار دارد، متمایز است. زمان منبعی محدود است که نه قابل ذخیره کردن است و نه برگشت پذیر. آهنگ آن را نمی توان تندتر یا کندتر کرد. لذا منبعی است که باید در قبال آنچه به دست می آید، صرف شود. از آنجا که انسان در قبال هرچه که در اختیار دارد، مسئول است، در مقابل زمان نیز مسئول است. با این نگرش نسبت به زمان، برنامه ریزی زمان برای خود و خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در واقع برنامه ریزی خانواده به منظور استفاده بهینه از زمان، نخستین قدم در راه برنامه ریزی اقتصادی خانواده است.

خانواده بدون برنامه مثل نهادی است که به حال خود رها شده است. اهداف تشکیل دهندگان خانواده محقق نمی شود مگر آنکه رئیس و مدیر خانه برای رسیدن به اهداف مورد نظرشان با شناخت کافی از امکانات و منابع در اختیار، برنامه ریزی داشته باشند. نخست باید چارچوب اهداف کلی

ترجمه و تالیف: مسعود سلیمانی

مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی

سرمایه بانک‌های اسلامی به علت انتقال ریسک، سوخت و عوق شدن تسهیلات اعطاء شده به سپرده‌گذاران، نسبتاً کاهش می‌یابد اما در عوض در مورد تسهیلات مشارکتی که رآن بانک‌ها در منافع و زیان تسهیلات شریک‌اند ریسک نک ها می تواند افزایش یابد.

به طور خلاصه عمومی‌ترین مفاهیم مورد استفاده نکداری اسلامی شامل مضاربه (تقسیم منافع)، ودیعه (به امانت گذاردن)، مشارکت (سرمایه‌گذاری مشترک)، مراهجه (قرارداد مبتنی بر قیمت تمام شده) و اجاره به شرط تملیک (لیزینگ) است. در یک قرارداد رهنی به جای اینکه برای خرید یک کالا، وام در اختیار خریدار قرار بگیرد، بانک‌ها خود اقدام به خرید کالا می‌کنند و آن را دوباره به خریدار می‌فروشند و وجه آن را به صورت قسطی دریافت می‌کنند.

یکی دیگر از مفاهیم در انجام معاملات اسلامی اجاره و اقتنا نام دارد که مشابه لیزینگ مستغلات است. وام بانک‌های اسلامی برای خرید وسایط نقلیه نیز شیوه مشابهی از لیزینگ است که وسیله نقلیه را با قیمت بالاتر از قیمت معمول به خریدار می‌فروشد، اما مالکیت وسایط نقلیه را تا پایان مدت اقساط تسهیلات حفظ می‌کند. نوعی دیگر از انواع تسهیلات بانک‌های اسلامی پرداخت وام به شرکت‌ها با نرخ بهره شناور است. نرخ بهره شناور به عنوان نرخ بازده ویژه یک شرکت به حساب می‌آید. به علاوه اینکه منافع بانک دقیقاً برابر با منافع خود شرکت خواهد بود. این فرم از مفاهیم خدمات بانکداری اسلامی مشارکت

نام دارد که بانک تامین‌کننده منابع مالی و شرکت وام گیرنده، پدید آورنده و مجری پروژه است که در پی یک طرح اقتصادی به سرمایه‌گذاری مشترک می‌پردازند. بنابراین منافع و



بانکداری اسلامی همان اهداف بانکداری متداول دنیا را دنبال می‌کند با این تفاوت که عملیات بانکداری در این بانک‌ها براساس فقه معاملات اسلامی و مشارکت در منافع و زیان صورت می‌گیرد. تفاوت اصلی بانکداری اسلامی از بانکداری عمومی در به کارگیری قراردادهای اسلامی و مبتنی بر مشارکت است.

به عبارت دیگر مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی به دلیل غیر ربوی بودن و مفاهیم خاص آن علاوه بر موارد مطروحه در مدیریت ریسک نیازمند اعمال دقت در مفاهیم بانکداری اسلامی نیز می‌باشد. با توجه به متفاوت بودن ماهیت بانکداری اسلامی به نظر می‌رسد تجدید نظر در بیانیه کمیته بال درباره نسبت کفایت سرمایه بانکداری اسلامی ضروری است. در مدیریت ریسک و بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی؛ مهم‌ترین اصل تقسیم منافع

و زیان حاصل از معامله و پرهیز از پرداخت ربا یا همان بهره پول است. علاوه بر این سپرده‌گذاران

در بانک‌های اسلامی، همانند سهامداران بورس در ریسک و منافع دریافتی حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها شریک می‌باشند. اگر چه ریسک





مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی

ریسک، بانک‌های اسلامی می‌توانند علاوه بر وثیقه از ابزار جدید سرمایه‌گذاری به نام هجینگ (Hedging) برای پوشش ریسک سرمایه‌گذاری‌ها استفاده کنند.

بنا به اظهار سامی السویلیم (۲۰۰۶ میلادی) روش هجینگ در کمیته فنی و کارشناسی و نیز در کمیته شرعی بانک توسعه اسلامی بررسی و نظام مند شده است. هجینگ نوعی ابزار و استراتژی برای پوشش ریسک‌های مختلف سرمایه‌گذاری و در یک بیان ساده، نوعی بیمه محسوب می‌شود. تکافل یا بیمه اسلامی نیز یکی از ابزارهای مورد استفاده برای پوشش ریسک در بانکداری اسلامی می‌باشد. همچنین یکی از راه‌هایی که می‌تواند باعث کاربردی شدن



برنامه مشارکت ریسک در موسسات مالی اسلامی شود تأسیس یک صندوق مشارکتی برای توزیع و تسهیم ریسک نرخ ارز می‌باشد. بنا به اظهار عصام جناحی (۲۰۰۹) رئیس کانون فاینانس (تامین مالی) بحرین، سیستم‌های متکی بر بانکداری اسلامی در مقابله با بحران مالی جهانی با کمترین ریسک در سرمایه‌گذاری مواجه بوده‌اند و خسارت کمتری نسبت به سایر سیستم‌های بانکی دیده‌اند که دلیل آن آمیخته کردن تجارت با مسئولیت‌های اجتماعی و منافع عامه است.

به عقیده کارشناسان حاضر در نشست مجمع جهانی اقتصاد در اردن، بررسی بحران اخیر مالی غرب نشان داده است که الگوی بانکداری اسلامی به جهت آمیخته کردن سرمایه‌گذاری با منفعت جامعه برای مدیریت بحران‌های مالی موفق‌تر بوده است.

زیان نیز به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود و شرکت نباید در صورت شکست در پروژه همه هزینه‌ها و زیان را برعهده گیرد.

یکی از ریسک‌های ثابت بر تسهیلات مشارکتی این است که مشارکت در برخی از فعالیت‌ها به مسدود شدن نقدینگی می‌انجامد و لذا گاهی موسسات مالی که سرمایه نقدی خود را به این گونه فعالیت‌ها اختصاص می‌دهند باید سال‌ها انتظار بکشند تا به سرمایه اولیه و منافع مورد انتظار دست یابند. به عبارت دیگر مشارکت در پروژه‌های بلند مدت می‌تواند عاملی برای ریسک نقدینگی شود. در بانکداری ربوی وام‌های اعطایی براساس قرارداد قرض با بهره معین است و بانک در ازای پرداخت وام وثیقه می‌گیرد. در بانکداری بدون ربا، قراردادهای مبادله‌ای همین ویژگی را دارند؛ یعنی قرارداد با نرخ‌های منافع معین منعقد، و در مقابل آن به منظور جلوگیری از هر گونه قصور در زمینه بازپرداخت تسهیلات اعطایی، بانک‌ها معمولاً اقدام به دریافت وثیقه می‌کنند؛ ولی در قرار داد‌های مشارکتی، اولاً نرخ منافع نامعین است و ثانیاً به جهت رابطه شراکتی بانک با گیرنده تسهیلات، وثیقه معنا ندارد و بانک همانند گیرنده تسهیلات، صاحب پروژه و سرمایه‌گذار در پروژه به‌شمار می‌رود، این امر باعث می‌شود که ریسک بانکداری بدون ربا از دو جهت افزایش یابد:

الف- این احتمال وجود دارد که طرح مورد سرمایه‌گذاری به موقع به منفعت دهی نرسد، یا اصلاً به منفعت دهی نرسد یا آن‌گونه که انتظار داشتند، منفعت دهی نداشته باشد. هر یک از این حالات، بانک را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد کرد.

ب- همچنان ممکن است که استفاده‌کننده از تسهیلات مشارکتی (عامل یا شریک) منافع واقعی را گزارش نداده، حتی ادعای خسارت کرده، برای اثبات آن پرونده‌سازی کند که از آن به ریسک اخلاقی تعبیر می‌کنند. در بانکداری اسلامی برای کاهش ریسک معاملات بر اساس رهنمودهای بانک توسعه اسلامی (IDB) و نیز دستورالعمل‌های بانک تسویه حساب بین الملل (BSI) و کمیته بال در مورد مدیریت

انتقال مصئون و سریع پول از طریق ویسترن یونین و سوئیفت در غضنفر بانک



سوئیفت (SWIFT)

غضنفر بانک یکی از بانکهای برجسته کشور و عضو کمیته سوئیفت می باشد که خدمات و امکانات مصئون و با اعتبار ذیل را پیرامون ارسال و دریافت پول به سراسر جهان در برابر بهای مناسب برای مشتریان خویش عرضه می دارد.



ارسال و دریافت پول

ارایه لیترا ف کریدت

ارایه گرتی های بانکی

دریافت چک های خارجی

ویسترن یونین (Western Union)



moving money for better

امکانات انتقال پول به داخل و خارج از کشور از طریق ویسترن یونین برای مشتریان غضنفر بانک مهیا می باشد. بنا بر این در تمام نمایندگی های غضنفر بانک برای انجام این سهولت غرفه های ویژه اختصاص یافته و با انجام خدمات قناعت بخش و مطمئن در خدمت مشتریان خویش قرار دارد.

دفتر مرکزی:

۸۶۶ سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان / صندوق پستی: ۵۹۸
mainbranch@ghazanfarbank.com / ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳



جهانی شدن، جهشی در اقتصاد جهان



جهانی شدن (globalization) در سطوح بالای اقتصادی و سیاسی، فرآیند خصوصی سازی، بین المللی سازی بازارها، سیاستها و سیستمهای حقوقی و به عبارت دیگر جهش در اقتصاد جهانی است. پیامدهای این تغییر ساختار اقتصادی و سیاسی بر اقتصاد کشورها، رفاه و آسایش بشر و محیط زیست، موضوعی برای بحث آزاد در بین سازمان های بین المللی، مؤسسات دولتی و آموزشی دنیا گشته است.

در سطح تجاری و بازرگانی،

زمانی از جهانی شدن سخن به میان می آوریم که شرکت ها تصمیم می گیرند در پدید آمدن و شکل گرفتن اقتصاد جهانی شرکت نمایند و موقعیت خودشان را در بازار های خارجی تثبیت کنند. آن ها ابتدا محصولات و خدمات شان را با توجه به آخرین مقتضیات فرهنگی و زبانی کاربر منطبق می کنند و سپس از تحول عظیم اینترنت حداکثر استفاده را می نمایند و به طور مجازی با استفاده از یک وب سایت اشتراکی چند زبانه در مراکز تجاری بین المللی حضور می یابند.

جهانی شدن در کاهش فقر بسیاری از کشورهای در حال توسعه نقش به سزایی داشته است، اما برای کمک به بهبود زندگی مردم در عقب مانده ترین کشورها باید آماده تر و مجهز تر گردید. این مسئله خصوصاً به دنبال حادثه یازده سپتمبر و کاهش فعالیت های اقتصاد جهانی از اهمیت بیشتری برخوردار گشته است. تحقیقات نشان می دهد که در طول دو دهه منتهی به دهه ۱۹۹۰، ۲۴ کشور در حال توسعه که روند الحاق خود به اقتصاد جهانی را شدت بخشیده اند، به رشد درآمدی بالاتر، متوسط عمر طولانی تر و تحصیلات بهتر دست یافته اند. این کشورها از یک نرخ رشد ۵ درصدی

در درآمد سرانه نسبت به نرخ ۲ درصدی کشورهای ثروتمند برخوردار بوده اند. بسیاری از این کشورهای در حال توسعه همچون چین، هندوستان، مجارستان و مکزیک سیاستهای داخلی اتخاذ نموده اند که امکان استفاده از بازارهای جهانی را برای مردم فراهم آورده است و به این ترتیب موجب افزایش ناگهانی سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی آنان شده است. مردم این کشورها شاهد افزایش دستمزدها و کاهش تعداد افراد فقیر بوده اند. البته پیوستن همه کشورها به اقتصاد جهانی با موفقیت همراه نبوده است. بر اساس این گزارش دو میلیارد نفر از مردم خصوصاً در مناطق حاشیه ای صحرای آفریقا، خاورمیانه و اتحاد جماهیر شوروی سابق در کشورهای عقب مانده زندگی می کنند. این کشورها قادر به توسعه روند الحاق خود به اقتصاد جهانی نبوده اند. نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی آنان یا بدون تغییر مانده و یا سیر نزولی پیدا کرده است و به طور کلی می توان گفت این کشورها دچار رکود اقتصادی و افزایش فقر می باشند. میزان تحصیلات در آنان از یک رشد کند تری نسبت به کشورهای جهانی شده برخوردار بوده است. در یک تحقیق به منظور کمک به بهره بری مطلوب تر از مزایای جهانی شدن توسط کشورهای در حال توسعه یک طرح ۷ ماده ای پیشنهاد شده



بهتر به بازارهای یکدیگر بهره خواهند برد. لازم به ذکر است که موانع موجود در میان بازارهای این کشورها بیشتر از موانعی است که آنان در کشورهای ثروتمند با آن مواجهند.

* بهبود شرایط سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه تشویق به سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال مستلزم کنترل اقتصادی مطلوب است که خود به اقداماتی همچون مبارزه با رشوه خواری و فساد، عملکرد بهتر دستگاههای اداری و نظارت مطلوب تر و حمایت از حقوق مالکیت شخصی می انجامد. این مورد خصوصاً برای مراکز تجاری و مزارع کوچک و متوسط که از عوامل مهم در ایجاد شغل و بالا بردن استندردهای زندگی مردم فقیر روستایی هستند، از اهمیت زیادی برخوردار است.

* پیشرفت در عرضه خدمات آموزشی و بهداشتی کشورهای در حال توسعه که حداکثر استفاده را از الحاق به اقتصاد جهانی برده اند، به پیشرفت های قابل ملاحظه ای در زمینه آموزش ابتدایی و کاهش مرگ و میر نوزادان دست یافته اند. این امر بیانگر آن است که بسیاری از کشورها در زمینه خدمات بهداشتی و آموزشی سرمایه گذاری کرده اند تا امکان استفاده از این رشد و توسعه را برای مردم فقیر فراهم آورند.

* تأمین بیمه اجتماعی در یک بازار کار بی ثبات طرح بیمه اجتماعی با توجه به نیازهای یک اقتصاد بی ثبات به کارگران در سازش یافتن با چالش های یک اقتصاد بازتر کمک می نماید. پوشش (بیمه) اجتماعی بهتر و مطلوب تر ظرفیت ریسک پذیری کارگران و کارفرمایان را افزایش می دهد و امکان بهره بری از فرصت های جدید را برای آنان فراهم می آورد.

* افزایش کمک های خارجی از سوی کشورهای ثروتمند حاکی از آن است که سرمایه گذاران بخش خصوصی زمانی که در شرایط سرمایه گذاری کشورهای کم درآمد بهبود حاصل می گردد، می توانند دیرتر واکنش نشان

است. این طرح کشورهای فقیر را به بهبود شرایط سرمایه گذاری خود و قرار دادن جایگاهی بهتر برای بیمه اجتماعی (توجه بیشتر به بیمه اجتماعی) که پشتیبان مردم فقیر در بهره مندی از فرصت ها و سازگاری در یک محیط اقتصادی بی ثبات می باشد، فرا می خواند و از کشورهای ثروتمند تقاضا می کند تا بازارهای خود را به روی محصولات صادراتی کشورهای در حال توسعه بگشایند و سببایدی های سنگین کشاورزی را که موجب تضعیف صادرات کشورهای فقیر می گردد، کاهش دهند. مراحل طرح هفت ماده ای یاد شده به شرح ذیل می باشد:



* نشست مذاکرات تجاری در راستای توسعه کشورهای در حال توسعه به پیشرفت های چشمگیری دست خواهند یافت، اگر ممالک ثروتمند برنامه توسعه سازمان تجارت جهانی در دوحه را مدنظر قرار دهند و با از میان برداشتن موانع تجاری شان موافقت کنند. در حال حاضر کارگران کم درآمد کشورهای در حال توسعه همچون کارگران کشورهای ثروتمند باید به تعرفه هایی دو برابر تن در دهند که این امر مستلزم تغییر است. کشورهای ثروتمند همچنین باید اقداماتی در جهت کاهش قابل ملاحظه سببایدی های کشاورزی به عمل آورند که اخیراً بالغ بر ۳۵۰ میلیارد دلار در سال می گردد. این مبلغ هفت برابر مبلغی است که کشورهای ثروتمند صرف کمک به توسعه می نمایند. این سببایدی ها نه تنها به مردم فقیر کشورهای در حال توسعه لطمه وارد می سازد بلکه موجب افزایش نرخ مالیات و قیمت ها در کشورهای ثروتمند می گردد. کشورهای در حال توسعه به علت دستیابی



جهانی شدن جهانی در اقتصاد جهان

در نظر گرفته شده است. اصطلاحات عصر جنگ سرد و عصر فضا برای توصیف دوره‌های خاصی از تاریخ مورد استفاده قرار می‌گیرند و جهانی شدن برای توصیف جو فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر دوره فعلی به کار می‌رود. بعضی از مردم در وهله اول تصور می‌کنند جهانی شدن مترادف تجارت جهانی است در حالیکه فراتر از آن است و جهانی شدن به شرکت‌های تجاری این امکان را می‌دهد که طوری فعالیت نمایند که گویی مرزهای بین‌المللی وجود ندارند. همچنین برای مبارزان اجتماعی و گردانندگان اتحادیه‌های کارگری، روزنامه‌نگاران و استادان دانشگاه و شمار دیگری از افراد این امکان را فراهم می‌آورد که در یک عرصه جهانی فعالیت نمایند.

تاریخچه: با اولین امپراتوری‌هایی که به وجود آمدند، بحث جهانگرایی نیز مطرح شد. در امپراتوری روم، چین، ایران و مصر جهانی شدن مطرح بود که البته وجه غالب آن سیاسی و فتح سرزمین بود. مفهوم جهانی شدن محصول رشد نظام سرمایه‌داری است که از قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی تجلی پیدا می‌کند. در این وضعیت، علاوه بر فتح سرزمینی، بعد اقتصادی نیز به آن افزوده شد. یعنی به دنبال تولید انبوه در نظام سرمایه‌داری، نیاز به بازارهای فروش به وجود می‌آمد که آن هم نیازمند دولتی بود که به لحاظ اقتصادی این جهان‌گشایی را فراهم آورد. در این مرحله علاوه بر وجه سیاسی، وجه اقتصادی هم به آن افزوده می‌شود. فتح سرزمینی مانند دوره قبل یک اصل نبود. جهانی شدن محصول یکی دو دهه اخیر است. این بار جهانی شدن وجوه مختلفی دارد و تا زوایای زندگی انسان‌ها هم رسوخ پیدا می‌کند و اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ و حتی زندگی خصوصی افراد را نیز دربرمی‌گیرد. اینکه بحث از مک دونالدی شدن می‌کنند، یعنی همین، یعنی در شیوه غذا و مصرف مردم جهان نیز تأثیر گذار است. به طور کلی ویژگی‌های جهانی شدن در مفهوم متأخر آن، یکی همین چند وجهی بودن آن است. دوم جهانی شدن در این مقطع با ابزارهای زور وارد نمی‌شود. بلکه این بار از طریق نفوذ مسالمت آمیز در خانه‌ها است و مخاطب با طیب خاطر به استقبال این جهانی شدن می‌رود. ویژگی سوم، سرعت، شتاب و فراگیری است. اگر در مرحله اول، کشور جهانی گستر بوسیله نظامیان، خود را در مدت زمان زیادی گسترش می‌داد، در مفهوم جدید این گونه نیست. با امکانات ارتباطی جدید، می‌توان روح و قلب

بدهند و دقیقاً در این مرحله است که کمک‌های گسترده و با مقیاس وسیع می‌تواند در توسعه و کاهش فقر تأثیر چشمگیری داشته باشد. این کمک‌ها باید پاسخگوی مشکلات جغرافیایی و بهداشتی جدی اکثر کشورهای عقب مانده باشد. کمک‌های خارجی تا ۰/۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای اهداء کننده تنزل یافته است، یعنی کمترین حد خود از زمانی که برای اولین بار در سال ۱۹۴۷ با طرح مارشال نهادینه شد. کمک به تسهیل بدهی برای کشورهای اصلاح طلب کاهش قروض کشورهای عقب مانده خصوصاً در آفریقا امکان مشارکت بیشتر در روند جهانی شدن و مزایایی که در بردارد را برای آنان فراهم می‌سازد. کاهش قروض خصوصاً برای کشورهایی که وضعیت خدمات اجتماعی و شرایط سرمایه گذاری خود را بهبود بخشیده اند، نقش مؤثر و کلیدی دارد. راهکارهای تسهیل بدهی هم اکنون برای ۲۵ کشور تحت عنوان "کشورهای فقیر به شدت مقروض" در حال اجرا است، به طوری که کمک‌های اختصاص داده شده به آنها بالغ بر ۳۶ میلیارد دلار می‌گردد. البته به این مسئله باید توجه داشت که کاهش بدهی‌ها یا قروض نباید از محل کمک‌های خارجی تأمین گردد، چرا که این عامل به راحتی باعث از بین رفتن منابع کمکی می‌گردد. پرداختن به مسئله گازهای گلخانه‌ای میان دانشمندان یک اتفاق نظر کلی در رابطه با این موضوع وجود دارد که: فعالیت بشری به گرم شدن نابود کننده و ویرانگر جهان منجر شده است و این تغییرات اقلیمی خصوصاً برای کشورهای فقیر و مردم آن لطامات سنگینی در بر خواهد داشت. این گزارش مصرانه خواستار همکاری‌های بین‌المللی مؤثرتر به منظور حل و فصل این مشکلات می‌باشد.

جهانی شدن چیست ؟

عصر جدید جایگزین عصر جنگ سرد و عصر فضا می‌گردد. مردم سراسر دنیا نسبت به گذشته از ارتباط بیشتری با یکدیگر برخوردارند. اطلاعات و پول با سرعتی بیشتر از قبل در جریان هستند. کالا و خدماتی که در یک بخش از دنیا تولید و عرضه می‌گردد در سایر بخشهای دنیا قابل دسترسی است. سفرهای بین‌المللی بیشتر و متداول‌تر شده است. ارتباطات بین‌المللی عادی و پیش پا افتاده شده است به این پدیده عنوان جهانی شدن داده شده است. عصر جهانی شدن اصطلاحی است که برای توصیف دوران فعلی



۱۳ درصد و صادرات کالاهای صنعتی تا ۲۳ درصد را همراه آورد. در طول دهه ۱۹۸۰، ایالات متحد آمریکا، اروپا و جاپان موافقت کردند تا دوره جدیدی از گفتگوها را در این زمینه شروع کنند که این گفتگوها در سال ۱۹۸۶ در کشور اروگوئه شروع شد. این محصول امروز بنام گفتگوهای دوراروگوئه شهرت خاصی دارد. گفتگوهای دوراروگوئه ۹ سال به طول انجامید و منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی (WTO) در سال ۱۹۹۵ شد. از همین رو در سال ۱۹۹۵، نه فقط کالاهای صنعتی، بلکه تولیدات کشاورزی، منسوجات و الیاف نیز تحت پوشش قوانین تجارت بین‌المللی قرار گرفتند. در همین سال بود که جهانی شدن جنبه فرهنگی نیز پیدا کرد و حوزه فرهنگ و هنرها را شامل شد. جامعه بین‌المللی همچنین موافقت کرد تا آئین نامه‌های ویژه‌ای را برای بخش خدمات از قبیل بانک داری، بیمه، سرمایه‌گذاری و گردشگری تدوین کند. به طور خلاصه، همه کشورها توافق کردند تا در چارچوب (سازمان تجارت جهانی)، دروازه‌های خود را بر روی یکدیگر بگشایند. موانع غیر تعرفه‌ای را دور بریزند و میانگین نرخ تعرفه‌ها را نیز از ۵/۸ درصد به ۳/۶ درصد کاهش دهند، ضمن آنکه ۴۳ درصد تجارت جهانی را از برقراری انواع تعرفه‌ها معاف کنند. به این ترتیب هر کشوری که بخواهد عضو سازمان تجارت جهانی شود، یک دوره انتقالی و آماده‌سازی به او داده می‌شود، تا خود را کاملاً با آئین نامه‌های آن سازمان تطبیق دهد. این امور وظیفه‌ای مشکل و در برخی اوقات غیر ممکن برای فرهنگ‌های سنتی و دولتهای غیر محبوب به شمار می‌رود. به عبارتی دیگر، آنچه

گفته شد به این معنی است که هر چه یک دولت، در سطح محلی و ملی از مدیریت بهتری برخوردار باشد، شانس بیشتری برای الحاق به موافقت نامه‌های جهانی تجارت دارد. کشورهای تازه صنعتی شده نظیر کشورهای جنوب شرقی، آسیا، هم اکنون نظام تجارت خود را با تغییرات جهانی وفق داده‌اند. سایر کشورها نظیر هندوستان، پاکستان، مصر، آرژانتین و

مخاطبان را در دقایق کوتاهی فتح کرد. بحث جهانی شدن در اندیشمندان دوره مدرن هم وجود دارد. ولی بحث جهانی شدن به مفهوم اخص در دهه‌ی ۱۹۷۰ شروع و در دهه‌ی ۱۹۹۰ اوج گرفت. با فروپاشی شوروی و جنگ کشورهای متولف علیه عراق، این مفهوم اهمیت بیشتری یافت. در دهه‌ی ۱۹۷۰ "مارشال مک لوهان" کانادایی نظریه دهکده جهانی را مطرح کرد و حالا در قرن بیست و یکم، بحث جهانی شدن به بحث فراگیری مبدل شده است. با پایان جنگ دوم جهانی، کشورهای صنعتی که تحت تأثیر تبعات جنگ، تا حد گسترده‌ای دچار رکود اقتصادی شده بودند، تصمیم گرفتند تا موانع را از سر راه تجارت بین‌المللی بردارند. به همین منظور صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تاسیس شدند. موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در سال ۱۹۴۷، بمنظور رفع موانع در داد و ستد جهانی شکل گرفت. که پنج اصل اساسی را شامل می‌شد. اصول پنج گانه "گات" در حقیقت از همه کشورها درخواست می‌کرد تا روابط دوستانه‌ای با یکدیگر داشته باشند و موانع تجاری غیر تعرفه‌ای را حذف کنند، به سوی یک نظام بازرگانی چند جانبه روی آورند و فقط تعرفه‌ها را برای تجارت بین‌المللی به کار گیرند. این موافقت نامه همچنین کشورها را ملزم می‌کرد تا از اجرای تحریم سایر کشورها دوری گزیده و اختلافات خود را از طریق دوستانه حل و فصل کنند. در پیش گرفتن سیاستهای فوق سبب رشد اقتصادی کشورهای مورد بحث شد و درآمدهای آنها را بیش از پنج برابر افزایش داد. اقدامی که در مجموع افزایش تجارت جهانی به میزان ۱۲ تا





۳- دیدگاه سوم، متعلق به کسانی است که هم امکانات و هم آسیب های جهانی شدن را می بینند. سازمان ملل متحد و جهانی شدن به موضع جهانی شدن در سازمان ملل متحد، به صورت خاصی توجه می شود. گر چه ابعاد دیگر آن در نشریات ارگانهایی نظیر یونسکو نیز ممکن است مورد بحث قرار گیرد و از سوی دیگر تشکل های غیر دولتی تحت نظارت و مورد حمایت، تلاش گسترده ای را در رابطه با تشکیل گردهم آیی ها و برقراری زمینه های گفتگو پیرامون موضوع، فراهم می کنند. بعنوان مثال، در نشست هزاره، نمایندگان شانزده کشور جهان در سخنرانی های خود به جهانی شدن اشاره داشتند. کشورهای یاد شده عبارت بودند از: آنتیگوئه و باربودا، فرانسه، گوآتمالا، گویان، اندونزی، جامائیکا، هالند، نیکاراگوئه، نیجریه، پاکستان، لهستان، پرتغال، سنت لومیا، آفریقای جنوبی، تایلند، اوگاندا، همچنین مجمعی به عنوان مجمع جهانی دولت (STATE OF THE WORLD FORUM) که هدف جهانی شدن پایدار را دنبال می کند. طی نشستی در نیویورک با حضور ۱۰۰۰ نفر از ۸۰ کشور جهان پیرامون موضوع تشکیل داد. در نشست یادشده، چهره های برجسته ای از قبیل میخائیل گورباچف، THABO MBEKI رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، یوشیره ناکازونه نخست وزیر اسبق جاپان، جهان سادات همسر انور سادات، ژان برتراند آریستید، رئیس جمهور هائیتی، DESMOND TUTU برنده جایزه نوبل، GEORGE SOROS رئیس اتحادیه کارگری AFL-CLO در مورد ابعاد گوناگون جهانی شدن سخنرانی کردند: در همین راستا، نشست مشابه دیگری در پراگ تشکیل شد.

جهانی شدن، مجموعه ای پیچیده از جریان هایی است که به وسیله ی مخلوطی از تأثیرات سیاسی و اقتصادی هدایت می شوند. جهانی شدن زندگی را به ویژه در کشورهای پیشرفته دگرگون ساخته، هم زمان نیروها و نظام های فراملیتی جدید ایجاد می کند. از آن نمی توان تنها به عنوان پس زمینه ی سیاست های معاصر سخن گفت: جهانی شدن در مجموع خویش، در حال دگرگون کردن جوامعی است که ما در آنها زندگی می کنیم.

برازیل در حال گذر از مرحله مشابهی هستند. هر چند وضعیت برخی از کشورها در حاله ای از ابهام قرار دارد. برای کشورهایی که خود را با این تغییرات تطبیق دادند، اثرات آن مثبت بوده است. جهانی شدن به آنها کمک کرد تا تکنولوژی و سرمایه کشورهای صنعتی را جذب کنند و بهره وری خود را بالا ببرند. از همین رو بود که مالیزیا به صورت یک کشور صنعتی درآمد و امروز بیش از ۷۰ درصد صادرات آنرا قطعات الکترونیک تشکیل می دهند. مالیزیا موفق شده است موقعیت های شغلی برای مردم کشورش را به چند برابر برساند و درآمد سرانه را تا ۱۰ برابر بالا ببرد. زمانیکه یک کشور به نظام تجارت جهانی ملحق می شود، در فاکتورهای تولید جابجایی رخ می دهد، اقتصاد دولتی کوچک شده و در نتیجه شماری از کارخانه ها تعطیل و مسأله بیکاری بواسطه اخراج شمار زیادی از کارکنان رو به وخامت می رود. همه دیدگاه هایی را که درباره جهانی شدن وجود دارد، می توان در سه دیدگاه کلی دسته بندی کرد:

۱- پژوهشگرانی که جهانی شدن را مخاطره ای هولناک برای آینده جامعه بشری ارزیابی می کنند. این گروه نتیجه جهانی شدن را غربی شدن. تحمیل الگوهای رفتاری آمریکا، یکسانی فرهنگی، از بین رفتن ارزش های فرهنگی، فتح گسترده جوامع گوناگون به وسیله یک فرهنگ خاصی می دانند. اینها عقیده دارند جهانی شدن موجب نشر شکاف های اجتماعی می شود. فقر در کشورهای پیرامونی بیش از پیش افزایش پیدا خواهد کرد و این فقر به بهای افزایش امکانات، فرصت ها و غنی تر شدن سلطه کشورهای مرکزی است. در واقع اینها بحث جهانی شدن را در قالب رابطه "مرکز پیرامون" می بینند و این رابطه ظالم و مظلوم است. کشور ها و افراد دارا در این فرایند دارا تر و ضعفا، فقیرتر می شوند. به زغم اینها، در جهانی شدن توسعه و رشد نامتوازی بین مرکز و پیرامون در جریان خواهد بود که هر چه جلوتر برویم، نامتوازن تر خواهد شد.

۲- دیدگاه دوم، نتیجه این روند را به مثابه یک مدینه فاضله تلقی می کند که در سایه آن همگرایی، بهره مندی اقتصادی، خلاصی از نظام های غیر دموکراتیک و جامعه مدنی بین المللی و دموکراسی جهانی ایجاد می شود.



سید مجتبی خلیلی

تورم و علل آن

افزایش در بازدهی عوامل و فرایند های اقتصادی ایجاب می کنند، تنزل نیابد. تورم آن طور که معمولاً فهمیده می شود، رابطه ای با افزایش نامعمول قیمت ها دارد.

زمانی که اقتصاددانان درباره تورم صحبت می کنند، به رشد سطح عمومی قیمت ها اشاره دارند؛ تورم یعنی باید برای خرید کالاها و خدمات، پول بیشتری پرداخت شود. پاره ای دیگر تورم را سیر تراکمی افزایش قیمت ها و برگشت نا پذیری آن تعریف کرده اند. صاحب نظران دیگری همچون ریمون بار، ژان مارشال و گونار میردال تورم را افزایش زیاد و مداوم قیمت ها تعریف کرده اند. اگر رشد دستمزدها با رشد بهره وری در اقتصاد یکسان باشد، تورم به وجود نخواهد آمد.

«تورم حاد» یا تورم مهارناپذیر واژه ای است که از آن افزایش بیشتر قیمت ها انتظار می رود. به نحوی که جوش و خروش برای کالاها وضعیتی را پدید می آورد که پایان آن سقوط کامل پول است، در حالت تورم حاد سرعت گردش پول نقش مهمی ایفا می کند و به سطحی ارتقا می یابد که واحد پول نخست نقش خود را به صورت ذخیره ساز ارزش و بالاخره ضابطه ی تعیین ارزش و واسطه ی مبادله از دست می دهد. اما «تورم خزنده» افزایش تدریجی اما دائمی هزینه

تورم از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی و یا قیمت است. تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می شود. تورم، روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمت ها در اقتصاد است. هر چند طبق تئوری های مختلف، تعاریف متفاوتی از تورم صورت می گیرد، اما، تمامی آنها به روند روز افزون و نامنظم افزایش در قیمت ها اشاره دارند. مفهوم امروزی تورم، در قرن نوزدهم میلادی متداول شد. قبل از آن، مفهوم دیگری از تورم وجود داشت که جهت نشان دادن افزایش حجم اسکناس های غیرقابل تبدیل به طلا به کار برده می شد.

تعریف تورم دلالت بر وضعیتی دارد که در آن تقاضای پولی برای محصول نسبت به تولید رشد می کند، تورم معمولاً با افزایش واقعی سطح عمومی قیمت ها، یا به عبارت دیگر، با کاهش قوه خرید واحد پولی همراه است. در بعضی مواقع تورم زمانی به وجود می آید که سطح عمومی قیمت ها به میزانی که





تورم و علل آن

هزینه‌های عمومی دولت را افزایش داده و در نتیجه دولت را مجبور به کسب درآمد بیش‌تر یا استقراض از بانک مرکزی می‌کند که در هر دو حالت ضربات جبران ناپذیری را به اقتصاد کشور ها وارد می‌کند. در گزارشی به طرح راهکارهای مبارزه با تورم پرداخته و تاکید می‌کند که حل معضل تورم در کشور کار خیلی پیچیده‌ای نیست و کافی است ریشه‌های تورم، که قابل شناسایی نیز هستند، به گونه‌ای از میان برداشته شوند.

علاوه بر آثار اقتصادی، تورم بر ساختار اقتصاد و متغیرهای کلان اقتصادی تاثیرگذار است. تورم، در عصر حاضر، ابعاد اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای پیدا کرده است. دلیل این مسئله، ارتباط تنگاتنگ تورم با زندگی افراد جامعه است. علاوه بر آن، ثبات سیاسی و اقتصادی یک کشور از طریق شاخص‌های متفاوتی سنجیده می‌شود که تورم از جمله آنهاست. شعار بسیاری از نامزدهای ریاست جمهوری در کشورهای در حال توسعه، کنترل و پایین آوردن روند رشد قیمت‌هاست. از این‌رو، تورم را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین، مهم‌ترین و حساس‌ترین مقولات اقتصادی و اجتماعی عصر حاضر دانست و بررسی و تحلیل آن، می‌تواند نقش بسزایی در تحلیل و تبیین مسائل اقتصادی داشته باشد.

یکی از ریشه‌های تورم نبود تعادل میان درآمدها و هزینه‌های دولت است. به این ترتیب که وقتی هزینه‌های دولت از درآمدهای آن در بودجه سالانه بیش‌تر باشد، دولت با کسری بودجه مواجه می‌شود. اگر دولت برای حل مشکل کسری بودجه اقدام به استقراض از بانک مرکزی یا فروش درآمدهای ارزی به بانک مرکزی کند، پایه پولی و به دنبال آن نقدینگی کل در اقتصاد افزایش می‌یابد که این افزایش نقدینگی آثار تورمی به دنبال خواهد داشت.

پایین بودن سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، ناچیز بودن سرمایه‌گذاری خارجی، پایین بودن سهم صادرات کشور، بالا بودن قیمت محصولات صنعتی، از جمله ضعف

ها و قیمت‌ها را می‌نمایاند که کم و بیش به وسیله‌ی سیاست‌های پولی و مالی با آن برخورد می‌شود.



دیدگاه کینز دو دلیل عمده برای تورم ذکر می‌کند، کاهش عرضه کل و یا افزایش تقاضای کل. اما برخی از کارشناسان امور اقتصادی عرضه پول مازاد بر رشد اقتصادی را عمده‌ترین دلیل تورم می‌دانند. به عبارت دیگر، تورم، تناسب نداشتن حجم پول در گردش، با عرضه خدمات و کالاها به شمار می‌رود. تقریباً تمام اقتصاددانان بر این نکته توافق دارند که تورم پایدار و درازمدت، ریشه‌ای جز عرضه پول و افزایش نقدینگی ندارد. هر چه میزان تورم بیش‌تر شود، قدرت خرید یک واحد پول کم‌تر می‌گردد.

تورم از جمله پدیده‌هایی است که می‌تواند آثار و تبعاتی مثبت و منفی به دنبال داشته باشد و مهمترین اثر آن توزیعی است به نحوی که به نفع گروه‌های پردرآمد و به ضرر گروه‌های فقیر و کم‌درآمد و حقوق‌بگیر است. به عبارت دیگر تورم به افراد دارای درآمدهای پولی ثابت، ضرر می‌زند و از قدرت خرید آنان می‌کاهد و در مقابل، به نفع اغلب کسانی تمام می‌شود که درآمدهای پولی متغیر دارند. تورم همچنین

هایی است که منجر به محدودیت عرضه در بخش تولید می‌گردد.

اگر مردم بر اساس تجربیات گذشته خود و یا بر مبنای مشاهدات بازار پیش بینی کنند که درآینده نزدیک قیمت‌ها رو به افزایش خواهد بود، میزان هزینه و خریدهای خود را افزایش دهند. از طرف دیگر تولید کنندگان و فروشندگان از فروش و عرضه کالاها خود به امید افزایش قیمت در آینده خودداری کنند، بدیهی است که با این سیاست، عرضه و تقاضا اثر مستقیم بر قیمت‌ها خواهد داشت و موجب افزایش تورم خواهد شد.

اگر نرخ تورم بالا باشد، آثار نامطلوبی بر ثبات اقتصادی کلان کشورها و به ویژه نرخ تسهیلات داشته و منجر به کاهش نرخ پس انداز می‌گردد. همچنان نرخ پس انداز پائین به ویژه کاهش در پس انداز دولت، باعث افزایش نرخ تورم می‌گردد. اثر تغییرات نرخ ارز بر سطح قیمت‌ها و تورم متأثر از سیاست‌های اقتصادی کشورها است. اگر افزایش نرخ ارز توأم با اجرای سیاست‌های انبساطی مالی و پولی باشد، موجب تشدید و فشار تورم خواهد شد و چنانچه افزایش نرخ ارز با اجرای سیاست‌های انقباضی مالی و پولی همراه باشد، آثار قابل ملاحظه‌ای بر تورم و نیز بر سطح عمومی قیمت‌ها نخواهد داشت. اما اعمال سیاست یکسان سازی هم بر تورم و هم بر سطح عمومی قیمت‌ها تأثیر گذار است.

آن چه که میزان عرضه و تقاضای سرمایه مالی را تعیین می‌کند «نرخ بهره حقیقی» است. به این معنی که سپرده‌گذار و متقاضی تسهیلات تصمیم‌گیری‌های خود در مورد میزان سپرده‌گذاری یا دریافت تسهیلات را با توجه به این متغیر انجام می‌دهد؛ و نه متغیر نرخ بهره اسمی. نرخ بهره حقیقی، نرخ بهره‌ای است که با در نظر گرفتن اثر تورم بر کاهش ارزش سرمایه مالی به دست می‌آید؛ یعنی میزان رشد قدرت خرید سرمایه مالی، با توجه به افزایش سطح قیمت‌ها.

نتیجه منفی بودن نرخ بهره حقیقی آن است که عرضه سرمایه مالی از طرف سپرده‌گذاران کاهش می‌یابد و از طرف دیگر تقاضای تسهیلات از طرف وام‌گیرندگان افزایش می‌یابد و به این ترتیب مازاد تقاضا برای تسهیلات به وجود می‌آید. این مازاد تقاضا به معنای فشار بر سیستم بانکی برای تأمین منابع برای اعطای تسهیلات و از طرف دیگر تأمین نشدن منابع کافی از طرف سپرده‌گذاران است که نتیجه آن موجود نبودن تسهیلات کافی برای همه متقاضیان است.

دخالت دولت‌ها برای تأمین منابع بانک‌ها با الزام بانک مرکزی به تزریق پول به بانک‌ها، خود موجب افزایش حجم پول و تورم بیش‌تر خواهد شد، و اگر چه در کوتاه مدت ممکن است به رفع مشکل بانک‌ها کمک کند، اما در نهایت با افزایش تورم، باعث کاهش بیش‌تر نرخ بهره حقیقی و وخیم‌تر شدن وضع سیستم بانکی خواهد شد. از پیامدهای



دیگر نرخ بهره حقیقی منفی هم‌چنین می‌توان کاهش انگیزه بانک‌ها برای ارائه خدمات بهتر، ایجاد فساد در سیستم بانکی به صورت رانت و رشوه برای دریافت تسهیلات، و بازتوزیع ثروت از سپرده‌گذار به نفع دریافت‌کننده تسهیلات را نام برد. در صورتی که دولت سیاست‌های پولی شفاف و میانه‌رو در پیش بگیرد، یعنی حجم پول را با نرخ منطقی و از پیش اعلام شده رشد دهد، تورم حاصل از رشد نقدینگی کاهش می‌یابد و در نتیجه نرخ بهره کاهش می‌یابد.

امضای توافق نامه همکاری میان وزارت امور زنان

و اداره توسعه شهر جدید کابل

از پیشرفت ها در این پروژه خبر داده گفت: نقش زنان در راستای توسعه شهر جدید کابل جهت تأمین مشارکت اجتماعی مهم می باشد.

بر اساس این توافقنامه، وزارت امور زنان با تفاهم اداره های ذیربط دولتی در راستای راه اندازی پروژه های اجتماعی و انکشافی برای زنان در شهر جدید، ایجاد مارکیت های بزرگ تجارتي برای عرضه تولیدات مختص زنان، نمایشگاه صنایع دستی، تسهیلات و امکانات ورزشی، مراکز تفریحی، مراکز آموزش های دینی و سالون های فاتحه خوانی، ایجاد کمیته مشترک جهت نظارت از تطبیق پروژه ها، همکاری در طرح و ترتیب استراتیژی، ایجاد تأسیسات و تسهیلات امور زنان و جذب کمک ها غرض تمویل پروژه ها برای توانمند سازی زنان، همکاری لازم صورت می گیرد.

گفتنی است که این شهر بیشتر از ۸۰ میلیارد دالر امریکایی هزینه بر می دارد که از سوی حکومت افغانستان و سکتور خصوصی پرداخت می شود و تا ۳۰ سال آینده به طور کامل به بهره برداری سپرده خواهد شد.



توافق نامه همکاری میان وزارت امور زنان و مورد مستقل توسعه شهر جدید کابل با حضور داشت هیأت رهبری هر دو نهاد، توسط دکتر حسن بانو غضنفر وزیر امور زنان و انجنیر غلام سخی حسن زاده رئیس اداره توسعه شهر جدید کابل، روز چهار شنبه مورخ ۵ سنبله ۱۳۹۳ خورشیدی در تالار کنفرانس های این وزارت به امضاء رسید.

محترمه دکتر حسن بانو غضنفر وزیر امور زنان ضمن خرسندی از تطبیق ماستر پلان شهر جدید کابل، این روز را

تاریخی خوانده گفت: با گذشت هر روز نفوس شهر کابل بیشتر می شود، ما نیاز به یک شهری معیاری داریم که تسهیلات اساسی را به زنان فراهم نماید. وی افزود: با توجه به مقادیر هنگفت منابع طبیعی کشور، احیای جاده ابریشم و وصل شدن کشور ما از طریق خط آهن با آسیای مرکزی، این کشور ضرورت به یک شهر معیاری و مدرن دارد.

محترم انجنیر غلام سخی حسن زاده رئیس اجرایی اداره توسعه شهر جدید کابل





جلوگیری از مصارف گزاف در محافل

کنفرانس جلوگیری از مصارف گزاف محافل زیر نظر وزارت امور زنان روز سه شنبه مورخ ۴ سنبله ۱۳۹۳ خورشیدی در هوتل کابل ستار برگزار گردید.

در این کنفرانس سه روزه علاوه بر حُسن بانو غضنفر وزیر امور زنان و دیگر کارمندان ارشد این وزارت، اعضای محترم کابینه، اعضای محترم شورای ملی، خطبای مساجد و تکابا، اساتید و محصلین دانشگاه ها، اعضای محترم جامعه مدنی و شمار زیادی از خبرنگاران شرکت کرده بودند.

هدف از برگزاری این کنفرانس بلند بردن سطح آگاهی عامه و تقویت هماهنگی میان ارگان های عدلی و قضایی بیان شده است و قرار است روی موضوعاتی چون مصارف گزاف از دیدگاه اسلام، قوانین نافذه کشور در این مورد و مسائل اجتماعی و اقتصادی مربوط به هزینه های سرسام آور در محافل بحث و گفتگو شود و در نهایت راه های حل مناسب برای تدوین هرچه بهتر پالیسی جلوگیری از مصارف گزاف به وزارت زنان ارائه شود.

نخست پیام جلالتمآب حامد کرزی رئیس جمهور کشور توسط دکتر فیض الله کاکر مشاور امور صحن ریاست جمهوری قرائت گردید. در بخشی از این پیام آمده است: مصارف گزاف در محافل به یک رسم ناپسند تبدیل شده و خانواده ها بدون در نظر داشت وضعیت مالی خویش از روی رقابت محافل شان را در هوتل های مجلل برگزار می کنند. در حالی که مصارف گزاف در محافل عروسی خلاف اصول و موازین اسلامی و فرهنگی می باشد. رئیس جمهور از خانواده ها خواسته است که از مصارف گزاف در محافل عروسی و تعزیه خودداری نمایند.





جلوگیری از مصارف گزاف در محافل

محترم حُسن بانو غضنفر وزیر امور زنان، هدف از برگزاری این کنفرانس را دریافت راهکار برای نهادینه شدن فرهنگ جلوگیری از مصارف گزاف محافل به ویژه محافل عروسی در هتل ها عنوان کرد و افزود: مصارف گزاف در محافل شادی و عزاداری برای خانواده ها جنجال برانگیز شده و این وزارت در همکاری با سایر نهادهای ذیربط به ویژه وزارت حج و اوقاف، با توضیح و تبیین مسایل دینی تلاش دارد تا از مصارف گزاف در محافل جلوگیری کند. وی افزود: تضادها و رقابت های ناسالم در جامعه سبب تشدید مصارف محافل عروسی در هتل ها شده است که باید جلو آن گرفته شود.

محترم سید یوسف حلیم سرپرست وزارت عدلیه پیرامون قوانین کشور در زمینه جلوگیری از مصارف گزاف در محافل پرداخت و گفت: در تاریخ افغانستان، در سال های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۴ اصولنامه عزاداری از سوی شاه سابق امان الله خان در زمینه جلوگیری از مصارف گزاف در محافل عروسی، به اجرا گذاشته شده بود. آقای حلیم افزود: هم اکنون نیز حکومت افغانستان طرح دو قانون جلوگیری از مصارف در محافل عروسی و محافل تعزیه را به مجلس شورای ملی پیشنهاد کرده است. به گفته وی؛ در این دو قانون گونه های رسم و رواج و مصارف ناشایست محافل شناسایی و منع قرار داده شده است.

محترم صدیق صدیق، معین وزارت ارشاد، حج و اوقاف نیز اسلام را دین کامل و در برگیرنده تمام ابعاد زندگی بشریت عنوان کرده و افزود: دین اسلام هرگونه اصراف و تبذیر در محافل عروسی و تعزیه داری را منع قرار داده است. بنابراین باید از مصارف گزاف در محافل جلوگیری به عمل آید.

محترم صدیق افغان رئیس مرکز تحقیقات ریاضی و فلسفی افغانستان در بخشی از سخنان خود گفت: هزینه های گزاف عروسی باعث شده است که کسی جرأت ازدواج نداشته باشد و مقام مادر شدن معنای واقعی خود را از دست بدهد.

محترمه صدیقه بلخی، سناتور و رئیس کمیسیون جامعه مدنی ولسی جرگه، گفت: قانون جلوگیری از مصارف گزاف در محافل اگر تصویب هم شود در صورتیکه ضمانت اجرایی نداشته باشد مانند دیگر قوانین کشور فقط جنبه تشریفاتی به خود خواهد گرفت.

سخنرانان و اشتراک کنندگان در این نشست علمی، بر فرهنگ سازی در زمینه مصارف گزاف عروسی تاکید کردند و افزودند: این فرهنگ سازی باید از طریق تکایا و مساجد و قانونی شدن این مهم که ضمانت اجرایی آن نیز برعهده ارگان های تطبیق کننده قانون می باشد، صورت گیرد. به گفته آنان؛ اگر از مصارف گزاف عروسی در کشور جلوگیری نشود؛ این موضوع به یک پدیده ناشایست تبدیل شده و منجر به تضعیف اقتصاد خانواده ها خواهد شد.



تهیه کننده: نصرالله سلطانی

نقش عاطفه و احساس در زندگی

شود که با درون مایه ای انسانی و براساس نوعی کنش و واکنش بوجود می آید. افزون بر اینکه در خیلی از موارد نیز می تواند تنها از طریق یک کنش ایجاد شود و یا یکنوع واکنش خاص به عنوان مثال: وقتی کودک شما با حالتی عاطفی رفتارهایی را از خود به نمایش می گذارد شما نیز اگر فردی عاطفی باشید در مقابل این کنش واکنش عاطفی را به کودک منتقل می کنید ولی اگر فردی عاطفی



نباشید از کنار رفتارهای کودک با بی تفاوتی و کم توجهی می گذرید. لذا عاطفه به رفتارهایی اجتماعی اطلاق می شود که این رفتارها به شکل متفاوت نمایان می شوند که این نمایان شدن می تواند از جانب شما باشد یا دیگران.

در تعریف احساس نیز می توان گفت عبارتست از رفتارهایی که توسط فرد یا افراد از طریق حواس پنجگانه شکل می گیرد و در برخی از دیدگاه ها حس ششم (حسی که وابسته به هیچ یک از حواس پنجگانه فیزیکی نیست و از طریق ذهن اطلاعات دریافت می کند) نیز مؤثر است. حواس پنجگانه بدین سان که شما از طریق حس بویایی بوی یک گل را احساس می کنید و یا از طریق حس شنوایی صدای یک پرند را حس می کنید و یا از طریق بینایی خیلی از اشیاء را می بینید و در مورد آن ها نظر می دهید. مثلاً وقتی شما باران را تماشا می کنید در مورد ویژگی های آن نیز چیزهایی را بیان می دارید و یا وقتی یک شب مهتابی را تماشا می کنید در مورد آن صحبت می کنید و یا از طریق

عاطفه و احساس از ویژگی های باطنی و ذاتی هر انسان محسوب می شوند، یقیناً اگر عاطفه و احساس را از روح و درون انسان ها جدا نمائیم، دیگر نمی توان مفهومی معقول و منطقی را برای انسان تعریف نمود. دو مقوله عاطفه و احساس تا آنجا در طبیعت افکار عامه مؤثر افتاده اند که می توان گفت این دو مورد در جمادات، نباتات و جانوران نیز در حدی احساس می شوند. بی شک جانوران نسبت به خود و فرزند خود نوعی عاطفه و احساس را به تصویر می کشند. به عنوان مثال: یک گوسفند نسبت به بره خود با زبان بی زبانی انس و علاقه خود را به معرض نمایش می گذارد.

بنابراین اگر چه عاطفه و احساس از ویژگی های بارز انسانی به شمار می آیند ولی در حد و نصاب خود نیز در دیگر موجودات زنده و غیرزنده نیز مشاهده می گردند. می توان گفت عاطفه و احساس از مقوله هایی هستند که در زندگی اجتماعی نقش سازنده ای را بر عهده گرفته اند. در تعریف عاطفه می توان گفت به رفتاری اجتماعی گفته می



نقش عاطفه و احساس در زندگی

اقتصادی داشته باشیم در حالی که کار اقتصادی با عاطفه و احساس سازگار نیست. اما در کل می توان گفت که بشر به عنوان موجود اجتماعی نمی تواند از دو ویژگی عاطفه و احساس چشم پوشی نماید. وقتی صحبت از اجتماعی بودن می شود، نقش عاطفه و احساس پررنگ تر می شود.

عاطفه و احساس از مقولات انسانی اند و ما نمی توانیم با اغماض از این دو در امورات زندگی به توفیقات لازم دست یابیم. از جانی دیگر جامعه این دو را در خیلی از مواقع با مسائل معنوی خلط می کند. لذا باید ابراز داشت که عاطفه و احساس دو فاکتور مهم در جهت خلق تفکر و اندیشه هستند. چه این که قدرت تصمیم گیری این دو به مراتب قویتر از هر ویژگی ذاتی دیگری است که در بشر یافت می شود. بنابراین آن عاطفه و احساس که در مسائل کاری تعریف شده اند کاملاً هم در شکل و هم در محتوا با این عاطفه و احساس که از آن یاد می شود، متفاوت است. آن عاطفه و احساس نوعی تضعیف و ناکارآمد در بین عرف بیان شده و این عاطفه و احساس کارآمد و سازگار است. از همه بهتر این که عاطفه و احساس علاوه بر این که در مسائل اقتصادی و مالی بسیار نقش دارند در مسائل فرهنگی و هنری و یا به تعبیری زندگی های هنری و فرهنگی نیز بسیار کارسازند. می توان گفت مهمترین اندیشه های اقتصادی از جانب انسان های پراحساس و پرعاطفه بوجود آمده است. به گونه ای که اغلب اندیشه های اقتصادی و ادبی با پشتوانه ی این دو مقوله بوجود آمده اند. ما نمی توانیم یک متفکر اقتصادی را فردی بدون عاطفه و احساس تلقی نماییم چه این که همین متفکر تفکرش را با پشتوانه ی این دو ویژگی به دست آورده است.

مشکل اساسی جامعه توسعه نیافته این است که چون اقتصاد شان دارای نوسانات متعددی است وقتی با شکست اقتصادی روبرو می شوند، فکر می کنند عاطفی و احساساتی برخورد کرده اند. عاطفی و احساساتی برخورد کردن در مسائل کاری به منزله این نیست که تمام موقعیت های خود را اعم از مالی، شخصیتی، اخلاقی، فرهنگی و مقامی را بدون تدبیر از دست بدهیم بلکه عاطفی و احساساتی برخورد کردن

حس لامسه خیلی از اشیاء را لمس می کنید که در واقع با لمس کردن یک سنگ و یا یک موجود زنده به ویژگی های آن پی می برید. و یا از طریق حس چشایی به مزه ی خیلی از غذاها پی می برید و می توانید احساس کنید که این غذا شور است یا بی نمک و یا مزه تلخ دارد یا شیرین و یا بی مزه است.

حس دیگری که در موجودات و بخصوص در میان انسان ها کشف شده، حس ششم است. حس ششم از حواسی است که با بهره گیری از حواس پنجگانه و البته بدون تجربه قبلی و یا مشاهده قبلی شکل می گیرد. این احساس اغلب در خانواده هنرمندان مانند شعرا و نویسندگان و موسیقی دانان و نقاشان بیشتر دیده می شود. لذا حس ششم حسی است که بصورت ناخودآگاه در وجود فرد شکل می گیرد و کاملاً مسائلی را که قبلاً تجربه نکرده است را بازگو می نماید. حس ششم می تواند نوعی شورش غیرمنتظره باشد که از باطن انسان تراوش می کند و البته این حس در همه افراد یافت نمی شود بلکه حضورش استثنایی است!

در تعریف زندگی نیز می توان گفت زندگی به معنی زیستن و حیات است. البته زنده بودن نیز می تواند دیگر تعریف لغوی آن باشد. اما در تعریف مفهومی آن می توان گفت زندگی یکنوع محصول اجتماعی است که بشر با تلاش و کوشش فراوان این محصول اجتماعی را شکل می دهد. بنابر این زندگی محصولی از پیش تعیین شده نیست، زمانی که انسان ها در یک مقطع زمانی تشکیل خانواده می دهند. منظور از خانواده تنها ازدواج نیست بلکه فرد با به دست آوردن مؤلفه های زندگی زمینه زیستن شرافتمندانه را برای خود فراهم می کند، در این صورت می توان گفت که این فرد به سوی زندگی گرایش پیدا کرده است. بنابراین با تعاریفی که از عاطفه، احساس و زندگی شد، می توان گفت این سه مقوله با هم گره عمیق خورده اند و تأثیرشان در یکدیگر چه در ابعاد مثبت و چه در ابعاد منفی پررنگ است. اما برخی از مردم نقش عاطفه و احساس را در زندگی اجتماعی کم رنگ می دانند. این افراد معتقدند که زندگی کردن ساده نیست باید برای امرار معاش کار کنیم و فعالیت



که آیا می توان با زندگی عاطفی و احساسی برخورد کرد؟ و دیگر این که زندگی تنها با اقتصاد رشد و نمو پیدا می کند و آیا با اقتصاد نیز می توان عاطفی و احساسی برخورد نمود؟ در پاسخ به سؤال اول باید گفت که در زندگی های هنری کاربرد عاطفه و احساس بسیار کارساز و مؤثر است اما در زندگی های اجتماعی اگرچه بدون عاطفه و احساس زندگی بی معنا می شود ولی باید با احتیاط برخورد کرد به طوری که زندگی تحت تأثیر عمیق عاطفه و احساس قرار نگیرد و حداقل عاطفه و احساس بر عقل زندگی مستولی نشود. زندگی از چهار ضلع تشکیل شده است. نخست عشق است دوم عقل - سوم عاطفه و چهارم احساس. عشق ما را با لذایذ زندگی آشنا می کند. عقل ما را در رشد و تعالی زندگی کمک می کند. عاطفه زیبایی های زندگی را به تصویر می کشد و احساس به ما می آموزد که با زندگی چگونه رفتار کنیم. در نهایت نقش عاطفه و احساس تنها در زندگی اجتماعی محدود نمی شود بلکه در اکثر ابعاد زندگی انسانی اعم از زندگی هنری، زندگی معنوی، زندگی اقتصادی و زندگی فرهنگی نقش سازنده دارد.

یعنی این که با حفظ موقعیت های فردی و اجتماعی خود بتوانیم تأثیر مثبت خود را در جامعه دو چندان نمائیم. از این نگاه مهربان بودن با مردم و یا دلسوزی پایدار و یا انس و علاقه پیدا کردن به دیگران در شخصیت ما در جهت رشد و تعالی در کار بسیار مؤثر است. چون تعامل با دیگران باعث تعالی شخصیت ما می شود. وقتی صحبت از رشد و توسعه انسانی می شود، این رشد و توسعه انسانی بدون مؤلفه های انسانی شکل نخواهد گرفت. زیرا انسان با یک رفتار عاطفی و یا احساسی بخش اعظمی از جامعه را مجذوب خود می کند.

کار شناسان علوم اجتماعی بر این باور اند که نه سر نوشت را می توان از سرنوشت نوشت و نه زندگی را. چرا که هر دو با سرعت زمان حرکت می کنند و همیشه برای شروع اگرچه زمان وجود دارد ولی این زمان نمی تواند برای رسیدن به هدف کافی باشد. بنابراین بهتر است که در زندگی همیشه با احتیاط برانیم تا که به سهولت به مقصد برسیم. نکته دیگری که در این مقوله بسیار مهم بنظر می رسد این است

علائم افسردگی و راه های مبارزه با آن



افسردگی یکی از بیماری های شایع عاطفی است که موجب عدم لذت بردن از زندگی می شود. در واقع، فرد افسرده، دچار یک نوع عذاب روحی ای می شود که بر روابط اجتماعی و شخصی وی اثر منفی می گذارد و گاهی اوقات نیز برگشت ناپذیر است. بی حوصله بودن، گنج بودن، عصبانی بودن، شکایت از خود، خودارزیابی پایین و در نتیجه، رفتارهایی از قبیل: گریه زیاد، خلق اندوهگین، به فکر فرو رفتن، خواب های آشفتنه دیدن، همچنین بی اشتها یا پر خوری و... از علائم ظاهری افسردگی به شمار می روند.

نوشتار حاضر، در صدد جواب دادن به این سؤال است که: چه عوامل فکری و رفتاری ای زمینه ساز افسردگی است؟ افسردگی چه نشانه هایی دارد؟ راه کارهای عملی و فکری برای درمان افسردگی چیست؟ به این امید که این مقاله، گامی هرچند کوتاه در جهت شناخت و درمان این اختلال برداشته باشد و جوانان و نوجوانان را در جهت پیشگیری و در نتیجه، «شاد زیستن» راهنمایی کند.

درباره عوامل فکری ای که منجر به بیماری افسردگی می شود تاکنون بحث های زیادی شده و روان شناسان و مشاوران، نکات مهمی را یادآوری نموده اند؛ اما آنچه در این جا به آن پرداخته می شود تنها بخشی از این عوامل است. همان طور که می دانیم ناکامی ها و محرومیت ها در کودکی تا انزوای اجتماعی در بزرگ سالی، در دامنه این اختلال قرار دارد. بدین معنا که تراکم رویدادهای منفی و سرخوردگی ها موجب افزایش افکار بدبینانه به جهان می شود که این افکار، به کاهش فعالیت، تصویر منفی داشتن از خود و میل به خودکشی، منجر شده، زمینه افسردگی را فراهم می کند.

نکته ای که درباره عوامل زمینه ساز افسردگی، دارای اهمیت است ناآگاهانه بودن این افکار است؛ به عبارت دیگر، گاهی ممکن است در بعضی از زمینه های زندگی، حتی بدون آن که خودمان آگاه باشیم دارای افکار بیمارگونه یا تحریف شده ای هستیم که مستقیماً در روند زندگی، احساس، و خلق و خوی ما نیز اثر می گذارد که شناسایی این افکار مخرب و تحریف شده (که در بسیاری مواقع، زمینه ساز افسردگی اند)، راه نجات از افسردگی است.

عوامل رفتاری

از جمله عوامل رفتاری ای که می تواند موجب بروز این اختلال شود عبارت اند از: عدم برنامه ریزی صحیح برای زندگی، شرکت نکردن در اجتماعات و مراسم گروهی، عدم کوشش در جهت دوستیابی، از دست دادن فرصت های طلایی، کم کاری و کُندکاری و پر خوابی که ناشی از تنبلی مفرط است، و قطع رابطه با دوستان و آشنایان و خویشاوندان و...

با توجه به مطالب یاد شده، نکته مهمی که در مورد بیماری افسردگی باید بدانیم، این است که چون افسردگی، نتیجه تعاملات افکار و رفتار بیمارگونه و تجربیات تلخ دوران کودکی و ناکامی های دوران زندگی است، پس نقش والدین در ایجاد بستر آرام و محفوظ برای کودک و مراقبت های ویژه



علائم افسردگی و راه های مبارزه با آن

در دوران نوجوانی و همچنین تنظیم و کنترل افکار و رفتار فرزندان و رفع نگرانی ها توسط خود فرد و در صورت عدم توانایی فرد، توسط مشاورین امور روانشناسی، گامی بلند در جهت پیشگیری از این بیماری خطرناک خواهد بود.

شناخت افسردگی

تاکنون درباره نشانه های افسردگی در کتاب ها و مجلات و رسانه های ارتباط جمعی جهان، مطالب گوناگونی نقل شده است، اما با توجه به تعاریف یاد شده از افسردگی، توجه به این نکته، مهم است که افسردگی، اقسام متفاوتی دارد، ولی در این جا نشانه های افسردگی به شرح ذیل مطرح می شود:

الف - از جهت رفتار: افراد افسرده از نظر رفتاری معمولاً کم نیرو، خمیده، بی حال، کم حرکت، ناآرام، غمگین، نگران، و از نظر عصبی مضطرب می باشند، دست های شان را به یکدیگر می سایند، شیوه حرف زدن آنها آهسته، یکنواخت و کند می باشد.

ب - از جهت هیجانی: افراد افسرده از نظر هیجانی اکثراً احساس کوفتگی، ناتوانی، ناراحتی، ناامیدی، تنهایی، گناه کاری، خشم، اضطراب و نگرانی می کنند و در برابر جهان پیرامون خود کمتر احساس مسئولیت می کنند.

ج - از جهت زیستی (طبیعی): افراد افسرده از نظر زیستی احساس ناآرامی درونی می کنند و نسبت به تغییرات جوئی



حساسیت دارند، اکثراً کم اشتها و کم وزن اند، جهاز هاضمه شان مختل بوده و به فشار خون و کمبود آهن مواجه اند.

د - از جنبه شناختی: افراد افسرده از نظر شناختی نسبت به استعداد، تخیل و فکر خود احساس ضعف و بی کفایتی می کند و افکار خودکشی را ترجیح می دهند.

ه - از جنبه انگیزشی: این گونه افراد احساس ضعف و ناتوانی می کنند و همواره در انتظار شکست هستند، از مسئولیت های خود فرار می کنند، و وابستگی به دیگران را ترجیح می دهند.

با توجه به اوصاف یاد شده، افسردگی، قابل شناسایی و کنترل است؛ اما گاهی از نظر شدت به درجه ای می رسد که فرد، قادر به کنترل آن نیست و نیاز به مراجعه به کلینیک متخصصین روان شناسی دارد. اما در پایان، رهنمودهایی در جهت درمان و بهداشت روانی افراد افسرده ارائه می شود. به امید آن که تمام انسان های روی کره زمین، بدون دغدغه روانی و جسمی، «شاد» زندگی کنند.

رهنمودهایی در جهت درمان

در درمان افسردگی روش های مختلف شناختی، رفتاری، دارویی و... وجود دارد که در این جا نمی توان به همه آنها پرداخت؛ به همین دلیل، «درمان عمومی» افسردگی، به طور خلاصه بیان می شود.

۱ - با خود مهربان باشید: قبول کنید که افسردگی، انرژی شما را کاهش می دهد و از انجام کارهای روزمره تان جلوگیری می کند. سعی کنید برای خود، هدف های دشوار در نظر نگیرید یا مسئولیت بیش از توان خود قبول نکنید. کارهای مهم خود را به مراحل کوچک تر تقسیم کنید و آنچه را که در توان دارید انجام دهید. خود را به خاطر این که نمی توانید پیشرفت بیشتری داشته باشید سرزنش نکنید. اگر امکان دارد از به وجود آوردن تغییرات بزرگ در زندگی خود مانند تغییر دادن شغل و امثال آن، پرهیز کنید؛ زیرا اکنون زمان این کارها نیست. یادتان باشد که افسردگی، قضاوت شما را مختل می کند.

۲ - از میزان استرس (فشار روانی) در زندگی خود بکاهید: یادگیری کم کردن استرس، مشکل است. سعی کنید موقعیت ها یا رفتارهایی را که بیشترین استرس را به وجود می آورند، شناسایی کنید و برای اجتناب از این موقعیت ها یا تغییر دادن این رفتارها به دنبال راه های ویژه ای باشید. مثلاً اگر می دانید که همیشه به سر کار یا قرارهای مهمتان دیر می رسید و این



علائم افسردگی و راه های مبارزه با آن

مختل می شود، دوباره منظم کند. طبیعت هر فرد متفاوت از دیگری است و قوای بدنی او طوری طراحی شده است که در یک زمان خاص خسته و در یک زمان خاص گرسنه می شود و حتی آمادگی ذهنی او برای مطالعه و تفریح هم محدود به اوقات خاصی از شبانه روز است. این برنامه طبیعی را ساعت زیستی (بیولوژیک) می نامند که باید آن را شناخت و خود را با آن تنظیم نمود.

۵ - اطلاعات جمع آوری کنید: هرچه راجع به افسردگی، اطلاعات بیشتری به دست آورید، کنترل آن نیز راحت تر خواهد بود. اطلاعات موجب می شود که بیماری، کمتر مرموز و ترسناک به نظر برسد.

۶ - از مصرف مواد مخدر خودداری کنید: مصرف مواد مخدر مانند سگرت و مشروبات الکولی، نه تنها افسردگی شما را کاهش نمی دهند، بلکه مدت زمان درمانتان را نیز افزایش می دهند.

۷ - از افکار خود آگاه باشید: وقتی افسرده هستید به افکار خود توجه کنید، بدون آن که در مورد آنها قضاوت کنید یا در مورد صحت آنها نگران باشید. آیا شما به طور دائم، خود را دست کم می گیرید؟ راجع به اشتباه تان با ناراحتی صحبت می کنید؟ یا تصوّر می کنید که مصیبت و گرفتاری در کمین شماست؟ آگاه شدن از این گونه افکار می تواند از میزان تحریف فکر (که به طور کلی، حاصل افسردگی است) بکاهد.

۸ - با دیگران ارتباط برقرار کنید: اگر افسرده هستید، احتمالاً هرگونه تماس با دیگران را به عمد قطع می کنید. اگر برای مدت طولانی ای تنها باشید و با مشکلات خود، مشغله ذهنی داشته باشید، ناراحتی شما تداوم خواهد یافت. در کنار دیگران بودن، توجه شما را از افسردگی منحرف می کند. برای انجام دادن کارهای لذت بخش حتماً از افراد دیگر نیز دعوت کنید. رفتن دسته جمعی به سینما، تئاتر، ورزشگاه، کنسرت موسیقی، شناء سوارکاری و... لذت بیشتری به شما می دهد. ارتباط با اعضای خانواده و دوستان صمیمی به عنوان گروه های حمایتگر که شما را درک می کنند، تأثیر به سزایی بر درمان افسردگی می گذارد.

۹. به خود فرصت بدهید: افسردگی، بیماری سختی است که یک شبه درمان نمی شود. یادتان باشد که بهبود یافتن افسردگی قاعده است نه استثنا. به خود اطمینان بدهید که بهبود در راه است.

کار، استرس قابل توجهی ایجاد می کند، محتاطانه تصمیم بگیرید تا بتوانید زودتر از وقت تعیین شده، به سر کار یا قرارها برسید.

۳ - به طور منظم ورزش کنید: سی دقیقه تمرین و نرمش بدنی برای حداقل سه روز در هفته می تواند در عرض چند هفته، حال شما را بسیار بهبود بخشد. تمرین بدنی از استرس می کاهد، تنش های ماهیچه ای را از بین می برد و اغلب، روحیه شما را تقویت می کند. متخصصین درمانی بر این باورند که ورزش، گردش خون را بهبود می بخشد و ذخیره اکسیجن مغز را افزایش می دهد. علاوه بر آن ورزش، باعث آزاد شدن مواد شیمیایی به نام اندروفین ها و آنکفالین ها می شود، که داروی ضد افسردگی طبیعی هستند.

۴ - یک روش منظم متناسب با خود پیدا کنید و تا آن جا که می توانید به آن پایبند بمانید. هر روز، سر ساعت معین بیدار شوید و سر ساعت معین، غذا بخورید و شب، زود بخوابید تا



خواب شبانه خوبی داشته باشید. بسیاری از کسانی که بیماری افسردگی بویژه افسردگی دو قطبی دارند وقتی به اندازه کافی نمی خوابند حالشان بدتر می شود. پیروی از یک روش منظم می تواند ساعت زیستی شما را که اغلب به هنگام افسردگی



غزنفر بانک
GHAZANFAR BANK

ضمانت نامه های بانکی اسلامی

ضمانت نامه های بانکی اسلامی بر اساس اصل وکالت و کفالت صورت می گیرد که به اهداف ذیل از جانب بانک صادر می گردد:

- ضمانت نامه داوطلبی Bid Guarantee
- ضمانت نامه کارکرد Performance Guarantee
- ضمانت نامه پیش پرداخت Advance Payment Guarantee
- لیتر آف کریدت LC

ویژگی های خدمات ما:

- مطابق به قانون شریعت
- شرایط و ضوابط انعطاف پذیر
- تیم متخصص بانکداری اسلامی
- میزان هزینه قناعت بخش



با ما به تماس شوید! 11 11 210 20 (0) 93 +

۸۶۶، سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان

سایت: www.ghazanfarbank.com

ایمیل: info@ghazanfarbank.com

ناک و ارزش غذایی آن



ناک میوه ای است سبز رنگ مایل به زرد، آبدار و مخروطی شکل که دارای طعمی خوش و معطر است. ناک بعد از سیب مهم ترین میوه دانه دار دنیا به شمار می آید. طعم ناک شیرین و بعضاً ترش هم می باشد. این میوه سرشار از ویتامین های E و C، مس، فسفر، پتاشیم، با مقادیر کمتر کلسیم، کرب، آهن، مگنیزیم، سودیم و گوگرد است. دیده می شود که اکثراً قسمتی از ناک قهوه ای می شود و این امر حاکی از وجود سرشار آهن در ناک است. چون ناک میوه ای آبدار و حاوی ویتامین C می باشد، در زیبایی پوست انسان ها بسیار مؤثر است. همچنین دانه های ریزی که در موقع خوردن ناک زیر دندان احساس می کنید، برای دفع مواد زائد بدن بسیار مؤثر است. همچنان ارزش غذایی و دارویی آن با سیب نزدیک و مرتبط است، نوشیدن آب ناک تازه در گرمای تابستان برای خنک کردن و جلوگیری از گلو درد مناسب است.

معدنی مورد نیاز بدن دارد. مصرف آن در بیماری های مختلف مانند انواع کم خونی ها، خستگی عمومی و بیماری سل اثرات مفیدی دارد.

خواص درمانی ناک

- ناک میوه ای عالی و گوارا و پرآب است که خاصیت نرم کردن دارد. افرادی که قبضیت دارند سعی کنند ۱ تا ۲ عدد ناک در روز بخورند و بلافاصله ۱ گیلان آب نیم گرم بنوشند که خاصیت نرم کنندگی آن قوی تر شود.
- ناک میوه ای است که به آسانی هضم و جذب بدن می شود.
- ناک دارای دانه های بسیار ریزی است که خصوصاً نزدیک هسته آن زیاد است. این دانه ها از جنس سلولز است و در دستگاه گوارش هضم نمی شود. از این رو با عبور از دستگاه گوارش، معده و روده را پاک می کند و کلیه مواد زائد باقیمانده در شکم را دفع می کند.

درخت ناک در برابر سرما نسبت به سیب حساس تر است. گل های ناک در بهار کمی زودتر از سیب باز می شوند ، به همین دلیل بیشتر در معرض خطر سرمای بهار قرار می گیرد. در تابستان، گیاه ناک گرما را بیشتر از سیب تحمل می کند. میزان محصول در باغ های معمولی به ۴۵ تن در هکتار می رسد. در حال حاضر تعداد ارقام ناک بیشتر از ۱۲۰ نوع در جهان است.

طرفداران طب سنتی معتقدند ناک سنگ مجاری ادرار را دفع می کند، آرام بخش و تب بر است، در رفع عفونت مجرای ادرار مؤثر است، مقوی بدن است، تشنگی را برطرف می کند، سوزش مثانه و مجرای ادرار را رفع می کند، برای دفع سموم بدن بسیار مؤثر است. شیره ناک خاصیت تصفیه کننده خون، دفع کننده اسید اوریک و تامین کننده عناصر

ناک و ارزش غذایی آن



- پوست ناک که در معرض نور خورشید قرار دارد، از نظر ویتامین ها غنی تر است. به علاوه قسمت عمده فیبر ناک در پوست آن است، لذا نباید هنگام خوردن، پوست آن را جدا کنید.
- کسانی که مبتلا به فشار خون هستند، اگر به طور مرتب ناک بخورند خون آنها تصفیه خواهد شد.
- ناک برای غدد داخلی بدن بسیار مفید است. تانن و پتاسیم آن، اسید اوریک را به هر اندازه که باشد حل می کند. به همین جهت افراد مبتلا به نقرس، آرتروز و رماتیسم می توانند از آن بهره زیادی ببرند.
- ناک برای معالجه امراض سینه یک میوه عالی است و این خاصیت مربوط به تانن آن است و اگر ناک کمی نارس باشد برای سینه بهتر است.
- ناک به علت دارا بودن ارسنیک لرزش بدن را که اکثراً در ایام کهن سالی دامنگیر برخی از انسان ها می شود درمان می کند.
- عناصر موجود در ناک از بروز پوکی استخوان به خصوص در زنان یائسه جلوگیری می کند.
- موادی که برای استخوان ها مفیدند، برای مغز نیز نافع اند. ناک هم از این قاعده مستثنی نیست و از میوه هایی است که برای حافظه و تمرکز حواس مفید است.
- مواد موجود در ناک برای تقویت بدن خصوصاً برای بیماری که نیرو و توانش تضعیف شده، بسیار مفید است. شاید به همین دلیل است که برای بیماران کنسرو ناک می دهند. در دوران نقاهت بیماری هایی چون سل، کم خونی و ضعف شدید خوردن مخلوط آب ناک و بهی بسیار مفید است.
- ناک یکی از میوه های ضد عفونی کننده یا ضد مسمومیت است.
- ناک موجب شادابی و طراوت بدن و پوست می شود.
- ناک برای بیماران دیابتی میوه بسیار مناسبی است، چون قسمت اعظم قند آن سلولز، سوربیتول و لوولوز است. شاید به همین دلیل ابوعلی سینا، ناک یا کنسرو آن را برای اکثر بیماران مجاز دانسته و آن را "شاه میوه" خوانده است.
- ناک ترشح بزاق را افزایش می دهد، در نتیجه هضم غذا را آسان می کند. به همین دلیل برای سالمندان بسیار مفید است.
- فیبر موجود در ناک لینین (Linin) است که غیرقابل حل بوده و برای کاهش کلسترول خون بسیار مؤثر است.
- جوشانده برگ ناک برای گرده بسیار مفید است، چون ادرارآور، ضد عفونی کننده و میکروب کش مثنانه است. از این رو مبتلایان به عفونت ادراری حتماً باید آن را مصرف کنند. سنگ مجرای ادرار را دفع می کند، برای این منظور ۱۰۰ گرم برگ جوان درخت ناک را در یک لیتر آب به مدت ۲۰ دقیقه دم کنید و آن را در سه وعده به میزان ۱ تا ۲ گلاس تناول کنید.
- دم کرده برگ ناک دارویی شفابخش برای بی خوابی است، اعصاب را آرام می کند و سردردهای میگرنی را درمان می کند.
- ناک معده را پاک و آن را تقویت می کند، خوردن ناک در حال سیری سودمندتر از خوردن آن در حال گرسنگی است.

قابل یادآوریست که :

- هضم پوست ناک کمی مشکل است، از این رو کسانی که معده ضعیفی دارند آن را با پوست نخورند یا آن را به صورت کنسرو مصرف کنند.
- بهتر است ناک کاملاً رسیده را مصرف کنید تا خواص آن بیشتر و هضم آن راحت تر باشد.
- نباید پس از خوردن ناک آب سرد بنوشید، زیرا در افراد حساس ایجاد نفخ می کند.



گردآورنده: لیلا فروتن

نگارستان ملی



ملی سه بار مورد دستبرد قرار گرفت و ارزشمندترین آثار آن غارت شد و به بازارهای سیاه در بیرون از کشور برده شد. نگارستان ملی پس از سقوط زمامداری طالبان در دوره حکومت انتقالی، به کمک مالی یونان مجدداً راه افتاد و گنجینه‌ای شد با بیش از هزار اثر هنری. با آن که آثار هنری موجود در نگارستان ملی، در برگیرنده کار هنرمندان عرصه خوشنویسی، مجسمه سازی، کنده کاری و کولاز است، تابلوهای نقاشی مهم ترین داشته های این نگارستان به شمار می آید.

در جمع این تابلوها، پوشش و لباس محلی، مناظر طبیعی، مکان های باستانی، چهره شخصیت های ملی، به ویژه حاکمان پیشین افغانستان، سیمای کابل قدیم و گوشه هایی از زندگی مردم این کشور به مشاهده می رسد. با دیدن این تابلو ها این فکر به ذهن می رسد که اگر چه در قدیم از دوربین های عکاسی دیجیتال در کشور ما خبری نبوده، کلک نگارگران این خاک کار خودش را کرده است. شاید خیلی بی ربط نباشد اگر نگارستان ملی را با تابلوهای نقاشی ای که بر دیوار هایش آویخته شده است، خانه تاریخ مصور افغانستان بنامیم.

بناءً هدف از تشکیل نگارستان ملی معرفی هنرمندان متعهد و آثار ناب هنرمندان از سراسر کشور و اقوام مختلف با دیدگاه های گوناگون است. زیرا باور داریم که آثار هنرمندان و جوانان کشور ما توانسته است فرصت خوبی را برای درک و شناخت ما از یکدیگر فراهم کند و چهره واقعی و خوبی را از افغانستان برای جهانیان به نمایش بگذارد.

نگارستان ملی، نام ساختمان دو طبقه نسبتاً بزرگ با معماری سنتی، در جاده آسمایی شهر کابل است. جایی که هم می توان پاره ای از تاریخ هنر نقاشی در افغانستان را در آن تماشا کرد و هم از آنچه در جریان سال های جنگ و بحران بر داشته های هنری نگارستان گذشته است، با خبر شد.

نگارستان ملی، در سال ۱۹۸۳ تحت نام "نگارخانه" با ۲۰۰ اثر هنری متشکل از نقاشی، خوشنویسی، مجسمه سازی و کولاز، راه اندازی شد. به گفته سید عبدالفتاح عادل رئیس وقت نگارستان ملی، بخش اعظم این آثار از سفارت خانه های مقیم در کابل، گردآوری شده بود. در سال ۱۹۹۱ میلادی تعداد آثار موجود در نگارستان ملی به ۸۲۰ اثر هنری رسیده بود؛ اما زمانی که طالبان کابل را تصرف کردند چون با هر نوع عکس و تصویر مخالف بودند و نقاشی در نزدشان گناه حساب می شد، نزدیک به ۳۰۰ اثر این نگارستان را نابود کردند و دروازه نگارستان ملی را بستند. در زمان طالبان بخشی از آثار موجود در نگارستان ملی توسط کارمندان وقت این نهاد، برای جلوگیری از نابود شدن به یکی از خانه های شخصی برده شد که متأسفانه چندین اثر ارزشمند آن در بین راه گم شد.

قصه غم انگیز و سرنوشت تلخ نگارستان ملی تنها محدود به دوره طالبان نمی شود، بلکه در فاصله میان سقوط حکومت دکتور نجیب الله و ورود طالبان در کابل، نگارستان



رباب، آله اصیل موسیقی افغانستان

یک تار می‌شود. تارهای سمپاتیک به ساز، نوایی پُرطنین می‌دهند (گویی درون آن اتاق پژواک دهنده آوا قرار گرفته باشد).

شیوه نواختن این ساز به این صورت است که با یک مِضْراب (یا زخمه‌ای که به شکل سه گوش است) و (با حرکت مِچ و شست) به تار (سیم) ضربه‌ای سخت، از بالا به پایین وارد می‌شود، و دست راست که مِضْراب را نگاه می‌دارد، بر پوست قسمت کاسه (شکم) ساز صدای ضربتی تولید می‌کند. کوتاهترین تار تقویت‌کننده صدا به دور یک برآمدگی بر روی سینه (در سطح جانبی ساز در قسمت بالا) پیچیده شده، تا به طور جداگانه نواخته شود. بدین

طریق این سیم صدایی بَم تولید می‌کند که در شیوه مخصوصی از نواختن (به نام پَرندکاری؟) استفاده می‌شود، که گویی در آن نوازنده نمونه‌هایی پیوسته از ریتم‌های گوناگون را تولید می‌کند. تحقیق نشان می‌دهد که این نمونه‌ها با طرح‌های هندسی ویژگی‌های مشترک داشته و تا حد زیادی با هنر اسلامی در ارتباط است. در افغانستان سه نوع رباب وجود دارد که با نام‌های ربا بَم یا بزرگ، رباب میانه، و رباب زیرچه یا کوچک در میان مردم و اهل موسیقی معروف هستند.



محققان و کارشناسان امور روان شناسی و روان درمانی به این باور اند که گوش دادن به موسیقی خوب، سلامت افراد را ارتقا می‌بخشد. امواج مغزی را تحریک می‌کند و به ذهن آرامش می‌بخشد. همچنین بر عملکرد خودکار سیستم عصبی تاثیر می‌گذارد، تنفس را آرام می‌کند، ضربان قلب را پایین می‌آورد و بدن را در حالت آرامش کامل نگه می‌دارد. زمانی که ذهن و جسم احساس آرامش کنند، یقیناً افسردگی کاهش می‌یابد. حتی در زمان ارسطو و افلاطون از موسیقی به عنوان روشی برای درمان استفاده می‌گردید. از آن زمان به بعد از رگه‌های اصوات و آهنگها برای درمان بیماریهای مختلف به کار رفته است. تا جایی که در سال ۱۹۴۴ اولین برنامه آموزش موسیقی درمانی در جهان در دانشگاه میشیگان آغاز شد و موسیقی اهمیت بیشتری پیدا کرد.

اما تاریخچه موسیقی در افغانستان به دوره آریایی‌ها بر می‌گردد که سروده‌های ویدی ریگودا و سروده‌های گاتا‌های اوستا در کوهپایه‌های هندوکش در دوره هخامنشیان رونق خوبی داشت. این موسیقی به شکل کورس و دسته جمعی با ریتم ذکر می‌گردید. پس از ورود اعراب در خاک افغانستان موسیقی تنها در قریه‌ها بشکل تک خوانی نیمه جان باقی مانده بود. اما در دوره سامانیان، گورگانیان و تیمورشاه (درانی) موسیقی در دربار رواج پیدا کرد. در ذیل به معرفی رباب یکی از آله‌های اصیل موسیقی کشور مان می‌پردازیم.

رباب یکی از معروفترین و اصیل ترین آله موسیقی افغانستان و از سازهای رشته‌ای (مِهتره) کمانی بسیار قدیمی است. این ساز عود (بربط) مانند، از چوب توت ساخته شده، دسته‌ای کوتاه دارد، و در قسمت پایین، کاسه (شکم) آن با پوست بز پوشیده می‌شود. طول یک رباب عادی با میانه ۹۲ سانتی متر است. رباب چهارده پرده و سه تار ملودی و چند تار بَم و تقویت‌کننده صدا (سمپاتیک) دارد که جمعاً بیست و



سیما نوری شاعر، فعال مدنی و حقوقی

سیما نوری شاعر، فعال مدنی و حقوقی در مورد خود می گوید: در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی در ولسوالی خان آباد ولایت کندوز چشم به جهان گشودم، اجداد بامیانی است، به وطنم و افغانستانی بودنم افتخار می کنم، ولی مثل همه از جنگ و برادر کشی و تبعیض و تریاکش متنفرم... قبل از مهاجرت در پارلمان کشور، نهادهای حقوق بشری، رادیو بامیان و مراکز سیاسی و فرهنگی مختلف کشور مشغول به کار بودم، در شورای مشورتی اضطراری شرکت داشتم و به عنوان فعال سیاسی و مدنی در کشور خدمت می کردم، مشکلات روزگار مرا واداشت تا به کشور همسایه ایران هجرت نمایم.



در ایران مدیریت کلاس های آموزش کامپیوتر و زبان انگلیسی را به عهده داشتم و از این طریق به همشهریانم خدمت می نمودم، و گهگاهی در دادگاه ها و مراکز حقوقی به صورت افتخاری و مجانی از حقوق هموطنانم دفاع می نمودم. چون کارت شناسایی ام در ایران به دلیل افزایش حجم فعالیت های فرهنگی ام از اعتبار ساقط شد، تحصیلاتم در رشته حقوق در ایران ناتمام ماند.

بنابراین عزم سفر به اروپا نمودم، فعلاً در کشور ناروی مقیم هستم، در آغاز به عنوان معلم علوم اجتماعی استخدام شدم و اکنون در یکی از موسسات دفاع از حقوق زنان نروژ کار می کنم. قصد ادامه تحصیل و انجام فعالیت های داوطلبانه حقوق بشری دارم و در حال حاضر مسئول یک بولتن خبری حقوق بشری نیز هستم.

در کنار این فعالیت ها در اوقات فراغت شعر می گویم چون هم به ادبیات علاقه مندم و هم دوست دارم اشعارم باز گو کننده دردها در جامعه باشد. با اینکه تخصصی در ادبیات به صورت حرفه ندارم لیکن سر سوزن ذوقی دارم و طبعی برای شعر؛ گاهی برای دلم می سرایم و گاهی برای مردم. وی اظهار امیدواری می نماید که بتواند روزی با دست پر، غرض خدمت به وطن باز گردد.

نمونه از اشعار بانو سیما نوری:

جرعه ای از شوکران در کام این مردم چکید
دیو آمد با تباهی های دوران ستم
میهن ما پر ز درد و پر ز داغ و پر ز غم
تلخی این روزها، از چشم خوابم برده است
باز تیغی بر دو پهلوی در کنار گرده است
گرچه فصل سبزه و فصل گل و اندیشه است
داس های تیز هم دنبال قطع ریشه است
کاش می شد قاصدک ها باز می گشتند یارا!
کاش بر گردد به قاموس وطن این اعتبار
کاشکی می ماند حرمت ذره ای اندر قلم
کاشکی می خورد اینجا سرنوشت از نو، رقم
شانه مان در زیر بار اینهمه ننگ زمان
ملتی بی اعتبار از چشم ژرفای جهان
تا به کی هان! جنگ و دعوا بر سر این است و آن
تا به کی می دوزی اینجا این زمین بر آسمان
کاشکی این چشم عبرت بین گردد کارگر
کاشکی درد وطن در سینه هامان شعله ور...
کاشکی در این وطن سوزیم مانند چراغ
در وطن هر گز نباشد جنگ و ننگ و درد و داغ

عهد ایام قدیم و عهد فرهنگ یاد باد
دل ز یاد فخر آن ایام زیبا شاد باد
یاد ایامی که وصف مرد ها مردانه بود
قصه تهمینه و سهراب ها در خانه بود
یاد بلخ و بامیان یا که بدخشان و مزار
یاد آزادی و صلح و قصه های بیشمار
یاد آن روز هرات و غزنه، شهر قندهار
یاد ایامی که هر فصلش بود فصل بهار
ای دریغ از این زمستان های سرد اما سپید
ای دریغ از خون نامردی که در رگها دوید
ای دریغ از فصل های خوب عزت که گذشت
لاله ها از خون مردان وطن روید به دشت
بس که گردیده است خون از دیده ها جاری کنون
بس که درد و داغ و هجران و بلا گشته فزون
بس دروغ و شایعه شد منتشر در جامعه
بس که بعضی شد شریک دزد و یار قافله
خسته شد مردم ز بمب و لرزه های انفجار
باز هم تیتیر خبر امروز بوده، انتحار
دلخوشی ها، دلخوشی ها از دیارم پر کشید



آلمان قهرمان جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴

بتواند عامل پیروزی آرژانتینی‌ها در این دیدار باشد، بجز یکی دوبار نتوانست برای تیم آلمان خطرساز باشد. این نخستین بار در تاریخ جام جهانی است که یک تیم اروپایی در آمریکای جنوبی قهرمان می‌شود. آرژانتین و آلمان در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ هم در فاینل روبه روی هم بازی کرده بودند که سهم هر کدام یک پیروزی بود.

در این بازی توماس مولر و لیونل مسی که بخت دستیابی به عنوان بهترین گلزن جام را داشتند، نتوانستند گلی به ثمر برسانند و خامز رودریگز، بازیکن کلمبیا با شش گل زده، برنده کفش طلای این دوره شد. اما مسی به عنوان بهترین بازیکن این تورنمنت شناخته شد و توپ طلای این دوره را به دست آورد. مانوئل نویر، دروازه بان آلمان نیز که نقش مهمی در رسیدن تیمش به قهرمانی به خصوص در فاینل این دوره داشت، به عنوان بهترین دروازه بان این جام برگزیده شد.

قابل یادآوریست که در طول ۶۴ بازی که نزدیک به یک ماه طول کشید، ۱۷۱ گل زده شد. این بیشترین تعدادی گلی است (مشترک با جام جهانی ۱۹۹۸) که در یک دوره رد و بدل شده است.



FIFA WORLD CUP
Brasil

تیم ملی فوتبال آلمان در تاریخ ۱۳ جولای در فاینل جام جهانی ۲۰۱۴ برازیل با پیروزی یک بر صفر در برابر آرژانتین، برای چهارمین بار قهرمان جهان شد.

تیم آلمان با ترکیب نویر، لام، بوتانگ، هوملس، هوودس، شواین اشتایگر، کرامر (۳۱ شورله)، تونی کروس، توماس مولر، اوزیل و کلوزه (۸۸ گوتزه) در زمین حاضر شد. در تیم ملی آرژانتین هم رومرو، گارای، زابالتا، بیگلیا، پرز (۸۶ گاکو)، هیگواین (۷۷ پالاسیو)، مسی، ماسکرانو، دمکلیس، روخو و لاوتزی (۴۶ آگوئرو) به میدان رفتند.

طبق گزارش رادیو بی بی سی، این بازی که در ورزشگاه مارکانا در ریودوژانیرو برگزار می‌شد، در ۹۰ دقیقه وقت قانونی به تساوی بدون گل رسید و بازی به وقت اضافه کشیده شد. در نیمه دوم وقت اضافه ماریو گوتزه که از میانه بازی وارد میدان شده بود، در دقیقه ۱۱۳ نخستین گل این بازی را وارد دروازه آرژانتین کرد.

دو تیم در طول بازی شانه به شانه هم بودند و بارها بر روی دروازه یکدیگر خطر آفرین شدند. لیونل مسی که انتظار می‌رفت،



بانکداری از طریق پیام کتبی

SMS Banking



غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK



طریقه استفاده:

- ❖ برای نشان دادن بیلانس حساب TAN این پیام کتبی را (Bal) به شماره ۲۲۵۵ ارسال کنید
- ❖ برای آگاهی از سه معامله آخر مان در غضنفر بانک این پیام کتبی را (TRAN) به شماره ۲۲۵۵ ارسال کنید.

دفتر مرکزی:

۸۶۶ سرک عمومی شیرپور، کابل، افغانستان / صندوق پستی: ۵۵۹۸

mainbranch@ghazanfarbank.com ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ ۰۷۹۷ ۸۶۰۰۳



نویسنده: رفیع

شمس تبریزی عارف و یاور مولانا

احترام عام برخوردار است، با اینهمه چنان مفتون این درویش بی نام و نشان میگردد که سر از پای نمی شناسد.

تأثیر شمس بر مولانا چنان بود که در مدتی کوتاه از فقیهی با تمکین، عاشقی شوریده ساخت. این پیر مرموز گمنام دل فرزند سلطان العلما را بر درس و بحث و علم رسمی سرد گردانید و او را از مسند تدریس و منبر وعظ فرو کشید و در حلقه رقص و سماع کشانید. چنانکه خود گوید:

در دست همیشه مصحفم بود در عشق گرفته ام چغانه
اندر دهنی که بود تسبیح شعر است و دوبیتی و ترانه



حالا دیگر شیخ علامه چون طفلی نوآموز در محضر این پیر مرموز زانو می زند (زن خود را که از جبرئیلش غیرت آید که در او نگرد محرم کرده، و پیش من همچنین نشسته که پسر پیش پدر نشیند، تا پاره نانش بدهد) و چنین بود که مریدان سلطان العلما سخت برآشفته و عوام و خواص شهر سر برداشتند. کار بدگوئی و زخم زبان و مخالفت در اندک زمانی به ناسزا رانی و دشمنی و کینه و عناد علنی انجامید و متعصبان ساده دل به مبارزه با شمس برخاستند.

شمس تبریزی چون عرصه را بر خود تنگ یافت، بناگاه قونیه را ترک گفت و مولانا را در آتش بیقراری نشانید. چندی گاهی خبر از شمس نبود که کجاست و در چه حال است، تا نامه ای از او رسید و معلوم شد که به نواحی شام رفته است. با وصول نامه شمس، مولانا را دل رمیده به جای باز آمد و آن شور اندرون که فسرده بود از نو بجوشید. نامه ای منظوم در قلم آورد و فرزند خود سلطان ولد را با مبلغی پول و استدعای بازگشت شمس به دمشق فرستاد.

پس از سفر قهر آمیز شمس افسردگی خاطر و ملال عمیق و عزلت و سکوت پر عتاب مولانا ارادتمندان صادق او را سخت اندوهگین و پشیمان ساخت. مریدان ساده دل که تکیه گاه روحی خود را از دست داده بودند، زبان به عذر و توبه گشودند و قول دادند که اگر شمس دیگر بار به قونیه باز

شمس الدین محمد پسر علی پسر ملک داد تبریزی از عارفان مشهور قرن هفتم هجری است، که مولانا جلال الدین بلخی مجذوب او شده و بیشتر غزلیات خود را به نام وی سروده است. از جزئیات احوالش اطلاعی در دست نیست؛ همین قدر پیداست که از پیشوایان بزرگ تصوف در عصر خود در آذربایجان و آسیای صغیر و از خلفای رکن الدین سجاسی و پیرو طریقه ضیاءالدین ابوالنجیب سهروردی بوده است. برخی دیگر وی را مرید شیخ ابوبکر سلمه باف تبریزی و بعضی مرید باباکمال خجندی دانسته اند. در هر حال سفر بسیار کرده و همیشه نمد سیاه می پوشیده و همه جا در کاروانسرا فرود می آمد و در بغداد با اوحدالدین کرمانی و نیز با فخر الدین عراقی دیدار کرده است. در سال ۶۴۲ هجری وارد قونیه شده و در خانه شکرریزان فرود آمده و در آن زمان مولانا جلال الدین محمد بلخی که فقیه و مفتی شهر بوده به دیدار وی رسیده و مجذوب او شد.

ورود شمس به قونیه و ملاقاتش با مولانا طوفانی را در محیط آرام این شهر و به ویژه در حلقه ارادتمندان مولانا برانگیخت. مولانا فرزند سلطان العلماست، مفتی شهر است، سجاده نشین باوقاری است، شاگردان و مریدان دارد، جامه فقیهانه می پوشد و به گفته سپهسالار (به طریقه و سیرت پدرش حضرت مولانا بهاءالدین الولد مثل درس گفتن و موعظه کردن) مشغول است، در محیط قونیه از اعتبار و



شمس تبریزی عارف و باور مولانا

میخائیل ای. زند درباره هم جانی شمس تبریزی و مولانا جلال الدین محمد بلخی (مولوی) چنین اظهار نظر می کند: « بطور کلی علت اینکه مولوی دیوان خود و تک تک اشعار آن را نه بنام خود، بل به نام شمس تبریزی کرد، نه استفاده از آن به عنوان ابزار شعری و نه احترام یاد رفیق گمگشته را ملحوظ کرده بود. شاعر که رفیق جانان را در عالم کبیر دنیای مادی گم کرده بود، وی در عالم صغیر روح خویشتن می یابد. و مرشدی را که رومی بدین طریق در اندرون خویش می یابد، بر وی سرود می خواند و شاعر تنها نقش یک راوی را رعایت می کند. لکن از آنجا که این اشعار در روح او زاده شده اند، پس در عین حال اشعار خود او هستند. بدین طریق جلال الدین رومی در عین حال هم شمس تبریزی است که سخنانش از زبان وی بیرون می آید و هم شمس تبریزی نیست. و شمس ذهنیت شعر است، آفریننده شعر است، قهرمان تغزلی این اشعار است، و در عین حال در سطح اول، سطح تغزلی عاشقانه که در اینجا به طور کنایی پیچیده شده است، عینیت آن نیز به شمار می رود. تمایل جلال الدین به سوی وحدت مطلق است. لکن شمس تبریزی به درک حقیقت آسمانی نایل آمده بود، در آن محو شده بود، و بخشی از آن گردید بود. بدین ترتیب نخستین سطح ادراک که در شعر صوفیانه معمولاً به وسیله یک تعبیر ثنوی از سطح دوم جدا میشود، در اینجا به طور دیالکتیکی به سطح دوم تعالی می یابد.

در هر حال زندگانی شمس تبریزی بسیار تاریک است. برخی ناپدید شدن وی را در سال ۶۴۳ هجری دانسته اند و برخی درگذشت او را در سال ۶۷۲ هجری ثبت کرده اند و نوشته اند که در خوی مدفون شده است. (لازم به توضیح است: نگارنده (رفیع) در سفری که به سال ۱۳۶۶ خورشیدی به قونیه کردم، آرامگاهی مجلل در شهر قونیه ترکیه بنام آرامگاه شمس تبریزی مشاهده نمودم). این عارف کم نظیر زبان و ادب فارسی یکی از آزاد اندیشان جهان است که بشریت به وجودش فخر خواهد کرد. مجموعه تقریرات و ملفوظات وی به نام مقالات موجود است که مریدانش آن را جمع کرده اند.

منبع: فرهنگسرا

آید از خدمت او کوتاهی ننمایند و زبان از تشنیه و تعرض بریندند. براستی هم پس از بازگشت شمس به قونیه منکران سابق سر در قدمش نهادند. شمس عذر آنان را پذیرفت. محفل مولانا شور و حالی تازه یافت و گرم شد.

مولانا در این باره سروده است:

شمس و قمرم آمد، سمع و بصرم آمد و آن
سیمبرم آمد، آن کان زرم آمد
امروز به از دینه، ای مونس دیرینه دی
مست بدان بودم، کز وی خبرم آمد
آن کس که همی جستم دی من بچراغ او را امروز چو
تنگ گل، در رهگذرم آمد
از مرگ چرا ترسم، کاه آب حیات آمد وز طعنه
چرا ترسم، چون او سپرم آمد
امروز سلیمانم، کانگشتریم دادی زان تاج
ملوکانه، بر فرق سرم آمد

پس از بازگشت شمس ندامت و سکوت مخالفان دیری نپائید و موج مخالفت با او بار دیگر بالا گرفت. تشنیه و بدگوئی و زخم زبان چندان شد که شمس این بار بی خبر از همه قونیه را ترک کرد و ناپدید شد و به قول ولد (ناگهان گم شد از میان همه) چنانکه دیگر از او خبری نیامد. اندوه و بیقراری مولانا از فراق شمس این بار شدیدتر بود. چنانکه سلطان ولد گوید: بانگ و افغان او به عرش رسید ناله اش را خرد و بزرگ شنید.

منتهی در سفر اول شمس غم دوری مولانا را به سکوت و عزلت فرا می خواند، چنانکه سماع و رقص و شعر و غزل را ترک گفت و روی از همگان درهم کشید. لیکن در سفر دوم مولانا درست معکوس آن حال را داشت؛ آن بار چون کوه به هنگام نزول شب، سرد و تنها و سنگین و دژم و خاموش بود، و این بار چون سیلاب بهاری خروشان و دمان و پر غریو و فریاد گردید. مولانا که خیال می کرد شمس این بار نیز به جانب دمشق رفته است، دوباره در طلب او به شام رفت؛ لیکن هر چه بیشتر جست، نشان او کمتر یافت و به هر جا که میرفت و هر کس را که می دید سراغ شمس می گرفت. غزلیات این دوره از زندگی مولانا از طوفان درد و شیدائی غریبی که در جان او بود حکایت می کند.



شعری از شاد روان سیمین بهبهانی

ای آن که گاه گاه ز من یاد می کنی
پیوسته شادزی که دلی شاد می کنی
گفتی: "برو!" ولیک نگفتی کجا رود
این مرغ پر شکسته که آزاد می کنی
پنهان مساز راز غم خویش در سکوت
باری، در آن نگاه، چو فریاد می کنی
ای سیل اشک من! ز چه بنیاد می کنی؟
ای درد عشق او! از چه بیداد می کنی؟
نازک تر از خیال منی، ای نگاه! لیک
با سینه کار دشنه ی پولاد می کنی
نقشت ز لوح خاطر سیمین نمی رود
ای آن که گاه گاه ز من یاد می کنی
روحش شاد و بادش گرمی باد!

از فراق در فغانم تا هنوز
دم ندارد پای جانم تا هنوز
من کجا و از تو دل کندن کجا
با خیالت مهربانم تا هنوز
با خیالت بی خیال بی خیال
تیری عشقی در کمانم تا هنوز
سر بغاوت می کند با من ولی
دل به کف دارد عنانم تا هنوز
پنجه ی دل کی رهایم می کند
می تراشد استخوانم تا هنوز
فصل تاراج خزانم می رسد!
می نمایی امتحانم تا هنوز؟
راحله یار



نبیستان

●● (ویژه شعر و ادب)

نوح من

ای غم تو برده مرا تا به عرش
پیش قدم های گل و سبزه فرش
تا شده هم جوش تو این روح من
برده به دریا تن من نوح من
غرقه نورم به خدا همچو حور
سخت صبورم ز تو هر چند دور

نقیسه خوشنصیب غضنفر

امروز

نه آغاز و نه انجام جهان است
ای بس غم و شادی، که پس پرده نهان است
گر مرد رهی؛ غم مخور از دوری و دیری
دانی که رسیدن هنر گام زمان است
تو رهرو دیرینه سرمزل عشقی
بنگر که ز خون تو به هر گام نشان است
آبی که بر آسود، زمینش بخورد زود
دریا شود آن رود که پیوسته روان است
از روی تو دل کندنم آموخت زمانه
این دیده از ان روست که خونابه فشان است
درد و دریا که در این بازی خونین
بازیچه ایام دل آدمیان است.
هوشنگ ابتهاج



غزل

هیخ امید ترې مکره که خوګ ځان دې تا غلام بولي
ما غلامانه ذهنیتونه پېژندلي دي
لوړ مقام ته رسي چې بوتونه پاکوي د بل
ډېر پدغه شغل ریاست ته رسېدلي دي

الف



په مینه، مینه مینه که یو بل ته غېږې وا کړو
په دې ورکه دنیا کې به اخر سره پخلا کړو
پر جنگ به تیره کېږدو، جنگ به مړو سترگو ته پرېږدو
راځه چې له شاهین سره کوترې په هوا کړو
لیلا چې کوم خوا سترگې غړوي مجنون به ویني
او ډکه له لیلا نه به څلور کونجه دنیا کړو
منصور به په گلاب او په نرگسو باندې ولو
د حق پر ضد باطله به د هر ملافتوا کړو
دا توره وچکالي به پې په سپینو اوښکو وینځو
له ډېرې خوشالی نه به بللې په ژړا کړو
شپې ورځې د ژوندون به مو خوشبو کې وي نغښتي
لمونځونه د سحر به په گلونو کې ادا کړو
روان به شو "کاروانه!" د ښو پر څوکو- څوکو
رانجه به د جانان له خماری سترگو نه غلا کړو

پیرمحمد کاروان

غزل

لکه د اوښکې زړه ژور نه لري
داسې موجونه سمندر نه لري
تا به په خپل تصویر کې څوک ځایوي؟
دلته خو څوک داسې هنر نه لري
په خومره خلکو کې تنها وي سړی
چې زړه لري او د زړه سر نه لري
په خوله خو اوس هم خلک مینې کوي
په شونډو پار په زړه پرهر نه لري
مازديگری په زړه د ننه ژاړي
پېغلې منگی لري ګودر نه لري
ستا د خبرو د منطق نه لوګی
وزن بلا لري ، باور نه لري
قیصه زما د مستقبل سائله
چې شپه لري څنګ به سحر نه لري

رحمت شاه سائل

اعتراف

نه مې د چا مال خوړلی نه مې څوک وژلي دي
نه مې چاته ورک شه یا گم شو کله ويلي دي
نوره گناه نلرم پدې گناه مې مه نیسئ
زړه کې مې چې پټ ظالم ته بد غوندې کتلي دي
وخت د اعتراف دی گناه خپله درته وایمه
نه یمه منکر په مظلومانو مې ژړلي دي
نه ومه خبر پرده مې لږ غوندې چې جگه کړه
نه دي د ویلو هغه څه چې ما لیدلي دي
زه یې په لیدلو او ویلو گناهګار شومه
نور یې په کولو او عمل باندې شاغلي دي
نه یمه خاین په خیانت د خلکو پوه یمه
پوهه که گناه ده خلک ټول اوس پوهیدلي دي
دا چې ډېر کاږه درته ولاړ دي ټیټ سرونه هم
ستا مخ کې چې سم نه شول سم کله چلیدلي دي



جمله های طلایی

(یک جمله ارزشمند می تواند زندگی انسان را دگرگون و هدفمند کند.)

قسمت سی و دوم:

- بهترین متاع دنیا، همسر شایسته است. (پیامبر اکرم (ص))
- نیک بخت ترین مردم کسی است که کردار را به سخاوت بیاراید و گفتار به راستی. (ابن سینا)
- اگر زیبایی را آواز سر دهی، حتی در تنهایی بیابان، گوش شنوا خواهی یافت. (خلیل جبران)
- کسی که به تمرینهای بدنی میپردازد به هیچ دارویی نیاز ندارد، درمان او در جنبش و حرکت است. (ابن سینا)
- علت هر شکستی، عمل کردن بدون فکر است. (الکس مککنزی)
- نباید از خسته بودن خود شرمند باشی بلکه فقط باید سعی کنی خسته آور نباشی. (هیلزهام)
- هر که دنیا خواهد، دانش آموزد و هر که آخرت خواهد در عمل کوشد. (ابن سینا)
- آرزو دارم روزی این حقیقت به واقعیت مبدل شود که همه ی انسان ها برابرند. (مارتین لوتر کینگ)
- چیزی ساده تر از بزرگی نیست آری ساده بودن همانا بزرگ بودن است. (امرسون)
- آنکه خود را به امور کوچک سرگرم می کند یقیناً توانایی انجام کارهای بزرگ را ندارد. (لاروشفوکو)
- دانستن کافی نیست، باید به دانسته ی خود عمل کنی. (ناپلئون هیل)
- اگر در اولین قدم، موفقیت نصیب ما می شد، سعی و عمل دیگر معنی نداشت. (موریس مترلینگ)
- سرچشمه همه فسادها بیکاری است، شیطان برای دست های بیکار، کار تهیه می کند. (پاسکال)
- مدام برای انجام وظایف و کارهای اصلی خود وقت ایجاد کنی. (بردروم ریپورتس)
- اگر با خونسردی گناهان کوچک را مرتکب شدیم، روزی می رسد که بدترین گناهان را هم بدون خجالت و پشیمانی مرتکب می شویم (شوینهاور)
- خشم زن مانند الماس است می درخشد اما نمی سوزاند. (رایبندانات تاگور)
- زن کودکی است که با اندک تبسم خندان و با کمترین بی مهری گریان می شود. (هرود)
- دو خط موازی هیچ وقت به هم نمی رسن، مگه اینکه یکیشون برای دیگری بشکند. (ناشناس)
- شاد بودن بزرگترین انتقامی است که می توان از زندگی گرفت. (ارنستو چه گوارا)
- بهترین نشانه ی تمدن، وجود انسان بزرگوار و نیک است که خودخواه نباشد و همراه با دیگران برای خوشبختی همه کار کند. (جواهر لعل نهرو)
- تنها فضیلتی که من خواهان آن هستم، حقیقت و عدم توسل به زور است. (گاندی)
- اگر کسی بگوید که هرگز در زندگیش اشتباه نکرده است بدین معنی است که هرگز سعی نکرده است چیز جدیدی را آزمایش کند! (آلبرت انشتاین)
- همه می خواهند بشریت را عوض کنند، دریا که هیچ کس در این اندیشه نیست که خود را عوض کند. (لئو تولستوی)
- صحت، جمال، مال و رفیق پله های سعادت و رسیدن به هدف است. (ساموئید)
- آنگاه که می بازی از باختنت درس بگیر. (دالای لاما)
- موفقیت کلید شادی نیست، شادی کلید موفقیت است؛ اگر آنچه انجام می دهی دوست بداری، موفق خواهی بود. (هرمن کین)
- شکست بیش از موفقیت آموزنده است؛ کسی که هیچ گاه اشتباه نمی کند، هرگز به جایی نمی رسد. (راکفلر)



- هر کس خواهان موفقیت است باید یاد بگیرد که ناکامی جزء حتمی فرایند پیشرفت است. (برادرز)
- موفقیت، مساوی با رسیدن به هدف نیست، بلکه خود سفر است. (جان ماکسول)
- رمز موفقیت، پابندی به هدف در زندگی است. (بنجامین دیزارئیلی)
- نخستین قانون موفقیت، تمرکز است. (ویلیام ماتیوس)
- برای کسی که پیوسته و آهسته راه می‌رود، هیچ راهی دور نیست. (لابرویر)
- خشم و غضب را به درگاه انسان ها با اراده راهی نیست. (سقراط)
- قرائت کتابهای خوب مکالمه با مردمان شرافتمند گذشته است. (دکارت)
- نام نیک پیراهنی است که هرگز کهنه نمی شود. (ادیسون)
- مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد آوردن مال. (سعدی)
- آنگاه که در وجودمان شجاعت نباشد، مرده ایم. (ویلیام بلیک)
- اگر به موفقیت خود ایمان داشته باشی حتما پیروز خواهی شد. (دیوید شوارتز)
- در شغلی که بتو محول نیست اندیشه و تدبیر مکن. (ناشناس)
- مرد شجاع همیشه آخر از همه به خود می اندیشد. (شچدرین)
- مرد بزرگ کسی است که در سینه خود قلبی کودکانه و مهربان داشته باشد. (سیسرون)
- دانش الهی از راه کتابها کسب نمی شود. بلکه باید آن را در وجود خود درک کرد. (ماهاتما گاندی)
- محبت نیرومندترین قدرتی است که جهان در اختیار خود دارد و در عین حال ساده ترین نیرویی است که بتوان تصور کرد. (ماهاتما گاندی)
- به رویاها ایمان بیاورید که دروازه های ابدیت اند. (جبران خلیل جبران)
- انسان فرزانه با مشعل دانش و حکمت، پیش رفته و راه بشریت را روشن می سازد. (جبران خلیل جبران)
- الماس را جز در قعر زمین نمی توان یافت و حقایق را جز در اعماق فکر نمی توان کشف کرد. (ویکتور هوگو)
- زیبایی که با فضیلت توأم نباشد، گل بی عطر و بویی را ماند. (ویکتور هوگو)
- آنچه می دانیم یک قطره است، آنچه نمی دانیم یک اقیانوس. (آیزاک نیوتن)
- اندیشیدن، خود، گونه ای گفتگوی روح با خویشتن است. (افلاطون)
- آنچه سودمند است، زیباست و آنچه زیان آور است، زشت. (افلاطون)
- سرنوشت خود را با افکار تعیین کنی. (توماس کارلایل)
- رمز کلیه پیروزی ها اراده است. (روبرتسون)
- تکبر آسان ترین راه برای از بین بردن افتخارات است. (نیچه)
- باید تمدن در خدمت بشریت باشد، نه بشریت در خدمت تمدن. (البر کامو)
- ثروت دانا، همان علم و دانش اوست. (پاسکال)
- به زیانت اجازه نده که قبل از اندیشه ات به کار افتد. (شیلون)
- مبارزه است که قدرت به وجود می آورد نه استراحت. (مادام استاهل)
- سه چیز در قضاوت لازم است: علم، وجدان و حوصله. (لامانوسوف)
- حسادت اولین درس شیطان به انسان احمق است. (ناشناس)
- اعتقاد به بخت و قسمت بدترین نوع بردگی است. (اپیکتت)
- خونسردی بزرگترین صفت یک فرمانده است. (ناپلیون)



حکایت و اندرز

عواقب تکیه بر دیگران

پادشاهی در یک شب سرد زمستان از قصر خارج شد. هنگام بازگشت سرباز پیری را دید که با لباسی اندک در سرما نگرهبانی می داد. از او پرسید: «آیا سردت نیست؟»

نگهبان پیر گفت: «چرا ای پادشاه، اما لباس گرم ندارم و مجبورم تحمل کنم.»

پادشاه گفت: «من داخل قصر می روم و می گویم یکی از لباس های گرم مرا برایت بیاورند.»

نگهبان سرخم کرد و از پادشاه تشکر کرد. اما پادشاه به محض ورود به داخل قصر وعده اش را فراموش کرد. صبح روز بعد جسد سرمازده پیرمرد را در حوالی قصر پیدا کردند در حالی که در کنارش با خطی شکسته نوشته بود: «ای پادشاه، من هر شب با همین لباس نازک سرما را تحمل می کردم. اما وعده لباس گرم تو مرا از پای درآورد.»

زیبایی انسان در چیست؟

روزی شاگردان نزد حکیم رفتند و پرسیدند: استاد زیبایی انسان در چیست؟ حکیم ۲ کاسه کنار شاگردان گذاشت و گفت: به این ۲ کاسه نگاه کنید اولی از طلا درست شده است و درونش زهر است و دومی کاسه ای گلیست و درونش آب گوارا است، شما کدام رامی خورید؟ شاگردان جواب دادند: کاسه گلی را. حکیم گفت: آدمی هم چون این کاسه است. آنچه که آدمی را زیبا می کند درونش و اخلاقش است. باید سیرتمان را زیبا کنیم نه صورتمان را.

اندرز سقراط حکیم

روزی سقراط، حکیم معروف یونانی، مردی را دید که خیلی ناراحت و متاثر است. علت ناراحتیش را پرسید، پاسخ داد: "در راه که می آمدم یکی از آشنایان را دیدم سلام کردم جواب نداد و با بی اعتنائی و خودخواهی گذشت و رفت و من از این طرز رفتار او خیلی رنجیدم." سقراط گفت: "چرا رنجیدی؟" مرد با تعجب گفت: "خب معلوم است، چنین رفتاری ناراحت کننده است."

سقراط پرسید: "اگر در راه کسی را می دیدی که به زمین افتاده و از درد و بیماری به خود می پیچد، آیا از دست او دلخور و رنجیده می شدی؟" مرد گفت: "مسلماً است که هرگز دلخور نمی شدم. آدم که از بیمار بودن کسی دلخور نمی شود."

سقراط پرسید: "به جای دلخوری چه احساسی می یافتی و چه می کردی؟"

مرد جواب داد: "احساس دلسوزی و شفقت و سعی می کردم طبیب یا دارویی به او برسانم."

سقراط گفت: "همه ی این کارها را به خاطر آن می کردی که او را بیمار می دانستی، آیا انسان تنها جسمش بیمار می شود؟ و آیا کسی که رفتارش نادرست است، روانش بیمار نیست؟ اگر کسی فکر و روانش سالم باشد، هرگز رفتار بدی از او دیده نمی شود؟ بیماری فکر و روان نامش "غفلت" است و باید به جای دلخوری و رنجش، نسبت به کسی که بدی می کند و غافل است، دل سوزاند و کمک کرد و به او طبیب روح و داروی جان رساند."

پس از دست هیچکس دلخور مشو و کینه به دل مگیر و آرامش خود را هرگز از دست مده و بدان که هر وقت کسی بدی می کند، در آن لحظه بیمار است.



2.jpg

نمایندگی های غضنفر بانک از شما استقبال می کند

کندهار

د کفتان مدد چوک، احمدی پلازه، د کندهار صرافي
او سوداگری مارکیټ ته مخامخ - کندهار
اړیکه: 0797 86 00 12
kandahar@ghazanfarbank.com



شعبه مرکزی

۸۲۲ سرک عمومی شیرپور، صندوق پستی ۵۵۹۸
شماره های تماس: 0798 786 786, 0707 786 786
0797 860 003, 0775 786 786
info@ghazanfarbank.com
mainbranch@ghazanfarbank.com



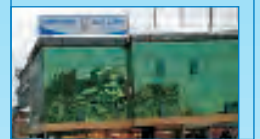
جلال آباد

چوک مخابرات، مقابل گل فروش ها
شماره تماس: 0797 86 00 08
Jalalabad@ghazanfarbank.com



سرای شهزاده

منزل سوم، سرای شهزاده، کابل
شماره تماس: 0797 86 00 10
shahzada@ghazanfarbank.com



پلخمری

چوک پلخمری، فیصل مارکیت، منزل دوم
شماره تماس: 0797 86 00 38
polekhomri@ghazanfarbank.com



شهر نو

شهر نو پلازا، مقابل ام تی ان پلازا، شهر نو، کابل
شماره تماس: 0797 86 00 42
shahrenaw@ghazanfarbank.com



مزار شریف

جاده بیهقی، برج غضنفر
شماره تماس: 0797 86 00 80
mazar@ghazanfarbank.com



کندز

جاده شیرخان بندر، مارکیت حاجی امان، دست چپ
شماره تماس: 0797 86 00 75
kunduz@ghazanfarbank.com



حیرتان

بازار پترولیم، مقابل اپارتمان عباس ابراهیم زاده
شماره تماس: 0797 86 00 22
hayratan@ghazanfarbank.com



تخار

شهر تالقان، چوک تخار، رسته مسجد جامع
شماره تماس: 0797 86 00 73
takhar@ghazanfarbank.com



هرات

شهر نو، جاده بهزاد، حفیظی پلازا
شماره تماس: 0797 86 00 70
herat@ghazanfarbank.com





نامه جبران خلیل (جبران) درباره ازدواج

خواهی، به دیگری آزادی بده. تنها می توانیم چیزی را بگیریم که می دهیم.

برای مردمان هوشمند، بنیان ازدواج یک دوستی ناب است، تا در آن، برای دست یازیدن به رویاهای خود و رویاهای کسی که دوستش دارند، بجنگند. بدون این رویاها، زناشویی به خوردن نان چاشت و شب در آشپزخانه تبدیل می شود.

دو روح همانند وجود ندارد. در دوستی و عشق، دو نفر، برای دست یافتن به چیزی آستین بالا می زنند، که اگر تنها باشند، نمی توانند به دست آورند.

عبارت قدیمی در مراسم زناشویی: ... بدین ترتیب، تو فلانی را می پذیری، در سلامت و بیماری ... و غیره، کلاً ابلهانه است. چگونه کسی می تواند دیگری را بپذیرد؟ در این صورت، یکی از آن دو، وجود خود را کنار می گذارد، یا به عبارت بهتر، آن زوج در کنار هم، هویت مستقل خود را از دست می دهند.

زناشویی، بهترین شیوه بخشیدن، و باز بخشیدن است. اما هرگز نمی توانیم فراموش کنیم که انسان ها همواره از هم جدايند. دوره پیش از زناشویی، دوره معجزه آسایی است که در آن به محبوب خود نزدیک می شویم، صحبت می کنیم، و آن چه را که به ما اجازه شادی و خوشبختی می دهد، می آموزیم، و درمی یابیم که چه باید کرد تا این خوشبختی هرگز غروب نکند.

نمی توانیم اجازه دهیم که گذر ستمگرانه زمان به این افسون پایان دهد. برای این که شور و عشق اولیه زنده بماند، بخشی از اوقات هر کسی باید فقط به خود او تعلق داشته باشد. هیچ کدام از ما، آن قدر خردمند نیست که بتواند تصمیمی متداخل در زندگی دیگری بگیرد. کافی است فقط به یک قانون توجه شود «صداقت» و همه چیز دقیقاً همچون یک رویا خواهد بود.

زناشویی به هیچ کس اجازه نمی دهد دیگری را به بردگی بکشد، مگر جایی که فرمان بر بودن را بر خود روا داری. در مقابل، فراسوی آن چه خود می





محاورة اوزبیکي (15)

عزیزالله ارال

از کتاب "محاورة دری - انگلیسی - اوزبیکي"

سیاحت	Traveling	گزیش
من دوست دارم خودم (با فامیلیم) سیاحت کنم	I like to travel alone (with my family)	مېن بیر اؤزیم (عایلم بیلن) گزیش نی یخشی کؤره من
ما کابل می آییم	We're leaving for Kabul	بیز کابل گه باره میز
من فردا (یک هفته بعد، دو روز بعد) میروم	I'm going tomorrow (in a week, in 2 days)	مېن ایرته گه (بیر هفته دن کپین، ایککی کون دن کپین) کپته من
من به روز دوشنبه (۱۲ ماه بعد) پس می آییم	I will come back on Monday (in 12 months)	مېن دوشنبه کونی (اؤن ایککی آی دن کپین) قیٹیپ کپله من
من هنوز اشیای خود را جمع نکردم	I have not packed my things yet	مېن هلی نرسه لریمن نی پیغیشتیتمه دیم
من همین حالا از شمال پس آمدم خدا حافظ! (سفر بخیر)	I've just come back from the North Good luck to you	مېن ایندی گینه شمال دن قیٹیپ کپلیم خیر، یخشی باریب کپلینگ!
سفر خوش!	A pleasant journey!	یخشی بارینگ! آق یؤل!

سفر در سرویس	Traveling by Bus	سرویس ده سفر
من به مزار شریف تکت می خواهم	I want a ticket to Mazar-e-sharif	مېن گه مزار شریف گه چه چیپته (تکت) کپره ک
سرویس کدام روزها به اندخوی می رود؟	What is the bus schedule to Andkhai?	اندخوی گه سبروویس قیسی کون لری کپته دی؟
می خواهم پیش از پیش تکت سفارش دهم	I'd like to book tickets in advance	مېن چیپته لرنی آلدین دن بویور تیر ماچی من
تکت ها را از طریق تلفن فرمایش داده می توانم؟	May I reserve them by phone?	چیپته لرنی تلفون آرقه لی بویور تیره آله من می؟
یک تکت به ساعت ۵:۳۰ به تاشقورغان می خواهم	I'd like a ticket for the 5:30 to Tashqurghan	ساعت بېش یریم ده گی سرویس گه تاشقورغان گچه بیرته چیپته بپرینگ
این سرویس عادی است یا که تیز رفتار؟	Is that a slow bus or an express bus?	بو عادی می یا که تیز یوره دیکن سرویس؟



قیمت تکت (کرایه) چند است؟	How much is the fare?	چیپته (کرایه) نچه پول توره دی؟
می بخشید، تکت ها فروخته شد	I am sorry, but we are all booked out	کپیچره سیز، برچه چیپته لر ساتیلیب بؤلدی
ما تکت ها را یک هفته قبل میفروشیم	We are selling tickets for a week in advance	بیز تکت لرنی بیر هفته آلدین ساته میز
این ارزان تر میشود	This is cheaper	بو ارزان راق بؤله دی (بو ارزان راق توشه دی)

ایستگاه ریل Railway station ریل بیکتی

ما به وقت معین رسیدیم	We are on time	بیز وقتی ده کبلدیک
ریل ما از کدام خط حرکت میکند؟	Which platform is ours?	بیز قیسی یؤلک دن کپته میز؟

داخل ریل On the Train ریلده

ما به اساس جدول رهسپار شدیم	We left on schedule	بیز جدول بویچه جؤنه دیک
ما به اساس جدول روان هستیم	We are on schedule	بیز جدول بویچه کپته یاپمیز
ما دیر می کنیم	We are behind schedule	بیز کپیچکه یاپمیز
تکت مرا بیاورید!	Bring me my ticket	مپینگ چیپته نی آلیب کپلینگ!

سفر باطیاره Traveling by Plane اوچقوچده سفر

طیاره چه وقت به کابل پرواز میکند؟	At what time does the plane depart for Kabul?	اوچقوچ کابل گه ساعت نچه ده اوچیب کپته-دی؟
طیاره چه وقت به زمین می نشیند؟	What time does the plane land?	اوچقوچ ساعت نچه ده قونده دی؟
به میدان هوایی چه قسم رفته می توانم؟	How can I got to the airport?	هوا میدانی (قونیلغه) گه قنده ی باریشیم ممکن؟
کجا می توانم راجستر کنم؟	Where should I register?	قه بیرده راجستر قیلیشیم ممکن؟
مارا برای راجستر (رفتن به طیاره) دعوت میکنند	We are invited to board (to walk to the plane)	بیزنی راجستر قیلیش گه (اوچقوچ گه چیقیش گه) تکلیف قیلماقده
آیا به اضافه بار بیردازم؟	Do I pay for my extra luggage?	آر تیقچه یوکیم گه پول توله شیم کبره کمی؟



On the Plane

داخل طیاره

اوچیش بلندیگی اؤن بېش مینگ متر	The altitude of flight is 15 thousand meters	ارتفاع پرواز ۱۵ هزار متر است
اوچقوچ تیزلیگی ساعتی گه بیر مینگ کیلومتر	The cruising speed is about 1000 km per hour	سرعت طیاره هزار کیلومتر در ساعت است
چوکی (اؤریندیق) سونچیقی نی توشوریشینگیز ممکن	You can recline your seat	پشت سر چوکی را میتوانید پایین ببرید
اوچقوچ قۇنماقده	The plane is landing	طیاره به زمین می نشیند
بیر پیاله قهوه (بیر گیلای شربت) ممکن- می؟	May I have a cup of coffee (a glass of juice)	آیا یک پیاله قهوه (یک گیلای جوس) ممکن است؟
اؤزیم نی اونچه لیک یخشی حس قیلمه یاپمن	I am a little airsick	کمی بی تاب هستم
اؤریندیغیم نی کؤرستیب بره سیز می؟	Will you show me my seat?	چوکی ام را نشان داده میتوانید؟
اوچقوچ	Aircraft	هوا پیما، طیاره
هوا یولی	Airline	خط هوایی
سرویس تورر یبری	Bus terminal	قرارگاه سرویس
یؤل کؤرسه توچی	Conductor	رهنما
تؤرت یؤل	Crossing	چارراهی
تمان	Direction	طرف، جهت
اوچیش	Flight	پرواز
یؤلاچی	Passenger	مسافر
یؤلک	Pavement	راهرو، پیاده رو
یاقلیغی شاخابچه سی	Petrol station	تانک تیل
اوچیش و قۇنیش میدانی	Run-way	میدان پرواز و نشست
یؤللو چی چراغ	Traffic-light	چراغ ترافیک
یؤل باشقروچی، نظارتچی	Traffic officer	ترافیک

ادامه دارد...



Ghazanfar Bank ATM Locations at present:

- Main Branch, Sherpur Main Road, Kabul Afghanistan
- Mazar-e-sharif Branch, Burj Ghazanfar, Mazar, Afghanistan
- U.S Consulate sub-office in Barakat Building for U.S army near to Barak Square, Mazar-e-sharif
- Other ATM location coming soon.

Important Guidelines:

- At no time to use or attempt to use the card unless there are sufficient funds in your account to cover the withdrawal.
- Not to use or attempt to use the card after any notification of its cancellation or withdrawal has been given to you by the

bank or any person acting on behalf of the bank.

- To restrict use of the card exclusively to yourself as it is not transferable.
- At no time and under no circumstances to disclose to any person the Personal Identification Number (PIN) allotted to you to facilitate the use of the card.
- To immediately notify the bank of the loss or theft of the card.

Contact us:

For any issue related to ATM, contact on below information:

- Visit nearest Ghazanfar Bank Branch
- Call us on +93 792 214 214
- atm.support@ghazanfarbank.com



- When you receive your card and PIN, send mail to ATM department for card activation (atm-head@ghazanfarbank.com)

USAGE FEES & CHARGES:

Card Account Other Fee in USD

S No	Details	Amount in USD
1	Card Issuance Charges (First Time)	15
2	Replacement Card	10
3	Re-Issue Card	10
4	Re-issue PIN	5
5	Card Cancellation (Account Termination)	10

Following charges will apply to your transactions:

S No	Transaction Origin	Amount in USD
1	If cash is withdrawn from Bank ATM	Free
2	If cash is withdrawn from local bank's ATM which is also in CSC Network	2
3	If cash is withdrawn from local bank's ATM which is not also in CSC Network	3
4	ATM International	8
5	Counter Cash Withdrawal	8

Non-Financial Transaction Fee in USD:

S No	Transaction Origin	Amount in USD
1	Bank ATM (Balance inquiry or any other Non-financial transaction)	0.10
2	Local Bank ATM but CSC Network (any Non-financial transaction)	0.20
3	International ATM	0.75

Card Account Annual Maintenance Fee in USD:

S No	Transaction Origin	Amount in USD
1	New Basic Card	20
2	Renewal Basic Card	20
3	New Supplementary Card	10
4	Renewal Supplementary Card	10

This fee will apply to both active and inactive card status as long as the card is non-expired and non-cancelled.

What do I do if I lose my card?

In case you lose your card please immediately visit the nearest GB branch or call on +93 792 214 214. Please note that even after you call

the mentioned number, you will still need to come to branch for filling the necessary forms to complete the formalities ,although your card will be blocked as soon as possible.



Ghazanfar Bank Debit Card Information

Welcome to the world of Possibilities!

We are pleased to introduce you Titanium Debit Card. It is Master card branded. This card allows you to withdraw cash from your account provided there is sufficient balance in it from any ATM connected with Master Card at any time. This card also allows you to withdraw cash at local currency of any country you are visiting.

Please NOTE that you shall also receive with this card, a security Sealed Personal Identification Number (PIN) mailer.

Ensure to change the initial PIN at GB ATM immediately after activation of your card.

The new PIN should be memorized and MUST not be shared with any one.

Using your card for the First Time!

1. Receive your card and Sealed PIN mailer
2. Activate your card immediately
3. Ensure you change the default PIN immediately after activation and/or before you travel overseas with your card

How can you have GB Titanium Debit Card?

With opening a saving, current or salary account you can receive this card. If you are existing customer of GB, simply come to branch and apply for this card. The branch will get the form filled from you and obtain the required documents and you will be able to receive your Master Debit Card in two weeks' time.



Benefits of Using GB Titanium Debit Card:

Your card can be used to carry out the following functions:

- Cash Withdrawal from any MasterCard ATM
- Payment for goods and services through POS terminal
- Balance Enquiry
- Mini Statement
- PIN change

Transactions related information

- Number of cash transactions allowed per day is 5 and each withdrawal is limited to an amount of USD200 and the aggregated amount of withdrawals are limited to USD 1,000 per day.
- Number of retail transactions allowed per day is 15 with total aggregated amount of USD7,500 per day. (it means the transactions through Point of Sales)
- Your card will expire after 5 years. You will be contacted two months prior to expiry for renewal.